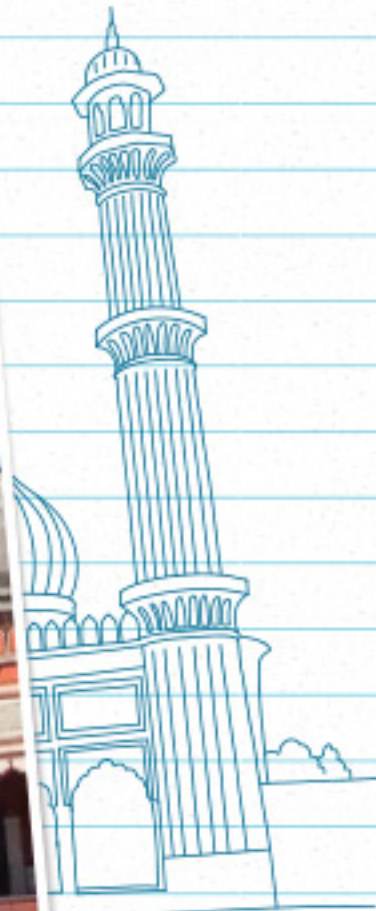


درس اول

## الدِّينُ وَالتَّحْدِثُ



### دانش‌آموزان عزیز:

با توجه به اینکه در امتحان نهایی پایه دوازدهم بین ۶ تا ۷ نمره از مطالب و قواعد سال‌های هفتم تا یازدهم سؤال داریم، توصیه جدی می‌کنیم که اگر در این بخش ضعیف هستید، قبل از شروع سال دوازدهم، حتماً به «بخش ویژه» در انتهای کتاب بروید و آن‌ها را مطالعه و مرور کنید؛ زیرا در هر درس تمرین‌های قابل توجه و پر بار می‌از پایه خواهیم داشت.

# حروف مشبّهه و «لا» نفی جنس

**مشاوره:** قواعد این درس درباره حروف مشبّهه بالفعل و «لا» نفی جنس است، اما عملاً محتوای این دو موضوع، قواعدی نیست و بیشتر مربوط به ترجمه و اترمعنایی این دو جمله است. پس درس یک قواعد چندانی ندارد و باید کاربرد آن را در قسمت ترجمه یاد بگیرید که مثلاً «إِنَّ» چگونه ترجمه می‌شود یا فعل مضارع بعد از «لیت» و «لعل» چگونه ترجمه می‌شوند یا در ترجمه «لا» نفی جنس چگونه عمل می‌کنیم و... در امتحانات مختلف هم نهایت سؤالی که از قواعد این درس می‌آید، بحث شناخت این حروف است که مثلاً حرف مشبّهه را پیدا کنید یا «لا» نفی جنس کدام است؟ اما نکته بعدی، حجم درس یک است؛ این درس لغات و عبارات قابل توجهی دارد و جزو درس‌های مُفَصَّل به حساب می‌آید، پس طبیعتاً لغات و جملاتش غالباً در آزمون‌های مختلف مورد سؤال است.

البته اگر سؤالات این درس را توزّق کنید متوجه می‌شوید که سایر موضوعات مثل نقش‌یابی (محل اعرابی) یا تعیین انواع اسم یا تحلیل صرفی و... نیز قسمت قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند، چون که درس اول بوده است و عملاً یک‌سری تمرین هم برای تسلط بیشتر شما بر پایه آورده‌ایم، پس به‌طور کلی درس یک در موضوعات مختلف، مُفَصَّل و نسبتاً پُر حجم است ولی سایر درس‌ها حجم کم‌تری خواهند داشت.

## درسنامه قواعد درس اول

### حروف مُشبّهه بالفعل

حروف مُشبّهه عبارت‌اند از: «إِنَّ، أَنْ، لَكِنْ، كَأَنَّ، لَعَلَّ، لَيْتَ»؛ این حروف حتماً بر سر جمله اسمیه می‌آیند و آن‌ها را از نظر معنایی تغییر می‌دهند و مفهوم و منظور جدیدی به جمله می‌دهند؛ پس در همین ابتدا دقت کنید که این حروف هرگز مستقیماً با فعل نمی‌آیند و حتماً بعد از آن‌ها اسم، ضمیر یا جار و مجرور می‌آید.

مثال: لَعَلَّ السَّيَّارَةَ تَصِلُ. ✓

لَعَلَّ تَصِلُ السَّيَّارَةُ. ✗

إِنَّ الْمُشْتَرَى يَنْظُرُ إِلَى الْبَضَائِعِ. ✓

إِنَّ يَنْظُرُ الْمُشْتَرَى إِلَى الْبَضَائِعِ. ✗

### کاربرد معنایی حروف مُشبّهه بالفعل

① **إِنَّ:** همواره ابتدای جمله می‌آید، معنای «حتماً، قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان» (قیدهای تأکیدی) دارد و بر تمام جمله پس از خود تأکید می‌کند (نه یک اسم، فعل یا بخشی از جمله).

مثال: إِنَّ الدِّينَ أَكْرَمَ الْإِنْسَانِ. ← همانا دین، انسان را گرامی داشت.

رکن مورد تأکید

إِنَّ الْأَطْفَالَ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ. ← به درستی کودکان به توجه نیاز دارند.

رکن مورد تأکید

**تذکره:** ۱ در دو مثال بالا، ارکان مورد تأکید را مُعَيَّن کرده‌ایم؛ اما بد

نیست بدانید وقتی می‌خواهیم به عربی بگوییم کل جمله مورد تأکید است از این اصطلاحات استفاده می‌کنیم:

«تَوَكَّدَ كُلَّ الْجُمْلَةِ، التَّأَكُّدُ عَلَى الْجُمْلَةِ بِكَامِلِهَا، كُلُّ مَا بَعْدَهَا يُؤَكَّدُ جَمِيعاً (بِاجْمَعِهَا)»

② البته حواستان باشد که ترجمه شدن «إِنَّ» اختیاری است و می‌توان آن را ترجمه نکرد؛ چراکه بسیاری از اوقات «إِنَّ» به عنوان تکیه‌کلام در ابتدای جمله می‌آید و محتوای جمله به گونه‌ای نیست که مورد تأکید باشد و یک جمله عادی داریم؛ اما اگر «إِنَّ» بخواهد ترجمه شود حتماً ابتدای جمله می‌آید نه وسط یا آخر جمله، پس یا «إِنَّ» را ترجمه نمی‌کنیم یا اگر ترجمه کردیم حتماً اولین کلمه در جمله فارسی می‌آید.

مثال: إِنَّ التَّلْمِيذَ يَجْتَهِدُ.

قطعاً دانش‌آموز تلاش می‌کند. ✓

دانش‌آموز تلاش می‌کند. ✓

دانش‌آموز قطعاً تلاش می‌کند. ✗

• إِنَّ اللَّهَ أَغْلَمُ.

حتماً خدا داناترین است. ✓

خدا داناترین است. ✓

خدا حتماً داناترین است. ✗

البته توصیه می‌کنیم که در سؤالات امتحان نهایی که از شما می‌خواهند یک جمله را ترجمه کنید، حتماً «إِنَّ» را در ترجمه بیاورید تا جای شک و شبهه‌ای در تصحیح و نمره‌دهی نباشد.

③ دقت کنید بعد از موارد زیر، اولی جمله محسوب می‌شود و «إِنَّ» می‌آید نه «أَنَّ»:

۱- قال، يقول، قُلْ، قِيلَ، يُقَالُ، قَائِلاً ۲- فَ ۳- وَ ۴- ؛ ۵- منادی

مثال: قَالَ الْقَائِدُ: إِنَّ الْعَدُوَّ قَرِيبٌ مِنَّا.

← فرمانده گفت: حقیقتاً دشمن به ما نزدیک است.



■ «و إن: گرچه، حتی اگر، هرچند» وسط جمله و قبل از فعل می‌آید و مضارع التزامی می‌سازد.

**مثال:** أَنْتَ فَائِزٌ وَ إِن فَشَلْتَ. ← تو برنده‌ای گرچه شکست بخوری.

③ **كَأَنَّ:** به معنای «گویی، مانند، مثل» است و بیانگر «تصوّر و گمان» گوینده یا تشبیه می‌باشد؛ پس «كَأَنَّ» دو کاربرد متفاوت و جداگانه دارد: «گمان» و «تشبیه»

■ **مثال:** كَأَنَّ السَّمَاءَ سَقْفٌ. ← آسمان مثل یک سقف است. (تشبیه)

● كَأَنَّ الْعَمَلَ تَمًّا. ← گویی کار کامل شده است. (گمان)

● كَأَنَّ الْأَبَّ جَبَلٌ. ← پدر مانند یک کوه است. (تشبیه)

● كَأَنَّ السُّؤَالَاتِ صَعْبَةٌ. ← گویی سوالات، سخت است. (گمان)

⚠ **تذکره:** ۱ اگر «كَأَنَّ» بیانگر «تشبیه» باشد، حتماً با دو اسم می‌آید؛ زیرا تشبیه دو رکن (اسم) دارد؛ مُشَبَّه و مُشَبَّه بِهِ، پس اگر «كَأَنَّ» با دو اسم نیامد، قطعاً بر «گمان» دلالت دارد نه «تشبیه»؛ ولی اگر با دو اسم آمد باید بررسی کنیم که برای تشبیه به کار رفته یا گمان.

این نکته در ترجمه درست «كَأَنَّ» مهم است.

۲ حواستان باشد «كان: بود» فعل ناقصه است؛ آن را با «كَأَنَّ» گویی، مثل «اشتباه نگیرد».

④ **لَكِنَّ:** به معنای «ولی، اما» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله قبل از خودش می‌آید و بین دو جمله قرار می‌گیرد. (لَكِنْ = وَلَكِنْ)

■ **مثال:** عَفَا اللَّهُ عَنْكُمْ وَلَكِنْ بَعْضُكُمْ لَمْ تُؤْمِنُوا. ← خداوند از شما درگذشت، ولی برخی از شما ایمان نیاوردید.

● حَاوَلْتُ لِلْإِمْتِحَانِ لَكِنْ أَجْتِهَادِي مَا كَانَ كَافِيًا. ← برای امتحان تلاش کردم، اما تلاشم کافی نبود.

⚠ **تذکره:** ۱ تمام حروف مشبهة اول جمله می‌آیند، به جز «أَنَّ» و «لَكِنْ» که وسط جمله می‌آیند.

۲ معمولاً جمله قبل و بعد از «لَكِنْ» از لحاظ معنایی در تضاد با هم هستند.

**مثال:** نَحْنُ نَفُورٌ لَكُنْكُمْ تَخْشَوْنَ.

← ما رستگار می‌شویم؛ ولی شما زیان می‌بینید.

● الْحَيَاةُ تَمُرُّ وَلَكِنَّ الْإِنْسَانَ غَافِلٌ. ← زندگی می‌گذرد، ولی انسان غافل است.

● كَرَسْتُ كَثِيرًا وَلَكِنِّي نَجَحْتُ. ← بسیار درس خواندم؛ ولی موفق شدم.

← غلط است؛ چون تضاد ندارند. برای مثال باید این‌گونه می‌گفت:

«و نَجَحْتُ» و موفق شدم»

۳ دقت کنید «لَكِنْ: ولی، اما» (بدون تشدید) جزو حروف مشبهة نیست.

۴ «لَمْ + كُنْ» به معنای «برای شما» جار و مجرور است، آن را با «لَكِنْ» اشتباه نگیرید.

**مثال:** قُلْتُ لَكُنْ: لَا تَيَاسُنْ. ← به شما گفتم: مأیوس نشوید.

● أَتَمْنِي لَكُنْ الْخَيْرِ. ← برای شما خیر و خوبی آرزو دارم.

● یا صدیقی إِنَّ الْفُرْصَةَ لَا تَرْجَعُ.

← ای دوستم! به درستی که فرصت باز نمی‌گردد.

● لَا تَيَاسُ فَإِنَّ الْيَاسَ قَاتِلُ الرُّوحِ.

← مأیوس نشو به درستی که (زیرا) یأس قاتل روح است.

۴ گاهی «إِنَّ» معنای «زیرا، چراکه» می‌دهد، در این حالت غالباً «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی می‌آید و در واقع پس از یک جمله قرار می‌گیرد.

**مثال:** لَا تَغْضَبْ إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. ← خشمگین مشو زیرا عصبانیت مایه تباهی است.

● إِزْهَمَ الْفَقِيرُ إِنَّ الْفَقْرَ يَزُولُ. ← به فقیر رحم کن؛ زیرا فقر از بین می‌رود.

● «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» ← غمگین مشو؛ زیرا خدا با ما است.

② **أَنَّ:** بین دو جمله می‌آید، معنای «که» دارد، دو جمله را به هم وصل می‌کند و پیوند می‌دهد؛ پس بر خلاف «إِنَّ» که ابتدای جمله می‌آید؛ «أَنَّ» همواره وسط جمله می‌آید و تأکید ندارد.

■ **مثال:** أَظُنُّ أَنَّ النَّجَاحَ صَعْبٌ. ← گمان می‌کنم که پیروزی دشوار است.

● يَغْلَمُ النَّاسُ أَنَّ السُّوقَ مَفْتُوحَةً الْيَوْمَ. ← مردم می‌دانند که بازار امروز باز است.

■ در ترکیب‌های «مَعَ أَ، لَ، بِ، يَ» حرف «أَنَّ» داریم نه «إِنَّ».

⊕ **نکته نهایی:** «إِنَّمَا» از حروف مشبهة نیست (آن را با «إِنَّ» اشتباه نگیرید)؛ ضمناً «إِنَّمَا» هم با اسم می‌آید، هم با فعل و به معنای «فقط، تنها» است نه «حتماً، قطعاً»، همچنین این کلمه روی بخش دوم (دورتر) جمله تأکید دارد.

**مثال:** إِنَّمَا الثَّرْوَةُ وَسِيلَةٌ. ثروت، فقط یک وسیله است. ✓  
فقط ثروت وسیله است. ✗

● إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاءٍ. افتخار، فقط به پاکدامنی است. ✓  
فقط افتخار، به پاکدامنی است. ✗

● إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. مؤمنان، فقط برادر هستند. ✓  
فقط مؤمنان برادر هستند. ✗

🎁 **جمع‌بندی:** بهتر است انواع «ان» را با مثال مرور و دسته‌بندی کنیم:

■ «إِنَّ: حتماً، قطعاً، همانا» اول جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

**مثال:** إِنَّكُمْ أَقْوِيَاءُ. ← قطعاً شما قدرتمند هستید.

■ «إِنْ: اگر، چنانچه» از ادات شرط است و اول جمله قبل از فعل می‌آید.

**مثال:** إِنْ تَنْقِذْ إِنْسَانًا تَشْكُرْكَ. ← اگر انسانی را نجات دهی از تو سپاسگزاری می‌کند.

■ «أَنَّ: که» وسط جمله به همراه اسم یا ضمیر می‌آید.

**مثال:** عَجِيبٌ أَنَّ الْفِلْمَ قَصِيرٌ. ← عجیب است که فیلم، کوتاه است.

■ «أَنَّ: که» وسط جمله قبل از فعل می‌آید.

**مثال:** حَاوَلِي أَنْ تَنْجِحِي. ← تلاش کن که موفق شوی.

■ «إِنَّمَا، آنما: فقط، تنها» قبل از اسم و فعل می‌آید و روی رکن دورتر خود تأکید دارد. **مثال:** إِنَّمَا الْحَرِيَّةُ جَمَالٌ. ← آزادی، فقط زیبایی است.

۵ **لَيْتَ**: به معنای «کاش، ای کاش» است و بیانگر «آرزو» یا امری است که معمولاً امکان انجام ندارد؛ ولی این گونه نیست که هرگز شدنی نباشد.

مثال: لَيْتَكَ صَادِقٌ. ← کاش راستگو باشی.

لَيْتَنَا نَكْتَسِبُ الثَّرْوَةَ. ← کاش ما ثروت کسب کنیم.

لَيْتَ السَّمَاءُ تُمَطِّرُ. ← کاش آسمان ببارد.

**تذکر:** «لَيْتَ: کاش» حرف مشبّهه است و «لیس: نیست» فعل ناقصه.

۶ **لَعَلَّ**: به معنای «شاید، امید است» می باشد و بیانگر کاری است که شاید انجام شود و شاید نشود، ضمناً می تواند بیانگر امید به اتفاق افتادن یک چیز باشد.

مثال: لَعَلَّ اللَّهَ يُقْدِنَا. ← شاید (امید است) خدا ما را نجات دهد.

لَعَلَّنِي مَجْرُوحٌ. ← شاید من زخمی باشم (هستم).

کلمه «لَعَلَّ» که نوعی جواهر است با «لَعَلَّ» اشتباه نشود.

**نکته نهایی:** فعل مضارعی که پس از «لَيْتَ، لَعَلَّ» می آید، به صورت

«مضارع التزامی» ترجمه می شود، نه ماضی استمراری.

مثال: لَيْتَ إِيْرَانٌ تَتَقَدَّمُ. ← کاش ایران پیشرفت کند.

لَعَلَّ الْأُمَّ تَطْبِخُ الْغَدَاءِ. ← شاید مادر ناهار پیزد.

### حروف مشبّهه بالفعل در یک نگاه

| نام     | معنی           | مکان در جمله | کاربرد                                            | کلمات مشابه                         |
|---------|----------------|--------------|---------------------------------------------------|-------------------------------------|
| إِنْ    | قطعاً، همانا   | اول جمله     | تأکید بر کل جمله بعدش                             | أَنْ (که)، إِنْ (اگر)، أَنْ (که)    |
| أَنْ    | که             | وسط جمله     | ارتباط و پیوند دو جمله                            | إِنْ (قطعاً)، إِنْ (اگر)، أَنْ (که) |
| كَأَنَّ | گویی، مانند    | اول جمله     | تصوّر، گمان یا تشبیه                              | كان (فعل ناقصه)                     |
| لَكُنْ  | ولی، اما       | وسط جمله     | کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خود | لَكُنْ (ولی)، لَكُنْ (برای شما)     |
| لَيْتَ  | کاش            | اول جمله     | بیانگر آرزو                                       | لیس (نیست)                          |
| لَعَلَّ | شاید، امید است | اول جمله     | امید یا شک                                        | لَعَلَّ (مروارید)                   |

### لای نفی جنس

معنای «هیچ... نیست» یا «هیچ... ندارد»<sup>۱</sup> می دهد و قبل از اسم بی «ال» بی تنوین نکره مفتوح (ـَ دار) می آید، پس این اسم همیشه «ـَ» دارد، ضمناً چون این «لا» معنای «هیچ» می دهد؛ پس طبیعتاً شدیدترین نفی را دارد.

۱. گاهی قبل از «لَيْتَ» حرف «یا» می آید: «یا لَيْتَ: ای کاش»

۲. در این حالت بعد از اسم «لا» حرف «یا» می آید. مثال: لا صديق لنا ← هیچ دوستی نداریم.

مثال: لا كَذِبَ مَقْبُول. ← هیچ دروغی پذیرفته نیست.

لا سَيَّارَةٌ عِنْدِي. ← هیچ ماشینی ندارم. (نزد من نیست).

لا شَكُّ فِي قَوْلِكَ. ← هیچ تردیدی در سخن تو نیست.

لا قُوَّةَ لَكَ. ← هیچ نیرویی نداری. (برای شما نیست).

**نکته نهایی:** ۱ حواستان باشد حرف «لا» ی نفی جنس جزو

حروف مشبّهه بالفعل نمی باشد.

۲ لا + «جار و مجرور» یا «فعل» یا «ضمیر»، نفی جنس نیست.

مثال: لا مِثْلَ. لا تُبَيِّن. لا نَحْن. لا على الحاكم.

۲ اگر «لا» در ساختار «اسم + لا + اسم» بیاید، نفی جنس نیست و معنای «نه» دارد.

مثال: هو شاعرٌ لا تاجرٌ. ← او شاعر است نه تاجر.

أنت ذكّی لا گسلان. ← تو باهوش هستی نه تنبل.

هؤلاء أقوىاء لا ضَعَفَاء. ← این ها قدرتمند هستند نه ضعیف.

### انواع «لا»

۱ **نافیه** ← به همراه فعل مضارع می آید، خبر منفی می دهد و تغییری در آخر آن ایجاد نمی کند، پس آخر مضارع «ـُ، ان، ون، ین» دارد.

مثال: لا تشرب. ← نمی نوشی. لا تجعلون. ← قرار نمی دهید.

۲ **نهی** ← به همراه فعل مضارع می آید، دستور منفی می دهد و آخر فعل را مجزوم می کند، پس آخر مضارع به شکل «ـَ، ا، وا، ی» می آید.

مثال: لا یكذب. ← نباید دروغ بگوید. لا تذهبوا. ← نروید.

۳ **نفی جنس** ← به همراه اسم بی «ال» بی تنوین نکره «ـَ» دار می آید و معنای «هیچ... نیست / ندارد» دارد.

مثال: لا ولدٌ لکُم. ← هیچ فرزندی ندارید.

۴ **جوابیه** ← به معنای «نه» است و در پاسخ به «هل، أ» استفاده می شود.

مثال: أ تُریدُ الفاکهة؟ لا. ← آیا میوه می خواهی؟ نه.

### معادل های «هیچ» در عربی

۱ **«لا» ی نفی جنس**

مثال: لا إكراهَ فی الدّین. ← هیچ اجباری در دین نیست.

۲ **«ما مِن...»**

مثال: ما مِن عَمَلٍ. ← هیچ کاری نیست.

۳ **«كُلٌّ» + مفرد نکره در جملات منفی**

مثال: لا نأكلُ كلَّ حرامٍ. ← هیچ حرامی را نمی خوریم.

۴ **«أی» + مفرد نکره در جملات منفی**

مثال: لا ننصرُ أیَّ كاذبٍ. ← هیچ دروغ گویی را یاری نمی کنیم.



## لغات

|                                                     |                                                  |                                                        |
|-----------------------------------------------------|--------------------------------------------------|--------------------------------------------------------|
| • سیرة: روش و کردار، سرگذشت                         | • یَنّ: آشکار کرد، بیان کرد                      | • آله: وسیله                                           |
| • شِیَاح: گردشگران «مفرد: سائح»                     | • تَأَكَّدَ: مطمئن شد                            | • آلِهَة: خدایان «مفرد: إله»                           |
| • شَرّ: بدی «جمع: شُرور»                            | • تَبَعَ: تعقیب کرد                              | • إِبْتِعاد: دور شدن                                   |
| • شَعائِر: مراسم «مفرد: شَعيرة»                     | • تَجَنَّبَ (تَجَنَّبَ - يَتَجَنَّبُ): دوری کردن | • إِحْمِنِي (اِحْمِ + نون وقایه + ی): از من نگهداری کن |
| • شعب: ملت «جمع: شُعوب»                             | • تَظَاهَرَ: وانمود کرد                          | • أَثَر: اثر «جمع: آثار»                               |
| • ضَدر: سینه «جمع: صُدور»                           | • تَمَثَّل: تندیس، مجسمه «جمع: تَمائیل»          | • أَجْلَسَ (يُجْلِسُ): نشانید                          |
| • صِراع: کشمکش                                      | • تَمَنَّى (يَتَمَنَّى): آرزو داشت               | • أَخْضَرَ: آورد، حاضر کرد                             |
| • صَفّ: صف، ردیف ایستادن                            | • تَهَامَشَ (يَتَهَامَشُ): پیچ پیچ کرد           | • إِرْضاء: راضی کردن، خشنود کردن                       |
| • ضاع: تباه کرد                                     | • جَذَعَ: تنه «جمع: جُذوع»                       | • إِرْذاء: زیاد شد                                     |
| • ضَعّ: قرار بده                                    | • حَدَّثَ: اتفاق افتاد                           | • إِشْتَهَزَأَ بِ: ریشخند کردن                         |
| • طین (طینة): گِل، سرشت                             | • حَدَّثَ: سخن گفت                               | • إِستوی: برابر است، برابر شد                          |
| • عُشّ: لانه                                        | • حديد: آهن                                      | • أَشْوَأَ: بدتر، بدترین                               |
| • غَضَب: پی، رشته عصبی «جمع: أعصاب»                 | • الحرب المفروضة: جنگ تحمیلی                     | • أَشَدَّ: سخت تر، سخت ترین                            |
| • غَصر: دوره، زمان «جمع: عُصور، أعصار»              | • خَرَقَ: سوزاند                                 | • أَصْنام: بت ها «مفرد: صَنَم»                         |
| • عَظْم: استخوان «جمع: عظام»                        | • خَسِبَ: پنداشت                                 | • أَضَاعَ (يُضِيعُ): تباه کرد                          |
| • غفاف: پاکدامنی                                    | • خُضارة: تمدن                                   | • أَعانَ (يُعِينُ): یاری کرد                           |
| • غَقَلّ: خردورزی کرد                               | • خَطَّ: بخت «جمع: خُطوط»                        | • أَعلى: بالا، بالاتر، بالاترین                        |
| • غَلَقَ: آویخت                                     | • خَقَلَ: برداشت، حمل کرد                        | • أَعْنَى (أَعِنَ + نون وقایه + ی): مرا یاری کن        |
| • غَلَمَ: یاد داد                                   | • خَقَلَ: تحمیل کرد                              | • أَغْنَى: پی نیازکننده تر، پی نیازکننده ترین          |
| • غَلِمَ: دانست                                     | • حمى (يَحْمى): حفظ کرد، نگهداری کرد             | • أَقامَ الوجه: روی آورد (اصطلاح است)                  |
| • عيد: جشن «جمع: أعياد»                             | • خَنيف: یکتاپرست                                | • أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور                          |
| • غالی: گران                                        | • خِباء: شرم                                     | • إِكْتَشَفَ: کشف کرد                                  |
| • غایة: هدف                                         | • خِداع: فریب                                    | • أَنِزَ (أَنازَ - يُنِيزُ): روشن کن                   |
| • فاجر: افتخارکننده                                 | • خُذُوا (أمر از «أخذ»): بگیرید                  | • إِنْشِراح: شادمانی                                   |
| • فأس: تبر «جمع: فُؤوس»                             | • خُرافة: سخن بیهوده، موهوم پرستی                | • أَنشودة: سرود «جمع: أناشید»                          |
| • فخر: افتخار                                       | • خَشَب: چوب                                     | • إِنْقاذ: نجات، نجات دادن                             |
| • فَرِیسة: شکار «جمع: فرائس»                        | • خَلیل: دوست                                    | • أَنقَذَ: نجات داد                                    |
| • فَضّة: نقره                                       | • داء: بیماری                                    | • إِنْ: همانا، به درستی که، بی گمان، زیرا              |
| • فَم: دهان                                         | • دار: خانه                                      | • أَنْ: که                                             |
| • قاتل: جنگید                                       | • دین: آیین «جمع: أديان»                         | • إِنَّمَا: تنها، فقط                                  |
| • قَذَفَ: انداخت                                    | • ذات: دارای                                     | • بَحَثَ عَن: جست و جو کرد                             |
| • قُرآن: خواندن، قرآن                               | • ذَكَرَ: یاد کرد                                | • بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ پیچ کردند، شروع |
| • قَرابین: قربانی ها «مفرد: قُربان»                 | • ذَكى: باهوش                                    | • کردند پیچ پیچ کنند                                   |
| • قوم: قوم، گروه «جمع: أقوام»                       | • ذَهَب: طلا                                     | • بَسَمات: لبخندها                                     |
| • قیل: گفته شد                                      | • رُسوم: نقاشی ها «مفرد: رَسَم»                  | • بِطاقة: بلیط، کارت                                   |
| • كَأَنَّ: گویی، مانند                              | • سَبَّلَ: پرسیده شد                             | • بَعَثَ: رستاخیز، قیامت                               |
| • کتابات: نوشته ها                                  | • سَبَّ: دشنام داد                               | • بَغْتَةً: ناگهان                                     |
| • كَتِفَ (كَتِف): شانه «جمع: أكتاف»                 | • سُدی: بیهوده و پوچ                             | • بَقى: ماند                                           |
| • كَسَرَ: شکست                                      | • سَلام: آشتی، صلح                               | • بَكى (بَکی): گریه کرد                                |
| • كُونُوا: باشید                                    | • سَلَمَ: صلح                                    | • بِلاد: کشورها، شهرها «مفرد: بَلَد»                   |
| • لا (اگر با ضمیر متصل نیاید): حتماً (قید تأکید)    | • سِنَ: دندان، دندان، تیغه «جمع: أسنان»          | • بُنیان مَرصُوص: ساختمانی استوار                      |
| • لا تُدْرِكُ: به دست آورده نمی شود، به دست نمی آید | • سَوى: به جز                                    | • بیت: خانه «جمع: بیوت»                                |

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مِنْ دُون: به جای، به غیر از</li> <li>• نَبِی: پیامبر «جمع: أَنْبِیاء»</li> <li>• نُحَاس: مس</li> <li>• نِزَاع: کشمکش</li> <li>• نَسَب: اصل و نسب، دودمان</li> <li>• نَقَاد: نقدکنندگان «مفرد: ناقد»</li> <li>• نَقُوش: کنده کاری ها، نگاره ها «مفرد: نقش»</li> <li>• یَد: دست «جمع: ایدی»</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• مَرَّ: گذران، گذشتن</li> <li>• مَرَض: بیماری</li> <li>• مَسْکِین: نیازمند «جمع: مَساکِین»</li> <li>• مُفْتَرِس: درنده، شکارچی</li> <li>• مَقْتَسِدَة: مایه تباهی</li> <li>• مُکْرَم: گرامی</li> <li>• مُکْشَرَة: شکسته، شکسته شده</li> <li>• مَکْسُور: شکسته</li> <li>• مِنْ خِلَال: از طریق، از میان، به واسطه</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• لَنْ: زیرا، برای اینکه</li> <li>• لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم»</li> <li>• لَعَلَّ: شاید، امید است</li> <li>• لَكَنَّ: ولی، اما</li> <li>• لَمَّا: هنگامی که</li> <li>• لَيْتَ: کاش، ای کاش</li> <li>• مَا یَلِی: آنچه می آید</li> <li>• مُجِیب: برآورنده، پاسخگو</li> <li>• مُدَوَّنَة: وبلاگ</li> </ul> |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

## واژه های مترادف

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• فَرَح = انشراح = شُرور (شادی)</li> <li>• قَاتِل = حَارِب (جنگید)</li> <li>• قَذَف = زَمَن (پرتاب کرد، انداخت)</li> <li>• قَضَد = ارَاد = ظَلَب (خواست)</li> <li>• قَوْل = مَقَالَ = کلام (سخن)</li> <li>• لَعَلَّ = غَمَسَ (شاید، امید است)</li> <li>• مَرِصُوص = ثَابِت = مُسْتَحْکِم (استوار)</li> <li>• مُزَارِع = فَلَاح (کشاورز)</li> <li>• مُوَحَّد = خَنِیف (یکتاپرست)</li> <li>• نَضَب = خُغَل = وَضَع (قرار داد)</li> <li>• یَلِی = یَجِیء = یَأْتِی (می آید)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حَسِبَ = ظَنَّ (پنداشت، گمان کرد)</li> <li>• حَقَطَ = نَصِيب (بخت، بهره)</li> <li>• حَمَى = حَافِظَ عَلِی (نگهداری کرد)</li> <li>• حِین = عِنْدَمَا = لَمَّا (وقتی که، هنگامی که)</li> <li>• رَأَى = شَاهَدَ = نَظَرَ (دید، مشاهده کرد)</li> <li>• سَبِيل = صِرَاط = طَرِيق (راه)</li> <li>• سُدِی = غَبَثَ (بیپوده و پوچ)</li> <li>• سَوِی = غَیَر = اِلَّا (به جز، مگر)</li> <li>• سِیرَة = سُلُوك (رفتار، کردار)</li> <li>• شَرَّ = سَوَّء (بدی)</li> <li>• شَكَّ = تَرَدَّد (شک، تردید)</li> <li>• صِرَاع = نِزَاع (درگیری)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• آلة = اَدَاة = جِهَاز = وسیله (دستگاه، وسیله)</li> <li>• اَعَانَ = سَاعَدَ = نَصَرَ (کمک کرد)</li> <li>• اَنَارَ = اَضَاءَ (روشن کرد)</li> <li>• اِنَّ = لَ (قطعاً، حتماً)</li> <li>• اِهْتِمَام = عِنَايَة (توجه)</li> <li>• بَعَثَ = قِيَامَة (رستاخیز)</li> <li>• بَعَثَ = اَرْسَلَ (فرستاد)</li> <li>• بَغْتَة = فُجَاءَة (اِذْ ناگهان)</li> <li>• بُنِیَان = بِنَاء = عِمَارَة (ساختمان)</li> <li>• حَاوَلَ = جَدَّ = سَعَى = اِجْتَهَدَ (تلاش کرد)</li> <li>• حَدَّثَ = كَلَّمَ (سخن گفت)</li> <li>• حَرَقَ = اَشْعَلَ (سوزاند)</li> </ul> |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

## واژه های متضاد

|                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• ضَحْک (خندید) ≠ بَکَن (گریه کرد)</li> <li>• ضَلَالَة (گمراهی) ≠ هِدَايَة (هدایت)</li> <li>• قُرْب (نزدیک، نزدیکی) ≠ بُعْد (دور، دوری)</li> <li>• مُجِيب (جواب دهنده) ≠ سَائِل (پرسشگر)</li> <li>• نَافِع (سودمند) ≠ مُضِر (زیان رسان)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• خَنِیف، مُوَحَّد (یکتاپرست) ≠ مُشْرِك، کَافِر (مشرک)</li> <li>• سَأَلَ (پرسید) ≠ أَجَابَ (پاسخ داد)</li> <li>• شَكَّ، تَرَدَّد (شک، مردد بودن) ≠ اِطْمَئِنَّان، تَأَكَّد (مطمئن بودن)</li> <li>• صِرَاع، نِزَاع (کشمکش) ≠ سِلْم، سَلَام (صلح)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• اِئْتِيعَاد، تَجَنُّب (دوری جستن) ≠ تَقَرُّب (نزدیک شدن)</li> <li>• اَسْوَأ (بدترین) ≠ اَحْسَن، اَفْضَل، خَیْر (بهترین)</li> <li>• اَنْقَذَ (نجات داد) ≠ اَهْلَكَ (هلاک کرد)</li> <li>• اَهْلِی (رام شده) ≠ مُفْتَرِس (درنده)</li> <li>• تَخَرَّكَ (حرکت کرد) ≠ تَوَقَّفَ (ایستاد)</li> <li>• جَلَسَ (نشست) ≠ قَامَ (برخواست)</li> </ul> |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

## جمع های مکسر

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• اَنْبِیاء ← نَبِی (پیامبر)</li> <li>• اَیْدِی ← یَد (دست)</li> <li>• بِلَاد ← بَلَد (کشور)</li> <li>• تَمَائِیل ← تِمثال (تندیس، مجسمه)</li> <li>• جُدُوع ← جَذَع (تنه)</li> <li>• حُظُوظ ← حَقَطَ (بخت)</li> <li>• رُسُوم ← رَسَم (تصویر، عکس)</li> <li>• شِیَاح ← سَائِح (گردشگر)</li> <li>• شُرُور ← شَرَّ (بدی)</li> <li>• شَعَائِر ← شَعِیرَة (مراسم)</li> <li>• شُعُوب ← شَغَب (ملت)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• اَنْبِیاء ← نَبِی (پیامبر)</li> <li>• اَیْدِی ← یَد (دست)</li> <li>• بِلَاد ← بَلَد (کشور)</li> <li>• تَمَائِیل ← تِمثال (تندیس، مجسمه)</li> <li>• جُدُوع ← جَذَع (تنه)</li> <li>• حُظُوظ ← حَقَطَ (بخت)</li> <li>• رُسُوم ← رَسَم (تصویر، عکس)</li> <li>• شِیَاح ← سَائِح (گردشگر)</li> <li>• شُرُور ← شَرَّ (بدی)</li> <li>• شَعَائِر ← شَعِیرَة (مراسم)</li> <li>• شُعُوب ← شَغَب (ملت)</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• اَثَر ← اَثَر (اثر)</li> <li>• اَلِیْهَة ← اِلَه (خدا)</li> <li>• اَبِیَات ← بَیت (خانه)</li> <li>• اَدِیَان ← دِین (آیین، دین)</li> <li>• اَشْنَان ← سِن (دندان، دندانه)</li> <li>• اَصْنَام ← صَنَم (بُت)</li> <li>• اَعْصَاب ← غَضَب (پی، رشته عصبی)</li> <li>• اَعِیَاد ← عَید (عید، جشن)</li> <li>• اَقْوَام ← قَوْم (قوم، گروه)</li> <li>• اُکْتاف ← کِیْتَف، کِیْتَف (کشف، شانه)</li> <li>• اَنَاشِید ← اَنْشُودَة (سرود)</li> </ul> |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



## کتابنامه الدین و التّدین: دین و دین داری

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (یونس: ۱۰۵)

فعل و فاعل مفعول م. الیه<sup>۱</sup> ج. م<sup>۲</sup> قید حالت

**ترجمه** با یکتاپرستی به دین روی آور.

**کالبر شکاف:** فعل امر از باب «إفعال» و ثلاثی مزید است که مصدر آن «إقامة» می باشد.

احتمالاً بسیاری از شماها مطالب مربوط به پایه مثل پیدا کردن نقش ها (محل اعرابی)، انواع فعل ها، زمان فعل ها و... را فراموش کرده اید و الآن که ما به بررسی آن ها می پردازیم ممکن است دچار چالش و مشکل شوید، پس توصیه می کنیم به «بخش ویژه» کتاب رفته و مطالب آن را مرور و مطالعه نمایید؛ فراموش نکنید که بین ۶ تا ۷ نمره از ۲۰ نمره امتحان نهایی دوازدهم مربوط به مطالب پایه است.

■ **لغات مشابه:** «قام: ایستاد» / «قام به: به... پرداخت، ... را انجام داد» / «أقام: به پا داشت»

• تمام فعل های امر، فاعلشان به همراه خودشان است؛ یعنی فاعل فعل امر همیشه به شکل یک ضمیر درون فعل است؛ پس فاعل فعل امر هرگز به شکل اسم نمی آید.

﴿التَّائِبِينَ فَطَرْنَاهُ فِي الْإِنْسَانِ وَ التَّارِخُ يَقُولُ لَنَا﴾

مبتدا خبر ج. م مبتدا خبر ج. م

**ترجمه** دین داری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می گوید.

**کالبر شکاف:** اگر مبتدا را پیدا کردید و بعد از آن چند گزینه داشتید که می توانستند خبر باشند، یعنی مثلاً در تعیین خبر بین اسم و جار و مجرور یا بین فعل و جار و مجرور تردید داشتید، در جریان باشید که اولویت با اسم و فعل است، نه جار و مجرور؛ مثلاً در عبارت «بِالْإِنْسَانِ» و «فِي الْإِنْسَانِ» اسم (فَطَرْنَاهُ) را خبر گرفتیم نه جار و مجرور (فِي الْإِنْسَانِ). **مثال:** الْجَوَّالُ لِأَكْثَرِ النَّاسِ فِي الْعَالَمِ ضَرُورِيٌّ. **مبتدا ج. م. الیه ج. م. خبر**

• «يَقُولُ» فعل مضارع ثلاثی مجزء است.

• «لِ» جازه + ضمیر ← **مثال:** لِي + كُمْ ← لَكُمْ لِي + نَا ← لَنَا

﴿لَا شَعْبَ مِنَ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ﴾

لا نفی جنس ج. م م. الیه ج. م ج. م

**ترجمه** هیچ ملتی از ملت های زمین نیست (وجود ندارد) مگر اینکه دین و روشی برای پرستش داشته باشد.

**کالبر شکاف:** در ترجمه «لا» نفی جنس، از ساختار «هیچ + اسم نکره + نیست» استفاده می کنیم.

• «لِ» و «عند» در ابتدای جمله به همراه اسم یا ضمیر، معنای «داشتن» می دهند.

■ **مثال:** لی کتاب. ← کتابی دارم. • عندکم سؤال. ← سؤالی دارید.

• اگر قبل از دو ساختار قبل «کان» بیاید، بیانگر مالکیت در زمان گذشته هستند (داشت).

■ **مثال:** کان لی کتاب. ← کتابی داشتم. • کانت عندکم سیارة. ← ماشینی داشتید.

• «لِ» مخفف «لِ» ال «است». **مثال:** للمؤمن ← لِ + ال + مؤمن

﴿فَالْأَنَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا﴾

مبتدا صفت وابسته فعل مفعول فاعل معطوف<sup>۳</sup> وابسته فعل و فاعل مفعول

**ترجمه** پس آثار قدیمی ای که انسان آن را کشف کرد و تمدن هایی که آن را شناخت.

**کالبر شکاف:** حرف «ف» را با حرف جرّ «فی» اشتباه نگیرید.

• اسم «ال» دار + «الذی الذین، الّتی» ← به صورت «اسم + ی + که» ترجمه می شود.

■ **مثال:** أَحِبُّ الْفِلْمَ الَّذِي شَاهَدْتُهُ. ← فیلمی که دیدم را، دوست دارم.

۱. م. الیه ← مضاف الیه

۲. ج. م. ← جار و مجرور

۳. از شناخت نقش معطوف در امتحان نهایی سؤال نمی آید، فقط بدانید که معطوف از نقش های اصلی جمله نیست و وابسته نقش قبلی می باشد.

اولاً دقت کنید که در این حالت اسم معرفه به شکل نکره (به همراه «ی») ترجمه می‌شود. ثانیاً در همین حد بدانید که نقش (محل اعرابی) «الذی» در این حالت «وابسته» است.

• «اِکْتَشَفَ» فعل ماضی از باب «افتعال» است. • اگر مفعول، ضمیر متصل به فعل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می‌شود؛ یعنی اول مفعول می‌آید و بعد فاعل. **مثال:** أَخْرَجَکُمُ اللَّهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ. ← خدا شما را از تاریکی‌ها خارج کرد.

فعل مفعول فاعل ج.م

• يُنْقِذُ نَفْسَ الْعِلْمِ. ← علم مرا نجات می‌دهد.

فعل مفعول فاعل

📖 **مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النُّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ، تَوْكُّدُ اهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ.**

ج.م م.الیه معطوف معطوف فعل و فاعل مفعول م.الیه ج.م

**ترجمه** از طریق نوشته‌ها و کنده‌کاری‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.

🔍 **کالبر شکافی:** «الآثار» در بند قبلی مبتدا بود و «تَوَكَّدَ» در این بند خبر آن؛ ممکن است بگویید چرا «اِکْتَشَفَ» خبر نشد؟ یادتان باشد که جمله پس از «الذی، الّتی و الذّین» و «مَنْ» و «مَا» در وسط جمله هیچ نقشی ندارد؛ پس این جمله نمی‌تواند خبر، جمله وصفیه، جمله حالیه و... باشد. اسم آن، جمله «صله» است که صرفاً برای کامل کردن معنا می‌آید از قدیم هم گفتن: صله، ولیه.

📌 **مثال:** الْمَوْظُفُّ الَّذِي يَخْدُمُنَا يَـرَى أَثَرَهُ. ← کارمندی که به ما خدمت می‌کند، اثرش را می‌بیند.

مبتدا وابسته جمله صله خبر مفعول م.الیه

🔔 مراقب معنای چهار کلمه زیر باشید:

۱) الْكِتَابَاتُ ← نوشته‌ها ← «کتاب‌ها» غلطه.

۲) النُّقُوشُ ← کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها ← به معنای «نقشی که بازی می‌کنند یا وظیفه» نیست.

۳) الرُّسُومُ ← نقاشی‌ها ← «آیین و رسوم» غلطه.

۴) التَّمَاثِيلُ ← مجسمه‌ها ← به معنای «نمونه‌ها و مثال‌ها» نیست.

• «تَوَكَّدَ» فعل مضارع از باب «تفعیل» است.

• هرگاه یک اسم (مرجع) قبل از فعل بیاید، نمی‌تواند فاعل باشد، چون فاعل همیشه بعد از فعل می‌آید؛ ولی حضور آن اسم باعث می‌شود که فاعل، همراه (درون) فعل باشد، پس در این حالت، فاعل، اسم قبل و یا اسم بعد از فعل نیست و همیشه به همراه فعل است (فعل و فاعله / فعل مع فاعله).

📌 **مثال:** الْجَامِعَةُ تُرَبِّي الطَّالِبَاتِ. ← دانشگاه، دانشجویان را تربیت می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• الْحَضَارَاتُ تُـرِی مَاضِيَ الشُّعُوبِ. ← تمدن‌ها، گذشته ملت‌ها را نشان می‌دهد.

مبتدا فعل و فاعل مفعول م.الیه

🔔 البته ما در نقش‌یابی جملات کتاب غالباً هر جایی که بعد از «فعل و فاعل» مفعول داشتیم، نوشته‌ایم «فعل و فاعل» تا مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

مثلاً در «نُخْرِجُ الْكِتَابَ» زیر «نُخْرِجُ» نوشته‌ایم «فعل و فاعل»، اما مثلاً در «نُخْرِجُ إِلَى الْبَابِ» چون مفعول نداریم، زیر «نُخْرِجُ» فقط می‌نویسیم فعل، ولی در واقع فعل و فاعل مفعول

«فعل و فاعل» است. مُنته‌ها چون بعد از فعل، مفعول نداریم و شما دچار اشتباه نمی‌شوید، ما فقط به فعل اشاره کرده‌ایم که هم زیادی شلوغ نشود و هم بدانید در نهایی از شما نمی‌خواهند که در این حالت فاعل را پیدا کنید، ولی دانستن اینکه فاعل درون فعل است، باعث می‌شود مفعول را با فاعل اشتباه نگیرید.

📖 **و تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِي فِي وُجُودِهِ، وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.**

**ترجمه** و بر اینکه آن در وجودش ذاتی است، دلالت می‌کند؛ ولی عبادت‌ها و مراسم خرافی بود.

🔍 **کالبر شکافی:** «تَدُلُّ» فعل مضارع ثلاثی مجزّد است؛ هر مضارعی که چهار حرف داشته باشد و با فتحه (تَ) شروع شود (یعنی «يَفْعَلُ»)، ثلاثی مجزّد است.

• «أَنَّ» و «لَكِنَّ» حرف مشبّهه هستند. • فعل‌های ناقصه (کان، صار، لیس، أصبح) نه فاعل دارند نه مفعول، پس «خُرَافِيَّةً» نه فاعل است نه مفعول، پس چیه؟ به شما ربطی نداره و در امتحان نهایی نیاید.

۱. در این حالت فقط ضمیر «ی» مفعول است و تون (ن) حرف وقایه می‌باشد. ولی برای فهم بهتر شما، زیر «تی» خط کشیده‌ایم.



﴿مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا﴾

م.الیه م.الیه معطوف م.الیه ج.م م.الیه م.الیه معطوف م.الیه

**ترجمه** مانند تعدّد خدایان (چندخدایی) و تقدیم قربانی‌ها به آن‌ها برای کسب رضایتشان و دوری از بدی آن‌ها.

**کالبد شکافی:** «تَعَدُّدُ»، «تَقْدِيمُ»، «كَسْبُ»، «رِضَا» و «تَجَنُّبُ» مصدر و اسم هستند، آن‌ها را با فعل اشتباه نگیرید. • «الْأَلِهَةُ» جمع مکسر «إله» و مذکر است، گول «ة» را نخورید! در واقع جمع‌های مکسری که «ة» دارند، مذکر هستند نه مؤنث. • «الْقَرَابِينِ» جمع مکسر است نه جمع مذکر سالم، فریب «ین» را نخورید. مفرد آن نیز «قربان» است.

﴿وَأَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ﴾

فعل فاعل وابسته ج.م م.الیه ج.م م.الیه

**ترجمه** و این خرافات در گذر زمان (زمان‌ها) در دین‌های مردم زیاد شد.

**کالبد شکافی:** اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره، وابسته (تابع) است؛ زیرا وابسته و پیرو اسم اشاره است و نقش مستقلی ندارد. دقت کنید که این نقش را در امتحان نهایی نمی‌خواهند؛ اما حتماً باید بدانید که نقش اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره هرگز مضاف‌الیه نیست.

■ **لغات مشابه:** «الْمَرَّ: گذشتن» - «الْمُرَّ: تلخ» - «مُرَّر: تلخ کرد» / «إِزْدَادُ: زیاد شد» - «زَادَ: زیاد شد، زیاد کرد»

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ﴾

حرف فعل فعل فعل و فاعل مفعول ج.م وابسته مشبّهه

**ترجمه** ولی خداوند - پریرکت و بلندمرتبه بادا نام او - مردم را به این حالت رها نکرد.

**کالبد شکافی:** «تَبَارَكَ» و «تَعَالَى» هر دو فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُلُ» هستند، بله! در فارسی مثل صفت ترجمه می‌شوند و خیلی‌ها فکر می‌کنند که این دو، اسم هستند؛ ولی در عربی فعل اند نه اسم. • «يَتْرِكُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است. • «لَمْ» + مضارع ← ماضی ساده منفی، ماضی نقلی منفی • «لَمْ يَتْرِكِ» رفع برخورد دو ساکن است؛ در واقع هر وقت ساکن (ث) به «ال» برخورد کند، حرکت ساکن برای سهولت در خواندن به کسره (به) تبدیل می‌شود.

■ **مثال:** فرحت النساء. ← فرحت النساء.

🔔 حواستان هست که چون «اللَّهُ»، قبل از فعل (لَمْ يَتْرِكِ) آمده نه خودش فاعل است نه اجازه می‌دهد که «الناس» فاعل شود؟!

﴿فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (القيامة: ۳۶)

فعل ج.م م.الیه صفت فعل فاعل فعل مجهول قید حالت

**ترجمه** پس (حقیقتاً) در کتاب ارزشمندش (شریفش) گفته است: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟

**کالبد شکافی:** «فَقَدْ» ← «قَدْ» + دو حرف هستند. • در ترجمه «قد» + ماضی، می‌توان از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. • اگر یک اسم در عربی هم صفت داشته باشد هم مضاف‌الیه، اول مضاف‌الیه می‌آید و سپس صفت (اسم + مضاف‌الیه + صفت)؛ البته در ترجمه فارسی اول صفت می‌آید و سپس مضاف‌الیه. (اسم + صفت + مضاف‌الیه)، این ساختار به گروه اسمی یا ترکیب وصفی - اضافی معروف است.

■ **مثال:** شهر زیبای ما. ← مَدِينَتُنَا الْجَمِيلَةُ.

اسم صفت م.الیه اسم م.الیه صفت

• «يَحْسَبُ» فعل مضارع و ثلاثی مجرد است. • «أَ» از حروف پرسشی است و مترادف آن «هَل» است.

• «يُتْرَكَ» فعل مضارع مجهول و ثلاثی مجرد است. (تَرَكَ - يَتْرَكُ - يُتْرَكُ)

🔔 دقت کردید که «أَنْ يُتْرَكَ» با توجه به حضور «يَحْسَبُ» و مفهوم کلی آیه به صورت مضارع اخباری ترجمه شده است نه مضارع التزامی؟!

﴿لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِیُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ﴾

ج.م فعل و فاعل ج.م مفعول فعل و فاعل مفعول صفت معطوف صفت

**ترجمه** به همین خاطر پیامبران را به سوی آنان فرستاد برای اینکه راه راست و دین حق را آشکار کنند.

**کالبد شکافی:** مرجع فعل‌های «أَرْسَلَ» قَالَ، لَمْ يَتْرِكِ، «اللَّهُ» است به خاطر همین فاعل همه این فعل‌ها درون فعل است و نمی‌توانند فاعل به صورت اسم بگیرند؛ پس اسم بعد از این فعل‌ها مفعول شد نه فاعل. • «يُبَيِّنُوا» فعل مضارع معلوم از باب «تَفْعِيلُ» است. • «أَرْسَلَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إِفعال» است.

۱. در امتحان نهایی نقش معطوف را از شما نمی‌خواهند، فقط بدانید که از نقش‌های اصلی در جمله نیست.

و قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

فعل مفعول فاعل صفت ج.م م.اليه م.اليه قید م.اليه صفت

**ترجمه** و (به درستی که) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت (روش) پیامبران و کشمکش آن‌ها با قوم‌های کافرشان سخن گفته است.

**کالبر شکافی:** همان طور که گفتیم اگر «قد» قبل از فعل ماضی بیاید می‌توان در ترجمه آن از قیدهای تأکیدی استفاده کرد. • «حَدَّثَ» فعل ماضی ثلاثی

مزید از باب «تفعیل» است.

■ **لغات مشابه:** «حَدَّثَ: سخن گفت» / «حَدَّثَ: اتفاق افتاد» / «أَحَدَثَ: احداث کرد، ساخت» / «تَحَدَّثَ: صحبت کرد، سخن گفت»

• «مع» اسم است نه حرف جز و همیشه پس از آن «مضاف‌الیه» می‌آید. • «الکافرین» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است؛ خیلی‌ها آن را به اشتباه «کافر» می‌خوانند و متوجه نمی‌شوند که اسم فاعل است.

■ **لغات مشابه:** «صِرَاع» مفرد است، آن را با اسم جمع اشتباه نگیرید؛ ضمناً «صُدَاع»، یعنی «سردرد».

و نُتَذَكَّرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

فعل و فاعل مفعول بدل صفت وابسته فعل فعل و فاعل مفعول م.اليه ج.م م.اليه

**ترجمه** و باید یاد کنیم مثالی را، [داستان] ابراهیم خلیل را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

**کالبر شکافی:** اگر قبل از «ل» امر غایب (به معنای «باید») حرف «و» یا «ف» بیاید، «ل» ساکن می‌شود «قُلْ» و «لَ».

■ **مثال:** «وَلْيَخْرُجْ» و «لْيَخْرُجْ» و باید خارج شوید. • «فَلْيَعْبُدُوا» پس باید بپرستند.

■ **لغات مشابه:** «تَذَكَّرَ: یاد کرد» / «تَذَكَّرَ: به یاد آورد» / «ذَكَرَ: یادآوری کرد» / «ذَكَرَ: خاطره» / «ذَاكِرَة: حافظه»

• «نَذَرَ» فعل مضارع ثلاثی مجزء است. • «حَاوَلَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» است. • «يُنْقِذُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا.

ج.م م.اليه قید فعل فاعل م.اليه ج.م م.اليه قید حالت

**ترجمه** پس در یکی از عیدها وقتی قومش از شهرشان خارج شدند ابراهیم تنها ماند.

**کالبر شکافی:** بعد از «أحد» و «إحدى» همواره مضاف‌الیه می‌آید، ضمناً «أحد» و «إحدى» جزو اعداد نیستند. • «مدینه» (بدون «ال») نمی‌تواند اسم علم (خاص) باشد؛ ولی اگر «ال» بگیرد (المدینه) می‌تواند معرفه از نوع علم یا «ال» باشد. • «خَرَجَ» و «بَقِيَ» هر دو ماضی و ثلاثی مجزء هستند.

فَحَمَلَ فَاسًا. وَكَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ.

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول م.اليه ج.م مستثنی صفت فعل و فاعل مفعول ج.م م.اليه

**ترجمه** پس تبری را حمل کرد (برداشت) و تمام بت‌های در معبد را شکست به جز بت بزرگ، سپس (آن) تبر را بر شانه‌اش آویخت.

**کالبر شکافی:** «كَسَرَ» و «عَلَّقَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» هستند. حواستان باشد که مرجع فعل‌های «حَمَلَ، كَسَرَ، عَلَّقَ» قبل از آن‌ها آمده (ابراهیم)، پس اسم‌های بعد از این فعل‌ها، فاعل نیست و مفعول است. • اگر ترکیب وصفی یا اضافی داشتیم، اسم اول (مضاف یا موصوف) نقش مورد نظر را می‌گیرد نه هر دو اسم با هم؛ مثلاً در جمله «جاء معلّم الصفّ» فاعل «معلّم» است نه «معلّم الصفّ» و «الصفّ» مضاف‌الیه است. • «الْمَعْبَد» اسم مکان است. • اگر در جمله، یک اسم دفعه اول نکره بیاید و دفعه دوم «ال» بگیرد، در ترجمه اسم دوم می‌توان از «این» یا «آن» استفاده کرد. به همین خاطر «الْفَاس» را با «آن» ترجمه کردیم (فاساً... الفاس). • «کتف: شانه» هم به صورت «كَتِف» تلفظ می‌شود هم به صورت «كَتِف». • «حَمَلَ» فعل ماضی ثلاثی مجزء است.

و تَرَكَ الْمَعْبَدَ وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ.

فعل و فاعل مفعول قید زمان فعل فاعل فعل و فاعل مفعول م.اليه حال فعل و فاعل

**ترجمه** و معبد را ترک کرد و هنگامی که مردم باز گشتند بت‌هایشان را شکسته دیدند و پنداشتند که ابراهیم همان انجام‌دهنده است.

**کالبر شکافی:** «تَرَكَ، رَجَعَ، ظَنُّوا» هر سه فعل ماضی ثلاثی مجزء هستند. • «مُكْسَرَةً» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است و «الفاعل» اسم فاعل از ثلاثی مجزء است. دقت کنید که «مُكْسَرَةً» صفت نیست اگر می‌خواست صفت باشد به شکل «المُكْسَرَة» می‌آمد و به صورت «بُت‌های شکسته خود» ترجمه می‌شد؛ زیرا در گروه اسمی یا همان ترکیب وصفی - اضافی اسم آخر «ال» می‌گیرد و در فرمول روبه‌رو می‌آید: اسم بی «ال» + اسم «ال» دار یا ضمیر + اسم «ال» دار

■ **مثال:** يعمل شبابنا المؤمنون. جوانان مؤمن ما کار می‌کنند.

فعل فاعل م.اليه صفت

• يعمل شبابنا مؤمنين جوانان ما باایمان کار می‌کنند.

فعل فاعل م.اليه حال

■ **جمع‌بندی:** شاهدوا أصنامهم مكسرة. بت‌های خود را شکسته دیدند.

• شاهدوا أصنامهم المكسرة. بت‌های شکسته خود را دیدند.

## حل و بررسی تمارین

## تمارین متن درس

عِيسَى الصَّخِيعِ وَالْخَطَا خَسِبَ نَحْنُ الدَّرْسِ.

فعل و فاعل مفعول معطوف قيد م.اليه م.اليه

**ترجمه** درست و نادرست را براساس متن درس تعیین کن.**کالبر شکافی:** «عَيْنِ» فعل امر ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِلَهَةِ كَسِبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شُرُهَا. ✓

**ترجمه** هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان کسب رضایت آن‌ها و دوری از بدی‌شان بود.

۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرَ الْأَصْنَامِ. ✗

فعل فاعل مفعول ج.م م.اليه م.اليه

**ترجمه** ابراهیم تبر را بر شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد. غلط است؛ زیرا در درس گفته که تبر را بر شانه بزرگ‌ترین بت‌ها آویزان کرد. (عَلَى كَيْفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ).

۳- لَمْ يَكُنْ لِنُغْضِ الشُّعُوبِ دِينَ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ. ✗

**ترجمه** بعضی از ملت‌ها دینی یا روشی برای پرستش نداشتند. غلط است؛ زیرا در متن درس گفته هیچ ملتی نیست که دین یا روشی برای پرستش نداشته باشد. (لَا شُعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ).

۴- الْأَنْثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. ✓

مبتدا صفت فعل مفعول م.اليه ج.م و فاعل

**ترجمه** آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند.**کالبر شکافی:** حواستان باشد که «تُؤَكِّدُ» خبر از نوع جمله فعلیه برای «آثار» است. ضمناً فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

۵- إِنَّ التَّنْدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. ✓

**ترجمه** به درستی که دین‌داری در انسان ذاتی است.

۶- لَا يَنْشُرُكَ اللَّهُ الْإِنْسَانُ سُوءِي. ✓

فعل فاعل مفعول قيد حالت

**ترجمه** خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

## ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (التوبة: ۱۲۰)

فعل و فاعل مفعول م.اليه

**ترجمه** بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.**کالبر شکافی:** «اللَّهُ» قبل از فعل (لَا يُضِيعُ) آمده؛ پس فاعل نیست. اصولاً هرگاه مرجع یک فعل (یعنی اسم) قبل

از آن فعل بیاید، فاعل درون فعل و همراه فعل است و ممکن است اصلاً فاعل را نبینیم، پس در این حالت اسم قبل یا بعد از فعل نمی‌تواند فاعل باشد.

**مثال:** الْكِتَابُ يُقَوِّى الْفِكْرَ. ← کتاب، فکر را قوی می‌کند.

مبتدا فعل و فاعل مفعول

• «يُضِيعُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (أَضَاعَ - يُضِيعُ) • «الْمُحْسِنِينَ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

﴿... قَالَ أَعْلِمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة: ۲۵۹)

فعل فعل ج.م م.اليه

**ترجمه** گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.**کالبر شکافی:** «أَعْلِمُ» فعل مضارع از ثلاثی مجزء و در صیغه «أنا» است، آن را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید. اصولاً در ساختار «أفعل + أَنْ، أَنَّ» فعل داریم

نه اسم تفضیل.





از شناختِ نقش‌های بعد از حروف مشبّهه بالفعل در حیطة امتحان نهایی سؤال نمی‌آید؛ پس اصلاً نیاز نیست که مثلاً اسم و خبر آن‌ها و انواعشان را یاد بگیرید. توصیه ما به شما این است: همان مطالبی را که در چهارچوب امتحان نهایی باید بدانید، دقیق و کامل یاد بگیرید، نه اینکه نکات اضافه‌تر بخوانید.

**؟ سؤال:** لماذا ما سافرت بالطائرة؟ **پاسخ:** لأن بطاقة الطائرة غالية.

ج.م فعل ج.م حرف مشبّهه م.اليه

**ترجمه:** چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیط هواپیما گران است.

**کالبر شکاف:** «الطائرة» و «غالية» هر دو اسم فاعل از ثلاثی مجزّد هستند. دقت کنید که «بطاقة» هم می‌تواند یک اسم باشد (بلیط، کارت) و هم می‌تواند جار و مجرور باشد (+ بطاقة: با توانایی) که در اینجا اسم است نه جار و مجرور؛ ضمناً همان‌طور که مشاهده کردید نقش «بطاقة» و «غالية» را بررسی نکردیم؛ چون در امتحان نهایی نمی‌آید. اصولاً در پاسخ به «لماذا: چرا» از «لأن: زیرا» یا «لـ: برای...» استفاده می‌کنیم.

**كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك.**

حرف مشبّهه م.اليه م.اليه فعل مجهول

**ترجمه:** گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

**کالبر شکاف:** «إرضاء» یک اسم مفرد و مصدر باب «إفعال» است. «تُدركُ» فعل مضارع مجهول ثلاثی مزید در صیغه مفرد مؤنث غایب از باب «إفعال» و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره «غاية» است؛ ضمناً به ترجمه آن (به دست آورده نمی‌شود) دقت کنید: «أدركَ: به چیزی رسید، چیزی را به دست آورد»

**﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَسَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾**

حرف مشبّهه م.اليه ج.م حرف مشبّهه م.اليه فعل و فاعل

**ترجمه:** بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

**کالبر شکاف:** گاهی حرف «لـ» بعد از «إِنَّ» و «لَوْ» می‌آید که کار این حرف، تأکید بیشتر بر جمله است؛ یعنی یک بار «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند و یک بار «لـ» روی رکن بعد از خود تأکید دارد؛ بنابراین آن را با حرف «لـ» جز اشتباه نگیرید؛ پس حواستان باشد که در ترجمه ساختار «إِنَّ... لـ» می‌توان از دو قید تأکید استفاده کرد.

**مثال:** إِنَّ الدُّنْيَا لَتَفْنِي. ← به درستی که دنیا حقیقتاً نابود می‌شود.

• بعد از «ذو، ذا، ذی، ذات» همیشه مضاف الیه می‌آید. • «أَكْثَرُ» اسم تفضیل مذکر بر وزن «أفعل» است. • «لَا يَشْكُرُونَ» فعل ثلاثی مجزّد و معلوم است.

**﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا يُثْنِي نَكْتًا ثَرَابًا﴾ (التّٰه: ٢٠)**

فعل فاعل

**ترجمه:** و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم.

**کالبر شکاف:** «الکافر» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است، آن را اشتباهاً «کافر» نخوانید. • حرف «ن» در «لَيْتَ» نون وقایه است، دقت کنید که نون وقایه می‌تواند با حروف مشبّهه بالفعل نیز بیاید. • بعد از فعل‌های ناقصه فاعل و مفعول نمی‌آید و بررسی نقش‌های آن در حیطة امتحان نهایی نیست. همان‌طور که قبل‌تر نیز گفتیم اصولاً یادتان باشد که دنبال زیاد یاد گرفتن نباشید بلکه دنبال دقیق یاد گرفتن باشید.

**﴿إِنَّا جَعَلْنَا هَٰذَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الزّٰحرف: ٣)**

حرف فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ صفت حرف مشبّهه فعل مشبّهه

**ترجمه:** بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

ترجمه این آیه کمی متفاوت است و به شکل تحت‌اللفظی نیامده، اما چون ترجمه کتاب درسی است چاره‌ای نیست، آن را حفظ کنید.

**کالبر شکاف:** «إِنَّا» مخفّف «إِنَّا» است که در اصل «إِنَّا + نا» بوده است. • «جَعَلَ» از فعل‌های دومفعولی است و دو مفعول پذیرفته، لیست فعل‌های دومفعولی را در درس ۵ پایه دهم در بخش ویژه آورده‌ایم. • «تَعْقِلُونَ» فعل مضارع ثلاثی مجزّد و معلوم است. • «قُرْآن: خواندن» مصدر و نکره است.

## اختبر نفسك (۱)

**اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱):** تَرْجِمُ هَاتَيْنِ الْاِثْنَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ.

فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل و فاعل مفعول واپسته صفت

**ترجمه:** خودت را بیازمای (۱): این دو آیه کریمه را ترجمه کن.

**کالبر شکاف:** «اِخْتَبِرْ» (از باب «إفعال») و «تَرْجِمُ» هر دو، فعل امر هستند. • اسم «ال» دار بعد از اسم اشاره مضاف الیه نیست، بلکه واپسته است.

دقت کنید که بعد از اسم‌های اشاره، ضمائر، اسم‌های «ال» دار، اسم‌های تنوین دار، اسم‌های عَلم (خاص) و فعل‌ها هرگز مضاف الیه نمی‌آید.

۱- ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَغْيِ وَلِكُنْكُمْ كُنُتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الزُّم: ۵۶)

مبتدا خبر مایه حرف مشبّهه فعل ناقصه فعل و فاعل

**ترجمه** این، روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی دانستید.

**کالبر شکاف:** دقت کنید که ترجمه «هذا اليوم بعث؛ این روز، رستاخیز است.» را با آیه فوق اشتباه نگیرید. • «کان» + مضارع، ماضی استمراری می سازد.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضَعْفًا مَّا أَنَّهُمْ بُنَيَاءُ مَرْصُوعٌ﴾ (الضُّف: ۴)

حرف مشبّهه مفعول فعل و فاعل ج.م مایه قید حرف مشبّهه صفت

**ترجمه** همانا خداوند کسانی را که در راهش صف در صف (پشت به پشت) می جنگند، دوست دارد؛ آن ها مثل (گویی آن ها) ساختمانهای استوار هستند.

**کالبر شکاف:** «إِنَّ» و «كَانَ» حرف مشبّهه هستند. • «اللَّهُ» قبل از فعل آمده و فاعل نیست. • «يُحِبُّ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «إفعال» است

که در اصل «يُحِبُّ» بوده. • «يُقَاتِلُونَ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مزید از باب «مُفاعلة» است.

■ لغات مشابه: «قَتَلَ: کُتِلَ» / «قَاتَلَ: جُنِغِدَ»

• «بُنَيَاءُ» یک اسم مفرد و مصدر است نه مثنی. • «مَرْصُوعٌ» اسم مفعول از ثلاثی مجزّذ است.

### ترجمه و آنالیز جملات «اعلموا»

﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...﴾ (البَقَرَة: ۳۲)

لای نفی جنس ج.م مستثنی فعل و فاعل مفعول

**ترجمه** جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست.)

**کالبر شکاف:** در ترجمه ساختار «لَا» ی نفی جنس... + «ل» + اسم یا ضمیر، از «نداشتن» استفاده می کنیم.

■ مثال: لَا تَجْرِبَةُ لَكُمْ. ← هیچ تجربه ای ندارید.

• هرگاه دو ضمیر به فعل بچسبند، حتماً اولی فاعل است و دومی مفعول، به همین خاطر «تَد» فاعل شد و «نا» مفعول.

■ مثال: أَخْرَجْنَاكُمْ. ← ما شما را خارج کردیم.

فاعل مفعول

• فعلاً بدانید که اسم بعد از «إِلَّا» نقش «مستثنی» دارد تا در درس سوم مفضلاً با آن آشنا شویم. • «عَلَّمْتَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تفعیل» است.

﴿لَا تَكُنْزُ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ﴾ (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع)

لای نفی جنس ج.م

**ترجمه** هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.

**کالبر شکاف:** اولاً «أغنى» اسم تفضیل است؛ ثانیاً به ترجمه آن دقت کنید که نگفته «بی نیاز تر»، بلکه گفته «بی نیاز کننده تر».

## اختبر نفسك (۲)

﴿تَرْجُمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ﴾

**ترجمه** حدیث های زیر را براساس قواعد درس ترجمه کن.

۱- لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

**ترجمه** هیچ خیری در سخنی نیست مگر به همراه عمل.

**کالبر شکاف:** «مَعَ الْفِعْلِ» جار و مجرور نیست بلکه مضاف و مضاف الیه است. • «خَيْر» هم می تواند مصدر باشد

و هم اسم تفضیل که در اینجا چون مضاف نشده و با حرف جرّ «مِنْ» نیامده، اسم تفضیل نیست. اصولاً اگر «خیر»، «ال»

بگیرد و یا بعد از «لَا» ی نفی جنس بیاید و یا همراه خود «صفت» بیاورد، مصدر است نه اسم تفضیل.

۲- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع)

ج.م مایه

**ترجمه** هیچ جنگی مثل جنگ با خود نیست. / هیچ پیکاری مثل پیکار با نفس نیست.

۳- لَا لِيَأْسَ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع)

ج.م

**ترجمه** هیچ لباسی زیباتر از تندرستی (سلامتی) نیست.

**کالبر شکاف:** «أَجْمَلٌ» اسم تفضیل بر وزن «أفعل» و «العافية» مصدر است.

۴- لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَذْبِ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع)

ج.م

ج.م

**ترجمه** هیچ فقری مثل نادانی و هیچ میراثی (ارثی) مثل ادب نیست.

**کالبر شکاف:** «میراث» مفرد است نه جمع، جمع آن «مَوَارِثُ» است.



۵- لا سوءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ. (أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ج ۴

**ترجمه** هیچ بدی ای، بدتر از دروغ نیست.

**کالبد شکاف:** «أَسْوَأَ» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» است.

**دقت کنید:** «لا» در هر پنج عبارت از نوع نفی جنس است.

### اختبر نفسك (۳)

إِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا تَلَى، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لا» فِيهِ.

**ترجمه** جای خالی را در آنچه می آید، پر کن؛ سپس نوع «لا» را در آن معلوم کن. مادر اینجا کلمات مورد نظر برای جای خالی را رنگی آورده ایم.

**کالبد شکاف:** «تَلَى» فعل مضارع است. گوی این که سه حرف دارد را نخورید و آن را ماضی تصوّر نکنید.

۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ (الأنعام: ۱۰۸)

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل ج م ماله فعل و فاعل مفعول

**ترجمه** و کسانی را که به غیر خدا فرا می خوانند دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند....

**کالبد شکاف:** نوع «لا» در «لَا تَسُبُّوا» نهی است، چون نون را از آخر فعل حذف کرده.

• «لَا تَسُبُّوا» فعل ثلاثی مجرد است. • به عنوان یک تذکر، حواستان باشد که «يَسُبُّوا» دشنام دهند» به شکل مضارع التزامی ترجمه شده و حرف نون از آخر آن افتاده، علت این قضیه خارج از کتاب درسی و امتحان نهایی است، پس آن را صرفاً حفظ کنید و به خاطر بسپارید.

■ لغات مشابه: «سَبَّ» دشنام داد / «سَبَّبَ» باعث شد

۲- ﴿وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...﴾ (یونس: ۶۵)

فعل مفعول فاعل ماله ج م قید حالت

**ترجمه** گفتارشان تو را نباید ناراحت کند (تو را ناراحت نکنند)؛ زیرا ارجمندی، همه از آن (برای) خداست.

**کالبد شکاف:** «لَا» انتهای فعل (يَخْرُجُ) را ساکن کرده؛ پس نهی است. • اگر مفعول ضمیر متصل باشد و فاعل از نوع اسم، مفعول بر فاعل مقدم می شود.

■ مثال: أَنْقَذَ هَا الشَّرْطِيُّ. ← پلیس او را نجات داد.

فعل مفعول فاعل

• «إِنَّ» در این آیه معنای «زیرا» می دهد که یک نکته بسیار مهم و حساس است؛ اصولاً وقتی «إِنَّ» بعد از فعل امر یا نهی قرار بگیرد، می تواند معنای «زیرا» دهد که این نکته را در درسنامه کاملاً بررسی کرده ایم.

۳- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ...﴾ (الزُّمَر: ۹)

حرف فعل فاعل صله معطوف صله

**ترجمه** آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند؟

**کالبد شکاف:** «هَلْ» حرف پرسشی است و حروف، نقش (محل اعرابی) ندارند.

• «يَسْتَوِي» از باب «إِفْتَعَال» است نه «إِسْتِفْعَال»؛ اصولاً وقتی حرف دوم فعل «س» و حرف سوم آن «ت» است، شک می کنیم که کلمه مورد نظر از باب «إِفْتَعَال» است یا «إِسْتِفْعَال» که بهترین راه برای تشخیص باب (مصدر)، شمارش تعداد حروف فعل است؛ به این صورت که اگر فعلمان «پنج» حرف داشت، از باب «إِفْتَعَال» است و اگر «شش» حرف داشت، از باب «إِسْتِفْعَال».

■ مثال: إِشْتَدَّ ← «پنج» حرف دارد و از باب «إِفْتَعَال» است. • إِسْتَكْمَلَ ← «شش» حرف دارد و از باب «إِسْتِفْعَال» است.

• جمله صله جمله ای است که پس از «الَّذِي» الّذین، الّتی و «مَنْ» و «مَا» ی وسط جمله می آید. این جمله نقشی ندارد و صرفاً تکمیل کننده معنا است. اسم این جمله در کتاب نیامده و در امتحان نیز شناسایی آن را از شما نمی خواهند، فقط بدانید که چنین جمله ای را به عنوان خبر یا جمله وصفیه در نظر بگیرید.

۴- ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُخَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ (البَقَرَة: ۲۸۶)

منادا ماله فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲ ج م ج م

**ترجمه** [ای] پروردگار ما، آنچه را که هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل مکن.

**کالبد شکاف:** «لَا» در «لَا تُخَمِّلْنَا» نهی است و در «لَا طَاقَةَ» نفی جنس. • «رَبَّنَا» براساس اطلاعات کتاب درسی به دو صورت ترجمه می شود: «پروردگارا، ای

پروردگار ما» • «خَمَّلَ - يُخَمِّلُ» از افعال دومفعولی است که در این آیه دو مفعول گرفته. • «تُخَمِّلُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و مصدر آن «تحمیل» است نه «تحمّل». • دقت کنید که ساختار «لَا... لَنَا...» به شکل «نداریم» ترجمه شده.

۵- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

فعل فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول

**ترجمه** خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نمی کند (رحم نکند).

**کالبر شکافی:** هر دو «لا» از نوع نفی هستند؛ زیرا خبر منفی می دهند و آخر مضارع را تغییر نداده اند. «يَرْحَمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است.

## التَّمْدِينُ الْأَوَّلُ

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

مبتدا م. الیه ج. م. م. الیه م. الیه فعل مفعول صفت

**ترجمه** کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس، مناسب توضیحات زیر است؟

ممکن است برایتان سؤال شود که چراگاهی صورت سؤالات را هم بررسی و آنالیز کرده ایم؟ پاسخ مشخص و واضح است. اولاً صورت سؤالات هم جزء کتاب درسی هستند؛ ثانیاً بعضاً دیده شده که از صورت سؤالات نیز سؤال طرح شده (مخصوصاً سؤالات قواعدی)، ثالثاً نکات خوبی در تیتیر سؤالات وجود دارد که حیث است بررسی نشود. رابعاً هدف از این کار مرور نکات قواعدی برای شما است. خامساً ارزش این کار زمانی بیشتر می شود که بدانیم سایر کتاب ها و جزوات اصلاً به بررسی آن ها نپرداخته اند؛ ولی شما می توانید تحلیل این قسمت را نیز داشته باشید.

**کالبر شکافی:** «مُعْجَم» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» است. (مُعْجَمٌ) خبر از نوع جمله فعلیه برای «أَيُّ» است. ضمناً فعل مضارع معلوم ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» و مصدرش «مُنَاسَبَةٌ» است نه «تُنَاسَبُ». «التَّالِيَةُ» اسم فاعل است. یادتان باشد که کلمات بر وزن «الفاعی» و «الفاعیه» اسم فاعل هستند.

۱- أَلَهُ ذَاتُ يَسَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ يَسَنٌ غَرِيضَةٍ مِنَ الْخَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا.

صفت م. الیه ج. م. معطوف صفت ج. م. فعل مجهول ج. م.

**ترجمه** وسیله ای دارای دسته ای از چوب و تیغه ای (دندانه ای) پهن از آهن که به وسیله آن (چیزی) قطع می شود. پاسخ «الْفَأْسُ: تبر»

**کالبر شکافی:** یادگیری نقش اسم اول در این چهار عبارت برای شما لازم نیست، روی آن حساس نشوید؛ اما اگر برای خودتان سؤال است، این کلمات نقش خبر دارند و اسم در جای خالی مبتدا است، در واقع جمله در اصل چنین بوده: «الْفَأْسُ أَلَهُ...» مبتدا خبر

ممکن است بپرسید «غریضة» که مؤنث است و «ة» دارد، چطور صفت برای «سَنٌ» شده؟ بدانید که «سَنٌ» مؤنث معنوی است، مثل «نفس، شمس، أرض، نار، دار، روح، ریح، بئر» و ... که مؤنث معنوی بودند. «يُقَطَّعُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (قَطَعَ - يَقْطَعُ) و جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش، یعنی «أَلَهُ» است.

۲- تَمَثَّلَ مِنْ خَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ خَدِيدٍ يُغْتَسَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

ج. م. معطوف معطوف فعل مجهول ج. م. م. الیه

**ترجمه** مجسمه ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خداوند پرستیده می شود. پاسخ «الصَّنَمُ: بُت»

**کالبر شکافی:** «خَجَرٍ، خَشَبٍ، خَدِيدٍ» هر سه نکره هستند؛ ولی چون بیانگر یک چیز کلی و در واقع یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند، روی آن حساس نشوید. «أَوْ» معنای «یا» دارد، نقش اسم بعد از آن معطوف است؛ البته در امتحان نهایی آن را از شما نمی خواهند، فقط بدانید که «أَوْ» معنای «و» نمی دهد و حرف جر نیست، چون خیلی ها چنین اشتباهی را مرتکب می شوند. «يُغْتَسَدُ» فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد (عَبَدَ - يَغْبُدُ) و جمله وصفیه (جمله بعد نکره) برای اسم نکره قبلش، یعنی «تَمَثَّلَ» است.

۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ.

ج. م. م. الیه فعل قید م. الیه

**ترجمه** عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می شود (قرار دارد). پاسخ «الْكُتِفُ، الْكَتِفُ: شانه»

**کالبر شکافی:** «يَقَعُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد است؛ ولی سه حرف دارد، خیلی ها آن را با فعل ماضی اشتباه می گیرند و آن را به شکل «واقع شده» ترجمه می کنند که غلط است. ماضی «يَقَعُ» می شود «وَقَعَ»، ضمناً «يَقَعُ» جمله وصفیه برای اسم نکره قبلش، یعنی «عضو» است. «أَعْلَى» اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» است؛ ولی در اینجا با «تر» یا «ترین» ترجمه نشده، این نکته فوق العاده مهم است.

۱. «مؤنث معنوی» اسم هایی هستند که علامت تأنیت ندارند، ولی «مؤنث» به شمار می آیند.



٤- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

ج.م معطوف ج.م صفت

**ترجمه** ترک کننده باطل و متمایل (گرونده) به دین حق. **پاسخ** «الحنیف: یکتاپرست»

**کالبر شکاف:** «التَّارِكُ» و «الْبَاطِلُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد و «الْمُتَمَائِلُ» اسم فاعل ثلاثی مزید (از باب «تَفَاعُلُ») هستند.

٥- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ.

فعل و فاعل ج.م صفت

**ترجمه** به درستی که آن ها شروع کردند با سختی پنهان حرف بزنند. **پاسخ** «بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ»: شروع به پیچ کردن.

**کالبر شکاف:** «يَتَكَلَّمُونَ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّلُ» است.

## التَّمْدِينُ الثَّانِي

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْخَرْفَ الْمُشَبَّهَةَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

فعل و فاعل مفعول صفت حرف فعل و فاعل مفعول صفت ج.م معطوف صفت ج.م

**ترجمه** عبارات زیر را ترجمه کن؛ سپس حرف مُشَبَّهَة بالفعل و «لا» ی نفی جنس را معین کن.

**کالبر شکاف:** «تَرْجِمِ» و «عَيِّنِ» فعل امر هستند، «الْمُشَبَّهَةُ» اسم مفعول (مُـ + تـ) از باب «تَفْعِيلُ» و «النَّافِيَةُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

١- «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالُ يَا لَيْسَتْ قَوْمِي يَغْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس: ٣٦ و ٣٧)

فعل مجهول فعل و فاعل مفعول فعل حرف مشبهة م.آلیه فعل ج.م فاعل م.آلیه فعل مفعول ج.م

**ترجمه** گفته شد: وارد بهشت شو! گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگار مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.

**کالبر شکاف:** «قِيلَ» فعل مجهول «قال» است. • «ادْخُلِ» فعل امر از ثلاثی مجرد است.

• «جَعَلَنِي: جَعَلَ + ن + ی» است، پس نون و قایه داریم. • «الْمُكْرَمِينَ» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «إِفْعَالُ» است. (مُـ + تـ)

• تمام فعل های این دو آیه، ثلاثی مجرد هستند.

٢- «... لَا تَخْزَنَ إِنَّ اللَّهَ مَعِينَا...» (التَّوْبَةُ: ٤٠)

فعل و فاعل حرف قید م.آلیه مشبهة

**ترجمه** ناراحت مشو، زیرا خدا با ما است.

**کالبر شکاف:** «لَا» از نوع نهی است. • «تَخْزَنَ» فعل ثلاثی مجرد است. • چون «إِنَّ» بعد از فعل نهی آمده، بهتر است

به شکل «زیرا» معنا شود؛ اما به درستی که «نیز درست است. • «مَعَ» اسمی است که همراه خود «مضاف الیه» دارد.

🔔 ممکن است بپرسید چرا در «اختبر نفسك ٣» عبارت شماره ٢ «يَخْزَنَ» به معنای «ناراحت می کند» بود؛ ولی اینجا «تَخْزَنَ» به معنای «ناراحت می شود»

است؟ بالاخره این فعل یعنی «ناراحت شدن» یا «ناراحت کردن»؟ در جواب بدانید که با دو فعل کاملاً متفاوت روبه رو هستیم:

١ «خَزَنَ، يَخْزَنُ: ناراحت شد» ٢ «خَزَنَ، يَخْزَنُ: ناراحت کرد» که هر دوی این فعل ها ثلاثی مجرد هستند؛ ولی اولی بدون مفعول می آید و ناگذر (لازم) است و

دومی مفعول پذیر و گذرا (متعدی) است.

٣- «... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...» (الضَّافَات: ٣٥)

**ترجمه** هیچ معبودی جز الله (خدای یگانه) نیست.

**کالبر شکاف:** «لَا» از نوع نفی جنس است. • «إِلَه» نکره است و «الله» معرفه از نوع علم.

٤- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ج.م ج.م

**ترجمه** هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفایی به] پیمانی ندارد.

**کالبر شکاف:** هر دو «لَا» ی نفی جنس هستند. • دقت کنید که «لَا... لِ...» به شکل «ندارد» ترجمه شده است.

۵- إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رسول الله ﷺ)

حرف ج م فعل فاعل قید مالمیه ج م مالمیه  
مشبّه

**ترجمه** همانا از سنت است که مرد (شخص) تا در خانه با مهمان خود خارج شود (بیرون برود).

■ **لغات مشابه:** «السُّنَّةُ: سُنَّت» / «السُّنَّةُ: سال» / «السُّنَّةُ: زبان ها» جمع کلمه «لسان» است. / «السُّنَّة: دندان» جمع آن «أسنان» است.

■ **کالبد شکافی:** بعد از حروف مشبّهه یا اسم می آید یا ضمیر یا جار و مجرور (مثل جمله بالا)، ولی هرگز این حروف مستقیماً با فعل نمی آیند.

■ «الدَّار» مؤنث معنوی است. • «يُخْرَجُ» فعل مضارع منصوب و ثلاثی مجزّد است.

## التّمدين الثالث

۱) اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيٍّ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

**ترجمه** شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی (علیه السلام) را بخوان، سپس ترجمه کلمه هایی را که زیرشان خط

است، معین کن. (ما در اینجا لغات مربوط را رنگی آوردیم.)

أَتَيْهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ      اِنْتَمَا النَّسَبُ لَأُمِّ وَ لَأَبٍ  
منادا      قید      ج م      مبتدا      ج م      ج م

**ترجمه** ای که نابخردانه (از روی جهل) افتخارکننده به **دودمان** (اصل و نسب) هستی، مردم، تنها از یک مادر و یک پدرند.

■ **کالبد شکافی:** «الفاحش» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است. • «إِنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» بوده و از حروف مشبّهه نیست، یعنی هم با اسم می آید و هم با فعل، پس آن را با «إِنَّ» قطعاً اشتباه نگیرید. ضمناً ترجمه «إِنَّمَا» قبل از رکن دورتر قرار می گیرد. مثلاً در بیت بالا نگفتیم: «تنها مردم، از یک مادر و یک پدرند» بلکه گفتیم: «مردم، تنها از یک مادر و پدرند»، پس ترجمه «إِنَّمَا» برای قسمت نزدیک به آن نیست و برای بخش دورتر است. • حواستان باشد که «لِ» در «لِأُمِّ وَ لِأَبٍ» و «لَب» معنای «از» می دهد. • «لِأُمِّ» خبر برای «الناس» است.

هَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ      أُمِّ خَسَدِيدٍ أُمِّ نَحْاسٍ أُمِّ ذَهَبٍ  
فعل      مفعول فعل مجهول      ج م      معطوف      معطوف      معطوف      معطوف

**ترجمه** آیا آنان را می بینی (می پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده اند؟

■ **کالبد شکافی:** «تری: می بینی» فعل مضارع ثلاثی مجزّد از «رأى: دید» در صیغه مفرد مؤنث مخاطب است. • «خُلِقُوا» فعل ثلاثی مجزّد و مجهول است. • «أُم» مثل «أَو» معنای «یا» دارد و از حروف جازه نیست. برای اطلاع خودتان بدانید که «أُم» و «أَو» مثل «و» حرف عطف هستند. • «حَدِيد، نَحَاس، ذَهَب» هر سه نکره هستند، ولی چون کلی و بیانگر یک جنس هستند، معرفه ترجمه شدند.

هَلْ تَسْرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ      هَلْ سَوَى نَحْسٍ وَ غَفْسٍ وَ غَضَسٍ؟  
فعل      مفعول فعل مجهول      ج م      مالمیه      معطوف      معطوف      معطوف

**ترجمه** بلکه آنان را می بینی که از **تکه گلی** آفریده شده اند. آیا به جز گوشت و **استخوان** و پپی اند؟

■ **کالبد شکافی:** «سوی: به جز» را با «سواء: یکسان» اشتباه نگیرید.

اِنْتَمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ      وَ خِيَاءٍ وَ غَفْسٍ وَ أَدَبٍ  
حرف      مبتدا      ج م (خبر)      صفت      معطوف      معطوف      معطوف

**ترجمه** افتخار، تنها به خردی استوار، **شرم**، پاکدامنی و ادب است.

■ **کالبد شکافی:** حواستان هست که «إِنَّمَا» قبل از «لِعَقْلِ» یعنی رکن دورتر ترجمه شد؟ • «ثَابِت» اسم فاعل از ثلاثی مجزّد است.

• «عَقْل» موصوف «ثَابِت» است.

۲) اِسْتَخْرِجْ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

**ترجمه** اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور، صفت، و موصوف را از آیات استخراج کن.

**پاسخ** اسم فاعل: الفاحش، ثابت / فعل مجهول: خُلِقُوا / جار و مجرور: بِالنَّسَبِ، لِأُمِّ، لِأَبٍ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلِ / صفت: ثابت / موصوف: عقل



## التَّمْدِينُ الدَّابِع

ترجمہ الأحادیث، ثُمَّ غَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

**ترجمہ** حدیث‌ها را ترجمه کن، سپس خواسته شده از تو را، معین کن.

۱- كُلْ ظَعَامٍ لَا يُذَكِّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ،... لَا بَرَكَهَ فِيهِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَنَوْعُ لَا)  
مبتدا م. الیه فعل مجهول م. الیه ج. م

**ترجمہ** هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نمی‌شود (ذکر نشود) هیچ برکتی در آن نیست.

**کالبر شکاف:** «لا يُذَكِّرُ» جمله وصفیه (جمله بعد نکره) است نه خبر، جمله «لا بَرَكَهَ فِيهِ» خبر برای «کُلْ» است. اگر این مسئله برایتان عجیب است نکته زیر را ببینید:

در ساختار «مبتدای نکره + فعل + فعل یا اسم یا جمله» ← فعل اول جمله وصفیه است و خبر در بخش دوم جمله می‌آید.

**مثال:** كِتَابٌ يَهْدِيكَ يَكْثُرُ مَعْرِفَتَكَ. ← کتابی که تو را هدایت می‌کند، شناخت را افزایش می‌دهد.  
مبتدا وصفیه خبر

**پاسخ** «لا» ی اولی نفی است (لا يُذَكِّرُ) و «لا» ی دوم نفی جنس (لا بَرَكَهَ). / «يُذَكِّرُ» فعال مضارع مجهول و ثلاثی مجرد است.

۲- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (نَوْعُ الْفِعْلِ)  
فعل حرف مشبَّهه

**ترجمہ** عصبانی مشو، زیرا خشم (عصبانیت) مایه تباهی است.

**پاسخ** «لا» از نوع نفی است. («لا تَغْضَبْ» فعل نفی است.)

**کالبر شکاف:** «فَإِنَّ» چون پس از فعل نفی آمده، به شکل «زیرا» ترجمه می‌شود. • «مَفْسَدَةٌ» مصدر است؛ نه اسم مکان. خیلی از بچه‌ها به خاطر وزنش (مَفْعَلَةٌ) آن را اسم مکان در نظر می‌گیرند، ولی اصلاً معنای مکانی ندارد که اسم مکان باشد.

۳- لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةٌ مِثْلُ التَّفَكُّرِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَنَوْعُ لَا)  
ج. م م. الیه

**ترجمہ** هیچ فقری شدیدتر (سخت‌تر) از نادانی و هیچ عبادتی مثل تفکر (فکر کردن) نیست.

**پاسخ** هر دو «لا» از نوع نفی جنس است و «التَّفَكُّرُ» مضاف الیه است.

**کالبر شکاف:** «أَشَدُّ» اسم تفضیل است که در اصل «أَشَدَّة» بوده است.

۴- لَا تَطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (نَوْعُ لَا، وَفَرْذٌ «مَسَاكِينَ»)  
فعل و فاعل مفعول ج. م فعل و فاعل

**ترجمہ** به ثپی دستان از آنچه که نمی‌خورید، غذا ندهید.

**پاسخ** «لا» ی اولی نفی است و «لا» ی دومی نفی. مفرد «الْمَسَاكِينَ» کلمه «المسکین» است.

**کالبر شکاف:** «لَا تَطْعَمُوا» فعل مضارع (نفی) معلوم ثلاثی مزید و از باب «إفعال» است و «تَأْكُلُونَ» فعل مضارع معلوم و ثلاثی مجرد می‌باشد.

• «الْمَسَاكِينَ» جمع مکسر «المسکین» است نه جمع مذکر سالم. • «مِمَّا» مخفّف «مِنْ + ما» است.

۵- لَا تُسَبِّحُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) (فِعْلُ النَّهْيِ، وَ مُضَادٌّ عَدَاوَةً)  
فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول قید م. الیه

**ترجمہ** به مردم دشنام ندهید، زیرا بین آن‌ها دشمنی به دست می‌آورید.

**پاسخ** «لَا تُسَبِّحُوا» فعل نفی است، چون «لا» حرف نون را از آخر فعل حذف کرده؛ ضمناً این فعل از مصدر ثلاثی مجرد است (سَبَّ) نه ثلاثی مزید.

متضادّ «الْعَدَاوَةُ» دشمنی می‌شود «الصَّدَاقَةُ» دوستی.

**کالبر شکاف:** دقت کردید که «ف» رابه شکل «زیرا» ترجمه کردیم؟ چون بعد از فعل نفی آمده. • «تَكْتَسِبُوا» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «إفتعال» است. • کلماتی مثل «بین، عند، کُلّ، بعض، مع» اسم هستند نه حرف جرّ.

۶- حُدُّوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُنُوا نِقَادَ الْكَلَامِ. (عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ۑ) (الْفِعْلُ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا تَحْتَهُ حَقٌّ)  
فعل و مفعول ج. م م. الیه فعل و فاعل مفعول مجروریه م. الیه حرف جرّ

**ترجمہ** [حرف] حق را از اهل باطل بگیرد (بپذیرد) و [حرف] باطل را از اهل حق نگیرد (نپذیرد)، نقدکننده کلام (سخن‌سنج) باشید.

**کالبر شکاف:** «حُدُّوا» فعل امر از ثلاثی مجرد و «لَا تَأْخُذُوا» فعل نفی است. • دقت کنید که معنای «کنونا» باشید و «کانوا» بودند هست.

• «نِقَادَ» جمع «ناقِد» و اسم فاعل است، ولی «نِقَادَ» بر وزن «فَعَال» و اسم مبالغه است. • اصولاً وزن «فَعَال» جمع «فاعِل» و اسم فاعل است، ولی وزن «فَعَال» مفرد و اسم مبالغه است.

**مثال:** «سَيَّاح» ← جمع «سائح»، اسم فاعل / «سَيَّاح» ← اسم مبالغه، اسم فاعل / «عَلَّام» ← اسم مبالغه

## التَّهْمِينُ الْخَامِسُ

ترجمه انواع الفعل في الجمل الثانية.

ترجمه انواع فعل را در جمله های زیر ترجمه کن.

|                                                                                                           |                                                     |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
| ۱- رَجَاءٌ، أَكْتُبَنَّ حُلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَ.                                           | لطفاً حل پرسش ها را با هم کلاسی هایتان بنویسید.     |
| ۲- إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضَيِّحُ خَطَّكَ قَبِيحاً.                                              | اگر با عجله بنویسی، خطت زشت خواهد شد.               |
| فعل شرط است و به شکل مضارع التزامی ترجمه می شود.                                                          |                                                     |
| ۳- أَرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ.                                            | می خواهم [که] خاطره ای در دفتر خاطرات بنویسم.       |
| «أَنْ» با مضارع، مضارع التزامی می سازد.                                                                   |                                                     |
| ۴- لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.                                            | [انسان] خردمند، روی آثار تاریخی [هرگز] نخواهد نوشت. |
| «لَنْ» آینده منفی می سازد و می توان در ترجمه آن از «هرگز» استفاده کرد.                                    |                                                     |
| ۵- إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.                                                 | قطعاً او اندیشه هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.        |
| «سوف» با مضارع، آینده مثبت می سازد.                                                                       |                                                     |
| ۶- عِنْدَمَا شَاهَدْتُهِ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِئُهُ.                                                       | هنگامی که او را دیدم، تمرینش را می نوشت.            |
| «كَانَ» با مضارع، ماضی استمراری می سازد.                                                                  |                                                     |
| ۷- قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.                                                         | تنبل، تمرین های درس را گاهی می نویسد/ شاید بنویسد.  |
| «قَدْ» با مضارع معنای «گاهی، شاید، ممکن است» می دهد و فعل مضارع به شکل اخباری یا التزامی ترجمه می شود.    |                                                     |
| ۸- يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟                                                    | ای دانش آموزان، چرا ترجمه را نمی نویسید؟            |
| ۹- رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.                                                       | لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.                         |
| فعل نهی مخاطب داریم چون حرف «ن» از آخر فعل حذف شده است.                                                   |                                                     |
| ۱۰- هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لَصَدِيقَتَيْهَا.                                                        | او نامه ای به دوستش نوشته است.                      |
| «قَدْ» با ماضی، ماضی نقلی می سازد.                                                                        |                                                     |
| ۱۱- لِنَكْتُبَ جُمْلَةً جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.                                                       | در دفترهایمان جمله هایی زیبا باید بنویسیم.          |
| «لِ» امر داریم که به معنای «باید» است؛ چون «لِ» آخر فعل را ساکن کرده می فهمیم که از نوع امر یا جازمه است. |                                                     |
| ۱۲- أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.                                                               | من دیروز تکلیف هایم را ننوشتم/ ننوشته ام.           |
| «لَمْ» با مضارع مجزوم، ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی می سازد.                                          |                                                     |
| ۱۳- مَا كَتَبْنَا شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ.                                                               | روی دیوار چیزی ننوشتیم.                             |
| ۱۴- كُنْتُ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.                                                                       | حدیثی روی تخته نوشته شد.                            |
| فعل ماضی مجهول داریم که با مصدر «شدن» ترجمه می شود.                                                       |                                                     |
| ۱۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجَوِبَةَ.                                                                    | جواب ها را می نوشتند.                               |
| ۱۶- كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرْسَهُمْ.                                                                     | درسشان را نوشته بودند.                              |
| «كَانَ» + «قَدْ» + ماضی، ماضی بعید می سازد.                                                               |                                                     |
| ۱۷- يُكْتُبُ نَصٌّ قَصِيرٌ.                                                                               | متنی کوتاه نوشته می شود.                            |
| فعل مضارع مجهول داریم که در ترجمه با مصدر «شدن» می آید.                                                   |                                                     |

## سؤالات امتحان

## لغات (۱۸۱ سؤال)

(۳۱ سؤال)

## ترجمه واژه



**مشاوره:** در امتحان نهایی هرساله **یک نمره** از معنای لغت سؤال داریم؛ به این شکل که **چهار کلمه** را (معمولاً **۲ فعل** و **۲ اسم**) در جمله می‌دهند و زیر لغت مورد نظر خط می‌کشند تا شما ترجمه دقیق را بنویسید، حتی‌الامکان سعی کنید کلمه را **بر اساس ساختار جمله** و تأثیرات آن بر لغت مدنظر طراح ترجمه کنید. مثلاً در عبارت «کان العابر یمز بالفقير» زیر «یمز» خط کشیده شده که ظاهراً یک فعل مضارع است، ولی چون قبل از آن «کان» آمده، باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود (می‌گذشت)؛ پس به نکات مختلف مثل مفرد و جمع بودن، معرفه و نکره بودن و... توجه کنید.

## ۱. ترجم الکلمات التي تحتها خط:

۱. قرأنا أنشودة في الصف.

۲. «أقيم وجهك للدين خنيهاً»

۳. يا إلهي! أعني في دروسي.

۴. غلق الأب الملابس على غصون الأشجار.

۵. خلّقوا من نحاس.

۶. إنارة القلب والعقل مفيدة.

۷. وأملأ الضدّر انشراحاً / وقمى بالبسمات

۸. هل يسوى لحم وعظم وعصب.

۹. لا تطعموا المساكين ممّالا تأكلون.

۱۰. وأملأ الدنيا سلاماً / شاملاً كل الجهات

۱۱. «رب اجعلني مقيم الصلاة»

۱۲. وصل الزوّار إلى مطار التجف الأشرف.

۱۳. قد حدّثنا القرآن صراع الأنبياء مع الكافرين.

۱۴. وأنز عقلي وقلبي / بالعلوم النافعات

۱۵. «قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي»

۱۶. يا إلهي، يا إلهي / يا مجيب الدعوات

۱۷. غلينا أن نكرم الضيوف في الدار.

۱۸. يتأكّد الطائر من خداع العدو.

۱۹. إملأ الدنيا سلاماً شاملاً.

۲۰. يا إلهي، أعني المسلمين في حياتهم.

۲۱. واجعل التوفيق خطي / ونصبي في الحياة

۲۲. لم تفرّق بين أطفالك؟

۲۳. يطير الطائر لإنقاذ حياة فراخه بغته.

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ دهم)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شهریور ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

**تکرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲)**

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)



(دی ۹۸ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۸)

پُر تکرار (خرداد و دی ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

۲۴. بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ / هَلْ يَسُوئُ لَكُمْ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

۲۵. عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الضَّنَمِ.

۲۶. أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۷. شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً .

۲۸. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۲۹. إِنَّ الْعَصَبَ مَفْسَدَةٌ.

۳۰. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ.

۳۱. قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.

(۳۵ سؤال)

### شناخت مفرد و جمع مکسر

**مشاوره:** در یک امتحان نهایی استاندارد، معمولاً نیم نمره به شناخت مفرد و جمع مکسر اختصاص دارد (هر کدام ۰/۲۵)، در این باره حواستان باشد که تمام لغات درس را کامل بخوانید، چون بارها حتی از پاورقی هم سؤال داشته‌ایم. در کل این قسمت چالش خاصی ندارد و فقط ممکن است کلمات شبیه به هم کار را برایتان دشوار کند؛ مثلاً جمع «عَظْم» می‌شود «عِظَام» و جمع «أَعْظَم» می‌شود «أَعْظَم» که البته جای نگرانی نیست؛ زیرا در ابتدای درس، یک کادر مفصل و مبسوط مخصوص مفرد و جمع مکسر برایتان قرار داده‌ایم، همان را بخوانید، کافی است.

### ۲) اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةَ:

۳۲. السُّيَاحُ (المفرد): ..... (خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای) ۳۳. الشُّعُوبُ (المفرد): .....

۳۴. العُصُورُ (المفرد): ..... (شهریور ۹۹) ۳۵. التُّقَادُ (المفرد): .....

۳۶. الْأَنَاشِيدُ (المفرد): ..... ۳۷. الْأَصْنَامُ (المفرد): .....

۳۸. الْأَعْضَاءُ (المفرد): ..... ۳۹. الْفِرَاحُ (المفرد): ..... (دی ۱۴۰۱ انسانی)

۴۰. الْفَأْسُ (الجمع المكسر): ..... ۴۱. الْكَتِفُ (الجمع المكسر): .....

۴۲. الْعِيدُ (الجمع المكسر): ..... ۴۳. النَّبِيُّ (الجمع المكسر): .....

۴۴. اللَّحْمُ (الجمع المكسر): ..... ۴۵. الْحَظُّ (الجمع المكسر): .....

۴۶. الْقُرْبَانُ (الجمع المكسر): ..... ۴۷. الشَّرُّ (الجمع المكسر): .....

### ۳) اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

۴۸. مفرد «الكتابات»: ☐ الف (الكتاب)

۴۹. جمع «العظم»: ☐ الف (العظام)

۵۰. جمع «الغنى»: ☐ الف (الأغنياء)

۵۱. مفرد «الضيوف»: ☐ الف (المضيف)

۵۲. مفرد «الأصاغر»: ☐ الف (الأصغر)

۵۳. مفرد «الآلهة»: ☐ الف (الله)

۵۴. جمع «المساكين»: ☐ الف (المساكين)

۵۵. مفرد «الحضارات»: ☐ الف (الحاضرة)

۵۶. مفرد «النقوش»: ☐ الف (النقاش)

۵۷. جمع «اليد»: ☐ الف (الأيدي)

۵۸. مفرد «العباد»: ☐ الف (العابد)

☐ ب (الكتابة)

☐ ب (الأعاطم)

☐ ب (الأغنى)

☐ ب (الضييف)

☐ ب (الصغرى)

☐ ب (إله)

☐ ب (المساكين)

☐ ب (الحضارة)

☐ ب (النقش)

☐ ب (اليدان)

☐ ب (العبد)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

## ۴) گم جمع تفسیر فی عبارات التالية:

۵۹. اُكْتُشَفَ الْإِنْسَانُ الْحَضَارَاتِ وَالرُّسُومَ وَالتَّمَائِيلَ مِنْ جِلَالِ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ. ☐ الف) خمسة ☐ ب) ثلاثة
۶۰. إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي الْأَدْيَانِ الْإِلَهِيَّةِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. ☐ الف) اثنان ☐ ب) أربعة
۶۱. حَاوَلَ الرُّسُلُ أَنْ يُنْقِذُوا أَقْوَامَهُمْ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. ☐ الف) اثنان ☐ ب) ثلاثة
۶۲. لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَكُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ. ☐ الف) واحد ☐ ب) ليس لها جمع تكسيره
۶۳. وَاحْمِنِي وَاحْمِ بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ ☐ الف) اثنان ☐ ب) ثلاثة
۶۴. كَانَ تَعَدُّدُ الْمَعْبُودَاتِ وَتَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ مِنْ شَعَائِرِ الْقَدَمَاءِ. ☐ الف) أربعة ☐ ب) ثلاثة
۶۵. اِكْتِسَابُ رِضَا اللَّهِ مِنْ آمَالِ بَعْضِ الْأَشْخَاصِ. ☐ الف) ثلاثة ☐ ب) اثنان
۶۶. كَتَبْنَا عَلَى صُحُفٍ جِدَارِيَّةٍ ذِكْرِيَّاتِ شُهَدَاءِ الْحَرْبِ. ☐ الف) واحد ☐ ب) اثنان

(۳۲ سؤال)

## متضاد و مترادف



**مشاوره:** یکی از پای ثابت‌های امتحان نهایی، سؤال **متضاد و مترادف** است که ۷۵٪ را به خودش اختصاص می‌دهد و شامل **سه کلمه** است. البته شکل ظاهری آن متفاوت است؛ ممکن است **سه جمله** بدهند و بگویند از بین این سه جمله، متضاد و مترادف‌های موجود را پیدا کنید و ممکن است **سه کلمه** بدهند و از شما بخواهند جلوی هر کلمه متضاد یا مترادف آن را بنویسید، اما نکته مهم این است که معمولاً خود کلمات را می‌دهند و شما باید از بین آن‌ها متضاد و مترادف‌ها را انتخاب کنید، پس غالباً نیاز نیست که آن‌ها را از حفظ بنویسید. ما هم از شکل‌های مختلف آن برایتان سؤال آورده‌ایم.

## ۵) اِنْتِخِبِ الْمُتَرَادِفَ أَوِ الْمُتَضَادَّ مِنْ بَيْنِ الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

(مُسْتَحْكَم - هِدَايَة - أَحْسَن - خَفِظَ - خِدَاع - تَقَرَّبَ - نَصَرَ)

۶۷. حِيلَة = .....

۶۸. تَجَنَّبَ = .....

۶۹. ضَلَالَة = .....

۷۰. أَعَانَ = .....

۷۱. سَدِيد = .....

۷۲. أَسْوَأُ = .....

۷۳. حَمَى = .....

۷۴. الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «الْحَرْبِ»:

هُوَ يُطْعِمُ الطَّعْمَ وَيَنْشُرُ السَّلَامَ.

۷۵. الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «أَرْسَلَ»:

فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِالْهُدَى.

## ۶) عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَالْمُتَضَادَّ:

۷۶. الْخَيْرِ / الْعُضْبِ / السَّوْءِ / الْحَبِيبِ / الْمَفْسَدَةِ / الصَّدِيقِ

الف) ..... = ..... ب) .....

۷۷. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطْمَئِنُّ مِنْ إِنْقَادِ فِرَاحِهِ.

..... = .....

۷۸. الْكِبَارُ يُعِينُونَ فِي صُعُوبَاتِ الْحَيَاةِ عَنِ الصَّغَارِ وَ يَنْصُرُونَهُمْ فِي حَوَادِثِ الدَّهْرِ.

الف) ..... = ..... ب) .....

## ۷) عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمُتَرَادِفِ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

۷۹. «لَا تَجِدُ التَّرَاغُ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤَحِّدِينَ».

☐ الف) السُّلْم ☐ ب) الصَّرَاع ☐ ج) السُّدَى ☐ د) الصُّدَاع

## ۸) اجْعَلْ عَلَامَةَ التَّرَادِفِ أَوِ التَّضَادِّ بَيْنَ الْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ (= ≠):

۸۰. سَارَعَ ○ عَجَلَ

۸۱. دَار ○ بَيْت

۸۲. سِيرَة ○ طَرِيقَة

۸۳. حَدَّث ○ كَلَّمَ

۸۴. صِرَاع ○ سِلْم

۸۵. خَنِيف ○ كَافِر

۸۶. سُدَى ○ عَبَث

۸۷. حَاوَلَ ○ سَعَى

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)



### ٩) اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُرَادِفِ وَالْمُتَضَادِّ:

- |                                               |                                          |                                         |
|-----------------------------------------------|------------------------------------------|-----------------------------------------|
| ٨٨. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَرِيَسَةٍ»:   | <input type="checkbox"/> الف) خِدَاع     | <input type="checkbox"/> ب) صَيْد       |
| ٨٩. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عَافِيَةٍ»:    | <input type="checkbox"/> الف) صِحَّة     | <input type="checkbox"/> ب) خَطَّ       |
| ٩٠. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «إِهْتِمَامٍ»:  | <input type="checkbox"/> الف) عِنَايَةٍ  | <input type="checkbox"/> ب) بَغْت       |
| ٩١. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِنْشِرَاحٍ»: | <input type="checkbox"/> الف) مُحْزُون   | <input type="checkbox"/> ب) حُزْن       |
| ٩٢. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «خُدُّ»:       | <input type="checkbox"/> الف) عَلَقَى    | <input type="checkbox"/> ب) أُعْطِ      |
| ٩٣. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «تَارِكٍ»:     | <input type="checkbox"/> الف) مُتَمَاطِل | <input type="checkbox"/> ب) بُنْيَان    |
| ٩٤. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «عُشٍّ»:        | <input type="checkbox"/> الف) وَكْنَةٍ   | <input type="checkbox"/> ب) عُصْن       |
| ٩٥. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «فَتَّشَ»:      | <input type="checkbox"/> الف) حَدَّثَ    | <input type="checkbox"/> ب) بَحَثَ عَنْ |
| ٩٦. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «إِزْدَادٍ»:   | <input type="checkbox"/> الف) نَقَضَ     | <input type="checkbox"/> ب) قَلَّلَ     |
| ٩٧. الْمُتَضَادُّ لِمَفْرَدَةِ «هَمَسَ»:      | <input type="checkbox"/> الف) حَسِبَ     | <input type="checkbox"/> ب) صَرَخَ      |
| ٩٨. الْمُرَادِفُ لِمَفْرَدَةِ «مَنَاسِكَ»:    | <input type="checkbox"/> الف) سُلُوك     | <input type="checkbox"/> ب) شَعَائِر    |

(٢١ سؤال)

### ١٠) ترجمه تکنیکی لغات

**مشاوره:** این قسمت یک بخش ترکیبی و فنی است و در جاهای مختلف می تواند از آن سؤال طرح شود؛ مثل ترجمه واژه یا سؤالات دوگزینه ای ترجمه و ... پس روی آن تمرکز ویژه کنید و خودتان را بسنجید. توجه داشته باشید که این سؤالات فقط با حفظ لغت قابل حل نیستند، بلکه باید مراقب تکنیک های قواعدی و ترجمه ای نیز باشید. توصیه می کنیم حتماً تمام جمله را بخوانید و زود گزینه ای را انتخاب نکنید.

### ١٠) اِنتِخِبِ الْجَوَابَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْمَفْرَدَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- |                                           |                                                    |                                                 |
|-------------------------------------------|----------------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| ٩٩. قَالَ: أَسْمَعُ كُلَّ شَيْءٍ:         | <input type="checkbox"/> الف) همه چیزها            | <input type="checkbox"/> ب) هر چیزی             |
| ١٠٠. غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ:                | <input type="checkbox"/> الف) به دست آورده نمی شود | <input type="checkbox"/> ب) به دست نمی آورد     |
| ١٠١. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ النَّاسِ دِينٌ: | <input type="checkbox"/> الف) نبودند               | <input type="checkbox"/> ب) نداشتند             |
| ١٠٢. كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ:          | <input type="checkbox"/> الف) بودند                | <input type="checkbox"/> ب) باشید               |
| ١٠٣. قَالَ: أَعْلِمُ كُلَّ شَيْءٍ:        | <input type="checkbox"/> الف) می دانم              | <input type="checkbox"/> ب) دانانترم            |
| ١٠٤. تِلْكَ أَصْنَامٌ:                    | <input type="checkbox"/> الف) آن بت ها             | <input type="checkbox"/> ب) آن ها بت هایی هستند |
| ١٠٥. إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٌّ وَلِأَبٍ:  | <input type="checkbox"/> الف) تنها                 | <input type="checkbox"/> ب) به راستی            |
| ١٠٦. هَؤُلَاءِ الْأَنْبِيَاءُ:            | <input type="checkbox"/> الف) این پیامبران         | <input type="checkbox"/> ب) این ها پیامبر هستند |
| ١٠٧. سُئِلَ الظَّالِمُ:                   | <input type="checkbox"/> الف) پرسید                | <input type="checkbox"/> ب) پرسیده شد           |
| ١٠٨. خُلِقَ:                              | <input type="checkbox"/> الف) آفریدند              | <input type="checkbox"/> ب) آفریده شدند         |
| ١٠٩. لَا تُطْعِمُ:                        | <input type="checkbox"/> الف) نخوران               | <input type="checkbox"/> ب) غذا نمی دهی         |
| ١١٠. الْأَغْنَى:                          | <input type="checkbox"/> الف) بی نیاز              | <input type="checkbox"/> ب) بی نیازکننده تر     |
| ١١١. سُبَّاحٌ:                            | <input type="checkbox"/> الف) گردشگران             | <input type="checkbox"/> ب) بسیار گردشگر        |
| ١١٢. أَرْسَلَ:                            | <input type="checkbox"/> الف) می فرستم             | <input type="checkbox"/> ب) فرستاد              |
| ١١٣. قِيلَ:                               | <input type="checkbox"/> الف) گفت                  | <input type="checkbox"/> ب) گفته شد             |
| ١١٤. تَمَتَّى:                            | <input type="checkbox"/> الف) آرزو داشت            | <input type="checkbox"/> ب) آرزو داری           |
| ١١٥. فَرَّخِيهَ:                          | <input type="checkbox"/> الف) جوجه اش              | <input type="checkbox"/> ب) جوجه هایش           |

۱۱۶. خُذُوا: ☐ الف) گرفتند ☐ ب) بگیرید
۱۱۷. عَلَّمَنَا: ☐ الف) یاد دادیم ☐ ب) به ما یاد داد
۱۱۸. لَا تُحْمِلُونِي: ☐ الف) بر من تحمیل نکنید ☐ ب) بر من تحمیل نمی‌کنید
۱۱۹. لَا تُضِيعْ: ☐ الف) تباه نکن ☐ ب) تباه نمی‌کنی

(۲۴ سؤال)

## شناخت کلمه غریبه (نامرتب)

**مشاوره:** هر ساله **یک سؤال** (یعنی ۰/۲۵) به این موضوع اختصاص دارد و در دو دسته کلی قرار می‌گیرد:

- ۱) پیدا کردن **کلمه نامرتب از نظر معنایی** (که معمولاً این گونه است) ۲) پیدا کردن **کلمه نامرتب از نظر قواعدی**

## ۱۱ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ:

## الف عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ التَّرْجُمَةِ:

(دی ۱۴۰۱)

۱۲۰. اللَّحْمُ - الْعَظْمُ - الدُّنْبُ - الدَّمُ:

۱۲۱. الْأَعْصَابُ - الْأَسْنَانُ - الْعِظَامُ - الْأَعْيُنُ - الرُّجَالُ:

۱۲۲. الْفَمُ - السُّجُنُ - اللِّسَانُ - الْأَسْنَانُ:

۱۲۳. حَدَّثَ - كَلَّمَ - قَالَ - مَقَالَ:

۱۲۴. الْجَذَعُ - الْفُصْنُ - الْوَرَقَةُ - سَوَى:

۱۲۵. الْخَنِيفُ - الْإِهْتِمَامُ - الْمُؤَخَّدُ - الْمُتَدَيِّنُ:

۱۲۶. الْحَرْبُ - الْبَسْمَةُ - الْجِهَادُ - الْقِتَالُ:

۱۲۷. الْأُسْبُوعُ - الشَّهْرُ - السَّنَةُ - الْعِيدُ:

۱۲۸. الرَّأْسُ - الظِّلِينُ - الرَّجُلُ - الْيَدُ:

۱۲۹. الْفُضَّةُ - الظِّلِينَةُ - الذَّهَبُ - النُّحَاسُ:

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یا زدهم)

(خرداد ۹۸)

(پُر تکرار (دی ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱)

## ب عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ:

۱۳۰. لَكِنْ - أَنْ - لَعَلَّ - كَأَنَّ:

۱۳۱. أَحَبَّ - أَعْلَى - أَرْزَقَ - كُبِرَى:

۱۳۲. لَا تُجَاهِدُ - لَا يَعْلَمُوا - لَا يَغْفِرُ - لَا يَتَهَامَسُونَ:

۱۳۳. ثَابِتٌ - شَابٌ - طَائِفَةٌ - ذَائِقَةٌ:

۱۳۴. أَشَدَّ - أَتَقَى - أَحْسَنُ - أَهْلًا:

۱۳۵. بَسَمَاتٌ - سَنَوَاتٌ - أَوْقَاتٌ - نَافِعَاتٌ:

۱۳۶. نُقَادٌ - أَحْيَاءٌ - فَرِيقٌ - أَطْعَمَةٌ:

۱۳۷. قِيلَ - يُذَكَّرُ - حُرِّقَ - أَضْلَحَ:

۱۳۸. مَعْبُودٌ - مُسَلِّمٌ - مَكْسُورٌ - مُفْتَرَسٌ:

۱۳۹. إِلَهَةٌ - الْحَادِثَةُ - السَّعَادَةُ - الْحَسَنَةُ:

۱۴۰. حُسْنِيٌّ - أَخْضَرَ - أَجْمَلَ - أُخْرِيٌّ:

۱۴۱. أَشْرَفَ - أَخْمَرَ - أَكْرَهَ - أَحَقَّ:

۱۴۲. لَعَلَّ - إِنَّمَا - لَكِنْ - لَيْتَ:

۱۴۳. النَّقُوشُ - الرُّسُومُ - الْكِتَابَاتُ - الْأَقْوَامُ:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

بیان السَّبَبِ:

الجواب:

(شهریور ۱۴۰۰)

بیان السَّبَبِ:

الجواب:



## تعريف واژه به عربی، انتخاب کلمه مناسب برای کامل کردن جمله

**مشاوره:** حداقل نیم نمره (گاهی چنین است) تا یک نمره (غالباً این گونه است) از تعریف واژه به عربی یا پر کردن جای خالی با کلمه مناسب سؤال داریم، پس عملاً یک نمره دیگر نیز در امتحان نهایی از لغت داریم، ولی معنای لغت نیست و تعریف لغت به عربی است. حواستان باشد که لزوماً این سؤالات همان تعاریف کتاب درسی نیست، بلکه در بسیاری از اوقات لغتی که در کتاب تعریف نشده ولی معنای آن آمده در امتحان می‌آید. مثلاً در کتاب کلمه «الشدی: پوچ، بیهوده» آمده، ولی به عربی تعریف نشده (ما یكون بلا فائدة: آنچه بی‌فایده است)، ولی طراح آن را با کلماتی که خوانده‌اید برایتان تعریف می‌کند؛ پس هنگ نکنید. ضمناً روی اطلاعات عمومی کتاب درسی مسلط باشید که بسیار مورد سؤال هستند. مثلاً در کتاب اشاره شده که برگ زیتون نماد صلح است و در امتحان نهایی گفته می‌شود که چه چیزی نماد صلح است؟ پس این یک نمره در رسیدن شما به ۲۰ بسیار استراتژیک و مهم است.

### ۱۲) اكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ بِكَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ مِنْ بَيْنِ الْقَوْسَيْنِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ):

(العظم - شدئ - المتهامسون - الخفيف - التهامس - اليد)

۱۴۴. الَّذِينَ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. (.....)

۱۴۵. قِسْمٌ قَوِيٌّ مِنَ الْجِسْمِ عَلَيْهِ لَحْمٌ. (.....)

۱۴۶. لَا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ ..... .

۱۴۷. ..... يَتَرَكُ الْبَاطِلَ وَيَرْغَبُ فِي الدِّينِ الْحَقِّ.

(الفأس - البسمة - المفترس - النحاس - الفريسة - إنشراح)

۱۴۸. عُنْصُرٌ فَلَزِيٌّ كَالْحَدِيدِ. (.....)

۱۴۹. ضَجَّكَ خَفِيفٌ بِلا صَوْتٍ. (.....)

۱۵۰. حَيَوَانٌ يَصِيدُ الْحَيَوَانَاتِ الْآخَرَى. (.....)

۱۵۱. آلَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سَنْ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ. (.....)

(المغصية - العظم - الصدر - الدَّم - الأراذل - المغفرة)

۱۵۲. يَخْرَى فِي اللَّحْمِ ..... .

۱۵۳. لَنْ يَنْصُرَ الْمُؤْمِنُ ..... .

۱۵۴. يَا رَبِّ، إِمْلَأْ ..... انْشِرَاحاً.

۱۵۵. لَيْتَنِي أَتَّبَعْتُ مِنْ ..... فِي الْحَيَاةِ.

(المُعِين - أعان - الكَتِف - المُجِيب - الإنقاذ - الرأس)

۱۵۶. هُوَ الَّذِي يَأْخُذُ يَدَ الْآخَرِينَ دَائِماً. (.....)

۱۵۷. عُضْوٌ مِنَ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ وَ هُوَ اثْنَانِ. (.....)

۱۵۸. سَاعَدَ وَ نَصَرَ. (.....)

۱۵۹. هُوَ الَّذِي يَتَقَبَّلُ الدُّعَاءَ وَ هُوَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى.

(القرابين - الضنم - الظن - المعين - الفريسة - الإعانة)

۱۶۰. ..... تَمَثَّلُ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

۱۶۱. ..... تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالْمَاءِ.

۱۶۲. الْحَيَوَانَاتُ الَّتِي تُقْتَلُ فِي أَحَدِ أَعْيَادِ الْمُسْلِمِينَ. (.....)

۱۶۳. مَنْ يُسَاعِدُ النَّاسَ. (.....)

(الحديد - الثَّقُوش - أنار - الخفيف - الدَّم - الظن - الإعانة - اللحم)

۱۶۴. جَعَلَ فِيهِ نُورًا. (.....)

۱۶۵. خَلَقَ الْإِنْسَانَ الْأَوَّلَ مِنْهُ. (.....)

۱۶۶. أَشْكَالٌ عَلَى جِدَارِ الْأَمَاكِينِ وَ الْأَجْسَامِ التَّارِيخِيَّةِ. (.....)

۱۶۷. عُنْصُرٌ فَلَزِيٌّ يُسْتَخْدَمُ فِي الْبِنَاءِ. (.....)

۱۶۸. تَارَكَ لِلْبَاطِلِ وَ مَتَمَائِلٌ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.

۱۶۹. مُسَاعِدَةُ الْآخَرِينَ. (.....)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(شبه‌نهایی اصفهان ۱۴۰۳)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(دی ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(۱۲ سؤال)

## صحیح و خطا بر اساس واقعیت و کتاب درسی

**مشاوره:** به طور کلی این قسمت زیرمجموعه بخش قبلی و مکمل آن است. شما در درجه اول باید بر **اطلاعات عمومی** مطرح شده در کتاب درسی مسلط شوید مثلاً در کتاب گفته شده که انسان‌ها نسبت به یکدیگر برتری ندارند و همگی از یک پدر و مادر خلق شده‌اند و سپس سراغ اطلاعات خودتان بروید.

## ۱۳ عَيْنُ الْخَطَا وَالصَّحِيحِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ أَوِ الْوَاقِعِ (X ✓):

۱۷۰. الْخِدَاعُ مِنَ الْأَعْمَالِ الْقِيَمَةِ عِنْدَ النَّاسِ. (.....)

۱۷۱. اللَّحْمُ قِسْمٌ مِنَ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْعَظْمِ. (.....)

۱۷۲. التَّفَاخُزُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. (.....)

۱۷۳. كُلُّ الْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ فِي الْحَيَاةِ مَفْسَدَةٌ لِلْمَرْءِ. (.....)

۱۷۴. لِنَسْمَعُ كَلَامَ الْحَقِّ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ لَا أَهْلَ الْبَاطِلِ. (.....)

۱۷۵. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (.....)

۱۷۶. نَسْتَفِيدُ مِنْ حَرْفِ «لَيْتَ» لِنَتَمَتَّى فِي قَوْلِنَا. (.....)

۱۷۷. الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَدِيدٍ أَوْ خَشَبٍ كَانَ بَعْضُ النَّاسِ يَعْبُدُونَهُ. (.....)

۱۷۸. الْعَصَبُ صِرَاعٌ بَيْنَ النَّاسِ. (.....)

۱۷۹. إِنَّمَا الْفَخْرُ لِحَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَأَدَبٍ. (.....)

۱۸۰. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. (.....)

۱۸۱. لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (.....)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

## ترجمه جملات (۱۲۳ سؤال)

(۶۲ سؤال)

## جملات کتاب درسی

**مشاوره:** پربارترین قسمت در امتحان نهایی، **ترجمه جمله** است که بین ۷ تا ۸ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و معمولاً ۱۱ تا ۱۲ جمله می‌دهند که آن‌ها را ترجمه کنید. همیشه **دو - سه عبارت اول، از آیات و احادیث** کتاب است و حدوداً ۱۰ جمله از سایر بخش‌های کتاب شامل متن درس، تمرین، آغلموا و... طرح می‌شود. حواستان باشد که در امتحان نهایی به ندرت جمله‌ای می‌بینید که تغییر نکرده باشد، پس **طراح سؤال غالباً عبارات کتاب را از جهات مختلف عوض می‌کند**، گاه روی فعل و زمان‌های مختلف مانور می‌دهد، گاهی روی ساختارها (مثلاً «لا» نفی جنس)، گاه یک عبارت را کمی عوض می‌کند و گاهی با لغات کتاب، یک جمله کاملاً جدید می‌سازد؛ پس در این قسمت به شدت و با تمام قوا، دقت و تمرکز کنید، چون غالب بچه‌ها در آن نمره از دست می‌دهند. ما در این قسمت برای تسلط بهتر شما عباراتی را که عیناً در کتاب آمده‌اند یا تغییر جزئی داشته‌اند، در یک بخش آورده‌ایم و در بخش بعدی جملات ترکیبی و جدید را قرار داده‌ایم تا کاملاً روی ترجمه مسلط شوید که نبض امتحان نهایی است. حواستان باشد که باید در ترجمه جملات، کلیه تکنیک‌ها و فوت و فن‌های ترجمه را به کار بگیرید؛ از زمان‌ها گرفته تا دقت به ترجمه اسم مفرد و جمع و ضمائر، از ترجمه حروف مشبیه تا «لا» نفی جنس و از ترجمه مجهول تا فعل‌ها و لغات خاص.

## ۱۴ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ:

۱۸۲. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَقْلِي وَ نَصِيْبِي فِي الْحَيَاةِ.

۱۸۳. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

۱۸۴. كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۱۸۵. يَا إِلَهِي! إِنَّمَا الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ.

۱۸۶. اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيدًا وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ.

۱۸۷. هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِصَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ.

۱۸۸. «رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا...»

۱۸۹. «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

(پُر تکرار (شهریور و دی ۱۴۰۰ انسانی)

(پُر تکرار (شهریور ۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۰)



پُرتکرار (دی ۱۴۰۲ انسانی، خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(دی ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرتکرار (خرداد ۹۸ انسانی، خرداد ۹۸)

پُرتکرار (شهریور ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۲ انسانی)

پُرتکرار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(دی ۹۸)

(خرداد ۹۹ انسانی)

پُرتکرار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(شهریور ۱۴۰۲)

پُرتکرار (شهریور و خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۹۸)

(دی ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۰)

پُرتکرار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۹)

پُرتکرار (شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۹۸)

(خرداد ۹۸)

پُرتکرار (خرداد و شهریور ۹۸، دی ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۳)

(خرداد ۹۸)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱)

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای دهم)

پُرتکرار (دی ۹۸ و ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۹۰. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَغْتَةً.

۱۹۱. «وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا»

۱۹۲. وَأَنْزِعْ عَقْلِي وَ قَلْبِي / بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ

۱۹۳. لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.

۱۹۴. خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ فِي حَيَاتِكُمْ.

۱۹۵. بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامِسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانَا».

۱۹۶. لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ، أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكِمَةِ.

۱۹۷. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»

۱۹۸. لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.

۱۹۹. يَا إِلَهِي! احْمِنِي وَ احْمِ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ.

۲۰۰. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لِأَثَرِكِ.

۲۰۱. يَتَظَاهَرُ الظَّائِرُ أَمَامَ الْخَيَوَانِ الْمُفْتَرِسِ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۰۲. كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ.

۲۰۳. «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

۲۰۴. إِنْ تَسَبَّوْا النَّاسَ تَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ.

۲۰۵. «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»

۲۰۶. لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.

۲۰۷. الْكِتَابَاتُ وَ الثَّقُوشُ تُدَلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِ الْإِنْسَانِ.

۲۰۸. «قَالُوا خَرِّقُوهُ وَ انْضُرُوا آلِهَتَكُمْ»

۲۰۹. لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.

۲۱۰. إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

۲۱۱. وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ.

۲۱۲. أَتَيْهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّ وَلَآبٍ

۲۱۳. أَرْجُو مِنَ اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ التَّوْفِيقَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ.

۲۱۴. ثُمَّ غَلَّقَ الْفَاسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

۲۱۵. «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»

۲۱۶. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۲۱۷. «اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ»

۲۱۸. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

۲۱۹. الْإِسْلَامُ يَهْتَمُّ بِعَمَلٍ لَا يَضُرُّ النَّاسَ.

۲۲۰. «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۲۲۱. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

۲۲۲. نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ طِينَةٍ فَلَا نَفْتَخِرُ بِنَسَبِنَا.

۲۲۳. لَا سُوءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذِبِ.

۲۲۴. حِينَ يَرَى خَيَوَانًا مُفْتَرِسًا يَتَظَاهَرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

۲۲۵. أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

پُر تکرار (خرداد و دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۱)

پُر تکرار (شهریور ۹۸ و خرداد ۱۴۰۱)

(خرداد ۹۹)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (دی ۹۹ و دی ۱۴۰۰ انسانی)

پُر تکرار (شهریور و دی ۹۹، خرداد و شهریور ۱۴۰۲)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۹۸ انسانی)

۲۲۶. ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾

۲۲۷. لَا شُعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

۲۲۸. إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

۲۲۹. لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۲۳۰. حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۳۱. يَرَى الظَّائِرُ الذَّكْيَ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عُشِّهِ.

۲۳۲. خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۲۳۳. يَا إِلَهِي! افْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا وَفَمِي بِالتَّبَسُّمَاتِ.

۲۳۴. ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾

۲۳۵. يَا إِلَهِي! اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَنَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ.

۲۳۶. ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

۲۳۷. عِنْدَمَا سَأَلَتِ الْمُدِيرَ عَنْ حُضُورِ الطُّلَابِ فِي الْمَدْرَسَةِ أَجَابَنِي: لَا طَالِبَ هُنَا.

۲۳۸. رَبُّنَا يَجْعَلُ أَيْامَنَا كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ وَيَحْمِي بِلَادَنَا مِنَ الشُّرُورِ.

۲۳۹. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۲۴۰. لَا تَفْتَحْزِ بِنَسَبِكَ جَهْلًا لِأَنَّ جَمِيعَنَا خُلِقْنَا مِنْ أَبِي وَأُمٍّ وَاحِدَةٍ.

۲۴۱. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيدًا.

۲۴۲. الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

۲۴۳. ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾

(۵۵ سؤال)

## جملات ترکیبی و جدید



**مشاوره:** به جز آیات و احادیث کتاب که همواره بی تغییرند، سایر جملات را می توان عوض کرد، سپس جملات جدید و ترکیبی یا برگرفته از کتاب درسی

**هستند،** یعنی عبارات کتاب را تغییر داده ایم و آن جمله شما را یاد قسمتی از کتاب درسی می اندازد و **یا کلاً جدید هستند** و با کلمات درس، جمله ای جدید ساخته ایم، یعنی چنین جمله ای را قبلاً ندیدید و فقط لغات آن برای شما آشنا است؛ در این حالت خیلی مراقب باشید که تمام نکات و تکنیک ها را رعایت کنید، پس اصلاً عجله نکنید و با حوصله جمله را بررسی و ترجمه نمایید، چون در معرض از دست دادن نمره هستید.

۲۴۴. لَا طَرِيقَةَ لَكُمْ لِلْعِبَادَةِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ التَّدِينَ فِطْرِيٌّ.

۲۴۵. لِنُقَاتِلَ تُجَارَ الْمَوْتِ لِأَنَّهُمْ يُحْمَلُونَ الْعُمَالُ مَا لَا يَنْتَفِعُونَ بِهِ.

۲۴۶. عِنْدَمَا رَأَى الظَّائِرُ جَنَاحَهُ الْمَكْسُورَ تَأَكَّدَ أَنَّهُ لَا يُنْقِذُ إِلَّا بِالطَّيْرَانِ.

۲۴۷. لَا دِينَ لِلْكَذَّابِ وَلَكِنَّهُ يَخْدَعُكَ أَنَّهُ الْمُهِتَمُّ بِهِ. +۲۰

۲۴۸. كَانَ الْحَنِيفُ يَعْبُدُ اللَّهَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ الصَّدِيقَ الْحَقِيقِيَّ هُوَ اللَّهُ. +۲۰

۲۴۹. الرُّسُومُ الْقَدِيمَةُ تَدُلُّ عَلَى الْإِهْتِمَامِ بِالذِّينِ. +۲۰

۲۵۰. لَعَلَّ الْبُنْيَانَ مَصْنُوعٌ مِنَ الْحَدِيدِ. +۲۰

۲۵۱. لَا يَرْحَمُكَ مَنْ لَا تَرْحَمُهُ. +۲۰

۲۵۲. إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ يُشَاهِدُ وَلَا يَتَكَلَّمُ. +۲۰

۲۵۳. يَجْعَلُ اللَّهُ التَّوْفِيقَ حَظَّنَا وَنَصِيبَنَا فِي الْحَيَاةِ وَيُعِينُنَا فِي آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.

۲۵۴. لَيْتَ النَّاسَ يَفْتَحِرُونَ بِحَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ.

۲۵۵. النَّاسُ لَمْ يُخْلَقُوا مِنْ ذَهَبٍ بَلْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ.

۲۵۶. أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ أَنَّهُ لَا يَتَرَكُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شبه نهایی فارس ۱۴۰۳)



٢٥٧. الآثارُ القَدِيمَةُ قد تُدُلُّ الإنسانَ على اِكْتِشافِ حَضارَتِهِ.

٢٥٨. لِنَعْقُلْ عَنِ شَعَائِرِ الدِّينِ الخُرَافِيَّةِ لِتَجَنُّبِ مِنْ شُرُورِهَا.

٢٥٩. لَيْتَ النَّاسَ كَانُوا تُقَادَ كَلَامِهِمْ.

٢٦٠. قَدْ عُرِفَتِ الحَضَارَاتُ لَنَا مِنْ خِلَالِ الآثارِ المُكْتَشَفَةِ.

٢٦١. هَذَا الحَيَوَانُ مُفْتَرَسٌ وَلَا فِرَارَ لِلْفَرِيسَةِ مِنْ خِدَاعِهِ.

٢٦٢. لَا غَايَةَ أَجْمَلَ مِنَ السَّلَامِ بَيْنَ العِبَادِ.

٢٦٣. +٢٠ لِمَ كُنْتُمْ لَا تُخْضِرُونَ القَوْمَ الكَافِرِينَ لِلْمُحَاكَمَةِ؟

٢٦٤. لَا قِيَمَةَ لِعِبَادَةِ الأصْنَامِ.

٢٦٥. إِذَا تَجَنَّبْنَا مِنَ التَّكَبُّرِ أَنْزَلَ اللَّهُ قُلُوبَنَا.

٢٦٦. +٢٠ لَا شَيْءَ أَنْفَعَ مِنَ العِلْمِ لِلْمُؤْمِنِ فَخُذُوهُ وَإِنْ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ البَاطِلِ.

٢٦٧. لَمْ يُعَلِّقْ إِبْرَاهِيمُ (ع) فَاسَهُ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الصَّنَمِ.

٢٦٨. لَا ثَرَوَةً كُنُوزُ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ.

٢٦٩. +٢٠ تَعَلَّمْنَا أَنَّ تَعَدُّدَ الآلِهَةِ فِي الْأَدْيَانِ قَدْ إِزْدَادَ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

٢٧٠. كَانَتْ جَمِيعُ الأصْنَامِ تُكْسَرُ بِفَأْسِ إِبْرَاهِيمَ (ع).

٢٧١. +٢٠ الطَّائِرُ يَخْمِي فِرَاحَهُ أَمَامَ خِدَاعِ حَيَوَانٍ يَكُونُ قُرْبَهَا.

٢٧٢. لَا نَفْعَ لِمُجَالَسَةِ الجُّهَالِ.

٢٧٣. +٢٠ لَمَّا جَاءَ الْأَطْفَالُ بِالْأَخْشَابِ قَذَفُوهَا فِي النَّارِ.

٢٧٤. دَلِيلُ السَّفَرَةِ مَا جَاءَ إِلَى قَاعَةِ المَطَارِ وَكَانَ الشُّيَاحُ يَنْتَظِرُونَهُ.

٢٧٥. لَا عَمَلَ أَحْسَنُ مِنَ الصَّدَاقَةِ.

٢٧٦. +٢٠ الكَافِرُونَ كَانُوا يَظُنُّونَ أَنَّ يُحَرِّقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) فِي النَّارِ.

٢٧٧. +٢٠ كَانَ اللَّهُ قَدْ أَرْسَلَ أَنْبِيَاءَهُ إِلَى الْإِنْسَانِ لِيُبَيِّنُوا صِرَاطَ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ.

٢٧٨. لَا غَايَةَ لِمَنْ يَعِيشُ سُدًى.

٢٧٩. عَلَيْنَا أَلَّا نُحْمَلَ مَشَاكِلَنَا عَلَى الْآخَرِينَ.

٢٨٠. إِنْ نُحَدِّثِ النَّاسَ عَنْ أَخْلَاقِ الْكِبَارِ الْحَسَنَةِ سَيَتَعَلَّمُونَ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ مِنْ سُلُوكِهِمْ.

٢٨١. لَا إِِنْشِرَاحَ لِلْمَحْزُونِ فِي قَلْبِهِ.

٢٨٢. يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، أُنِيرْ عَيْنِي بِنُورِ العِلْمِ.

٢٨٣. كَانَ النَّاسُ يُقَدِّمُونَ كُلَّ قُرْبَانٍ بِسَبَبِ خُرَافَاتِهِمُ الدِّينِيَّةِ.

٢٨٤. +٢٠ قَدْ يَخْسَبُ العِبَادُ أَنَّ اللَّهَ يَنْتَرِكُهُمْ.

٢٨٥. مَنْ يَسُبِّ الكُفَّارَ وَيَحْزِنُهُمْ فَسَيَسْبُوا رَبَّهُ.

٢٨٦. لَا خَيْرَ فِي السَّكُوتِ أَمَامَ الظُّلَمِ.

٢٨٧. لَيْتَ اللَّهَ يَمْلَأُ صَدْرِي إِِنْشِرَاحًا وَسَلَامًا.

٢٨٨. +٢٠ قَدْ حَاوَلَتِ الْفَرِيسَةُ لِتُنْقِذَ حَيَاةَ فِرَاحِهَا.

٢٨٩. مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ طِينَهُ أَساسُ خَلْقَتِهِ؟

٢٩٠. لِمَ تَسْأَلُونَنِي عَنْ شَرِّ سَبِيلٍ لِكَسْبِ رِضَا إِلَهَتِي.

٢٩١. +٢٠ قَدْ تَحْمَلْنِي أُمِّي مَسْئُولِيَّةَ لَا طَاقَةَ لِي بِهَا.

٢٩٢. +٢٠ سَوْفَ نَحْمِي مَنْ يُرِيدُونَ أَنْ يُنِيرُوا الْأَرْضَ بِالْعِلْمِ.

۲۹۳. لِيَعْلَمَ النَّاسُ قَدَرَ عَافِيَتِهِمْ، لَا شَيْءَ خَيْرٌ مِنَ الْعَافِيَةِ.  
 ۲۹۴. قَلْبِي الْمَكْسُورُ قَدْ تَأَكَّدَ أَنَّ الْحَيَاةَ خَالِيَةٌ مِنَ السَّلَامِ.  
 ۲۹۵. النَّاسُ لَا يَسْتَبِقُوا الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْمَفْسَدَةَ سَوْفَ تُضِيْعُهُمْ. ۹۰  
 ۲۹۶. أَسْأَلُ الْبَرَامِجَ لِلْأَطْفَالِ مَا لَا يُعِيْثُهُمْ فِي أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ.  
 ۲۹۷. لَا تَنْظُنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ مُكَسَّرُ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ.  
 ۲۹۸. إِنَّمَا إِبْرَاهِيمُ (ع) كَانَ قَدْ قَصَدَ هَدَايَةَ قَوْمِهِ.

(۳۱ سؤال)

## انتخاب ترجمه درست



**مشاوره:** معمولاً نیم نمره (۵/۰)، یعنی دو سؤال از این مدل داریم و نکته جالب توجه و حساس آن است که این سؤالات معمولاً فنی هستند و با یک نکته ترجمه‌ای و فوت و فن قابل حل‌اند؛ بنابراین بر اساس قضاوت ذهنی خود و اطلاعات قبلی حرکت نکنید و ببینید با چه جمله‌ای طرف هستید؟ عوض شده یا نه؟ تکنیکش چیست؟ پس باز هم توصیه می‌کنیم که حوصله به خرج دهید و **حتماً دو گزینه را بخوانید** و در انتخاب عجله نکنید، چرا که این مدل به‌طور کلی فنی و حساس است و از انواع نکات (زمان‌ها، ساختارها و ...) و ریزه‌کاری‌ها در آن استفاده می‌شود.

## ۱۵. اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

۲۹۹. «لَا تَسْتَبِقُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ»:

- ☐ الف) به مردم دشنام ندهید، زیرا دشمنی را میان آن‌ها به دست می‌آورید.  
☐ ب) به مردم دشنام نمی‌دهید، زیرا دشمنی را میانشان به دست می‌آورید.

۳۰۰. «مَا قُلْتُ كَلِمَةً؛ لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ»:

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

- ☐ الف) کلمه‌ای نگفتم زیرا چیزی درباره موضوع نمی‌دانستم.  
☐ ب) کلمه‌ای نمی‌گویم برای اینکه چیزی درباره موضوع نمی‌دانم.

۳۰۱. «الْفَلَاحُونَ لَنْ يَجْمَعُوا مَحَاصِلَهُمْ»:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

- ☐ الف) جمع نکردند  
☐ ب) جمع نخواهند کرد  
☐ ج) جمع نمی‌کنند

۳۰۲. «أَخَوَاتِي لَمْ يَأْكُلْنَ الطَّعَامَ فِي الْمَطْعَمِ»:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

- ☐ الف) نخوردند  
☐ ب) نمی‌خورند  
☐ ج) نخواهند خورد

۳۰۳. «وَأَفَقَّ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ الْامْتِحَانُ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- ☐ الف) که به تأخیر اندازد.  
☐ ب) باید به تأخیر بیندازد  
☐ ج) به تأخیر خواهد انداخت

۳۰۴. «لَنْ تُوَاجِهَ الْمَشَاكِلَ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- ☐ الف) روبه‌رو نمی‌شوی  
☐ ب) روبه‌رو نخواهی شد  
☐ ج) تا روبه‌رو نشوی

۳۰۵. «لِنَسْتَمِعَ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- ☐ الف) باید گوش دهیم  
☐ ب) تا گوش بدهیم  
☐ ج) گوش خواهیم داد

۳۰۶. «أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ»:

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

- ☐ الف) نمی‌دانستند  
☐ ب) نمی‌دانند  
☐ ج) ندانسته‌اند

۳۰۷. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»:

پُر تکرار (خرداد ۹۸ و دی ۹۹ انسانی)

- ☐ الف) گفتند هیچ دانشی نداریم بی‌گمان تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.  
☐ ب) بگویند هیچ دانشی برای ما نیست بی‌گمان تو دانا به نهان‌ها هستی.

۳۰۸. «... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...»:

(شهریور ۱۴۰۲)

- ☐ الف) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم.  
☐ ب) هیچ دانشی جز آنچه آموخته بودیم، نداشتیم.

۳۰۹. «فَيَتَّبِعُ الْخِيَوَانُ الْمُفْتَرِشَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَيَتَّبِعُ عَنِ الْعُشِّ كَثِيرًا»:

- ☐ الف) و حیوان درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار دور می‌شود.  
☐ ب) پس حیوان درنده شکار را تعقیب کرده و از لانه‌اش بسیار دور می‌شود.



۳۱۰. لَمْ يَحْضُرِ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّفِّ الْيَوْمَ كَأَنَّهُ مَرِيضٌ:

- ☐ الف) معلم در کلاس، امروز حضور نیافت، چون که بیمار شده است.  
☐ ب) آموزگار، امروز در کلاس حاضر نشد، گویی او بیمار است.

(خرداد ۹۹ انسانی)

۳۱۱. إِزْدَادَ عَدَدُ الْبُومَاتِ فِي الْمَرْزَعَةِ:

- ☐ الف) تعداد جغدها در مزرعه زیاد شدند.  
☐ ب) تعداد جغدها را در مزرعه زیاد کرد.

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۱۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْبُدُوا رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ...:

- ☐ الف) ای مردم! پروردگارتان را بپرستید که شما را آفرید.  
☐ ب) مردم، پروردگار خودتان که شما را می آفریند، عبادت کنید.

پُر تکرار (دی ۹۸، شهریور ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲)

۳۱۳. لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:

- ☐ الف) گفتارشان نباید تو را غمگین کند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.  
☐ ب) گفتارشان تو را غمگین نمی کند، زیرا ارجمندی برای خداست.

(خرداد ۹۸ انسانی)

۳۱۴. يَمْلَأُ اللَّهُ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا فِي كُلِّ الْجِهَاتِ:

- ☐ الف) خدایا دنیا را از آشتی گسترده و همه جانبه پر کن.  
☐ ب) خداوند دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت ها پر می کند.

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

۳۱۵. لَمْ يَقْبَلْ هَذَا الْوَالِدُ بَنَتَهُ:

- ☐ الف) این پدر، دختر خود را نمی بوسد.  
☐ ب) این پدر، دخترش را نبوسید.

۳۱۶. لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَضْنَانَهُمْ مُكَسَّرَةً فَجَاءَ:

- ☐ الف) هنگامی که مردم برگشتند ناگهان بت هایشان را شکسته دیدند.  
☐ ب) وقتی که مردم برگشتند ناگهان بت های شکسته شان را دیدند.

(دی ۹۸ انسانی)

۳۱۷. اللَّهُ غَفَّارُ الذُّنُوبِ وَ عَلَامُ الْغُيُوبِ:

- ☐ الف) خداوند بسیار آمرزنده گناهان و بسیار دانای نهان هاست.  
☐ ب) خداوند آمرزنده گناه و داناترین به علم غیب است.

۳۱۸. قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ:

- ☐ الف) [ما] از قرآن کریم درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه هایشان با قوم های کافرشان صحبت کرده ایم.  
☐ ب) قرآن کریم با ما درباره سرگذشت پیامبران و مبارزه شان با اقوام کافر خود صحبت کرده است.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۱۹. لَا تَجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَ الْكَذِبُ:

- ☐ الف) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی شود: بخل و دروغ.  
☐ ب) دو ویژگی در مؤمن نباید جمع شود: بخل و دروغ گفتن.

(خرداد ۹۸)

۳۲۰. لَا فِرَازَ مِنْهُ: لِأَنَّهُ قَسَمَ مِنْ حَيَاتِهَا:

- ☐ الف) هیچ گریزی از آن نیست، زیرا بخشی از زندگی اش است.  
☐ ب) او راه فراری ندارد، زیرا آن قسمتی از زندگی است.

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۳۲۱. لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا:

- ☐ الف) گفتارشان تو را اندوهگین نکند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.  
☐ ب) گفتار آن ها تو را ناراحت نمی کند، همه ارجمندی ها از آن خداست.

(شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)

۳۲۲. الظَّلَّابُ كَانُوا يَكْتُبُونَ دُرُوسَهُمْ بِدَقَّةٍ:

- ☐ الف) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت نوشته بودند.  
☐ ب) دانش آموزان تمرین هایشان را با دقت می نوشتند.

(خرداد ۹۹)

۳۲۳. إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ:

- ☐ الف) این خرافات در دین مردم در زمان های مختلف زیاد می شود.  
☐ ب) این خرافات در دین های مردم در گذر زمان افزایش یافت.

(دی ۹۹)

۳۲۴. عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّالِمُ مِنَ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ انْقَادِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ:

- ☐ الف) هنگامی که پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.  
☐ ب) هنگامی که پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، پرواز می کند.

(خرداد ۱۴۰۰)

۳۲۵. «أَجَابَ لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ»:

☐ الف) جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ بپرسید.

(خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۳۲۶. «إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

☐ الف) راضی ساختن مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.☐ ب) راضی شدن مردم هدفی است که به دست نمی‌آوری.

(پرتکرار (دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۲)

۳۲۷. «يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ إِلَى الْحَجِّ مَرَّةً أُخْرَى»:

☐ الف) ای کاش یک بار دیگر به حج بروم.

(خرداد ۱۴۰۱)

۳۲۸. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ»:

☐ الف) بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۲۹. «لَمْ يُضْعِفِ انفِجَارُ الْمُخْتَبِرِ عِزَّمَ صَاحِبِهِ»:

☐ الف) انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نمی‌کند.

(۲۵ سؤال)

پر کردن جای خالی در ترجمه

**مشاوره:** به‌طور ثابت یک نمره دارد، یعنی چهار جای خالی را در ترجمه جمله باید پر کنید که هر کدام ۰/۲۵ است. معمولاً این عبارات از خود جملات کتاب درسی هستند و تغییری در آن‌ها صورت نمی‌گیرد، اما خُب بدیهی است که از جملات پر نکته‌ترو فنی‌تر سؤال طرح می‌شود. مثلاً ممکن است جای خالی براساس یک نکته قواعدی مؤثر در ترجمه تکمیل شود. مثل مضارع التزامی ترجمه شدن فعل‌های مضارع بعد از «لیت» و «لقل».

۱۶) اُكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ بِالترجمة المناسبة:

(شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

۳۳۰. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»:

به‌راستی ما قرآن را به زبان عربی ..... شاید که شما .....

(خرداد ۱۴۰۱)

۳۳۱. «قَالُوا خَرَّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»:

گفتند: او را ..... و خدایان‌تان را .....

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۳۳۲. «لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ»:

خدایوند ..... به ..... به مردم رحم نمی‌کند.

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۳. «يَخْمِي جُنُودُنَا الْبِلَادَ مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ»:

سربازان ما، سرزمین‌ها را از ..... ناگوار .....

۳۳۴. «لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ»:

هیچ گنجی ..... از قناعت .....

۳۳۵. «بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ ..... هل يسوى لحم و عظم و عصب؟»:

بلکه آنان را می‌بینی از گلی ..... آیا به جز گوشت و ..... و پی‌اند؟

۳۳۶. «لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ»:

..... ، زیرا خشم مایه تباهی است.

(دی ۹۹ انسانی)

۳۳۷. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»:

و این روز ..... است ولی شما .....

(شهریور ۹۸)

۳۳۸. «وَلَا يَحِزُّنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»:

گفتارشان نباید تو را ..... ، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.



پُر تکرار (دی ۹۸ و شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۳۳۹. ﴿زَبْنًا وَلَا تَحْمِلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾:

پروردگارا، آنچه توانش را هیچ ..... بر ما .....

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۳۴۰. «قَدْ يَتَّبِعُ الظَّائِرُ مِنْ غُشٍّ لِيَنْقِذَ حَيَاةَ فِرَاحِهِ ثُمَّ يَطِيرُ بَغْتَةً»:

گاهی پرنده از لانه اش دور می شود تا زندگی جوجه هایش را ..... سپس ..... پرواز می کند.

(شهریور ۱۴۰۲)

۳۴۱. «لَا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»:

از آنچه ..... به نیازمندان .....

۳۴۲. «الْخَضَارَاتُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَتَذُلُّ عَلَى أَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ»:

تمدن ها به ..... انسان به دین تأکید می کنند و بر اینکه آن [دین] در وجود او ذاتی است .....

(خرداد ۱۴۰۱ انسانی)

۳۴۳. «عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَغْتَةً طَيْرَانًا سَرِيعًا»:

وقتی پرنده از نیرنگ زدن به دشمن ..... ناگهان ..... پرواز می کند.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۴. «يَتَّبِعُ الْخَيَوَانُ الْمُفْتَرِشَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ وَيَتَّبِعُ عَنِ الْغُشِّ ائْتِعَادًا كَثِيرًا»:

جانور ..... این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار .....

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۳۴۵. «قَدْ مَلَأَ اللَّهُ صَدْرَنَا أَنْشِرَاحًا»:

خداوند ..... ما را از شادمانی .....

پُر تکرار (خرداد ۹۸ انسانی، شهریور ۱۴۰۲ و شبه نهایی کشوری ۱۴۰۳ دهم)

۳۴۶. ﴿يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾:

و کافر می گوید ..... من ..... بودم.

(خرداد ۹۸)

۳۴۷. «كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ»:

..... خشنود ساختن همه مردم هدفی است که .....

(خرداد ۹۸)

۳۴۸. «وَأَمَّا الدُّنْيَا سَلَامًا / شَامِلًا كُلِّ الْجِهَاتِ»:

دنیا را از ..... فراگیر در همه جهت ها .....

۳۴۹. «لِذَلِكَ أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ أَنْبِيَاءَ فَلْيُتَبَيَّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْحَقَّ لَكُمْ»:

به همین خاطر ..... را به سويتان فرستادیم پس ..... راه راست و دین حق را برایتان .....

پُر تکرار (خرداد ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)

۳۵۰. «وَأَمَّا الصَّدْرُ أَنْشِرَاحًا / وَقَمِي بِالْبَسْمَاتِ»:

و سینه را از ..... و دهانم را با ..... پر کن.

(خرداد ۹۹)

۳۵۱. «تَمَنَّى الْمَزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا»:

کشاورز ..... ، ..... باران زیاد ببارد.

۳۵۲. «إِنَّمَا النَّجَاحُ بِالسَّعْيِ وَلَكِنْ لَيْسَتْ لَكَ مُحَاوَلَةٌ»:

موفقیت ..... با تلاش است ولی تو تلاشی .....

پُر تکرار (دی ۱۴۰۱ و شهریور ۹۹)

۳۵۳. «خَضَرَ الشَّيَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ»:

گردشگران در سالن ..... حاضر شدند، ولی ..... حاضر نشد.

(شهریور ۹۹)

۳۵۴. «وَأَعْنَى فِي دُرُوسِي وَأَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ»:

و ..... را در درس هایم و انجام تکالیف .....

## ترجمة انواع فعل و اسم (۱۲۵ سؤال)

(۴۸ سؤال)

## نوشتن ترجمه درست



**مشاوره:** یکی از چالش‌های ترین قسمت‌های امتحان، همواره ترجمه انواع فعل است که دو نمره را به خود اختصاص می‌دهد، پس شما باید ۸ فعل را ترجمه کنید؛ در این باره به زمان‌های مختلف مثلاً انواع ماضی‌ها (ساده، نقلی، بعید، استمراری) انواع مضارع، آینده، مثبت، منفی بودن فعل و... بسیار دقت کنید و همچنین از صیغه فعل‌ها غافل نشوید، چراکه هر مورد ۰/۲۵ دارد، پس اگر زمان را درست بنویسید و صیغه را غلط، هیچ نمره‌ای نمی‌گیرد. توصیه می‌کنیم که حتماً کل جمله را بخوانید و صرفاً روی فعل تمرکز نکنید، زیرا با استفاده از جمله می‌توان به صیغه فعل یا نوع آن پی برد پس حتماً فعل را براساس جمله ترجمه کنید. مثلاً در جمله «اجتمع الزملاء» فعل مافرد است ولی به خاطر فاعلش که جمع است، به شکل جمع ترجمه می‌شود (هم کلاسی‌ها جمع شدند)، ضمناً در تمارین این قسمت از ترجمه انواع اسم هم سؤال داریم، در مواجهه با آن‌ها کافی است نوع اسم را شناسایی کنید که اسم فاعل است یا مفعول و... و براساس نکاتی که قبلاً بررسی کرده‌ایم، اسم مورد نظر را ترجمه کنید. البته در امتحان نهایی ترجمه انواع اسم در یک بخش دیگر می‌آید، ولی ما در اینجا جهت تمرین بیشتر و تثبیت مطالب، از آن‌ها سؤال داده‌ایم.

## ۱۷. ترجم الأفعال و الأسماء:

۳۵۵. سأل (سؤال کرد)

الف) أنتم لم تسألوني؟

۳۵۶. اجتهد (تلاش کرد)

الف) الطلاب قد يجتهدون في الصف؛

۳۵۷. أكرم (گرامی داشت)

الف) أكرموا الشهداء؛

۳۵۸. خرج (خارج شد)

الف) لم يخرج من البيت؛

ج) هو قد خرج من المدرسة؛

۳۵۹. لعب (بازی کرد)

الف) لا تلعب تلميذة ذكية في الصف؛

۳۶۰. تظاهر (و انمود کرد)

الف) لا يتظاهر الصادق بالكذب؛

ج) ما تظاهرت بالضعف عند المشاكل؛

۳۶۱. كتب (نوشت)

الف) أيها الطلاب، اكتبوا واجباتكم؛

۳۶۲. شاهد (مشاهده کرد)

الف) لن يشاهد؛

ج) شاهد المناظر الجميلة؛

۳۶۳. تقرب (نزدیک شد)

الف) لن يتقرب؛

۳۶۴. غفر (آمرزید)

الف) المغفور؛

ج) لا يغفر المخطئ؛

۳۶۵. حمد (ستود)

الف) الحامد؛

ب) المحمود؛

ب) الغفار؛

د) قد غفر الله عبده؛

ب) سئل المدير: أفي المدرسة طالب؟

ب) هي لم تجتهد في دروسها؛

ب) لئكرم والدنيا؛

ب) لا تخرجوا من الصف؛

د) المخرج من المصنع؛

ب) كانوا قد لعبوا في الحديقة؛

ب) لا تتظاهروا بالمرض عند الامتحان؛

ب) سنكتب رسالة لصديقنا؛

ب) أشاهد؛

د) المشاهدة؛

ب) لا تتقربوا؛

ج) كان يتقرب؛

ج) قد يلعب الطفل في العرة؛

ج) الولدان لن يكتبوا شيئاً؛

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۲)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۱ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

(شهریور ۹۸)

(دی ۹۹)

(پرتکرار (دی ۹۹ و ۱۴۰۰))



**مشاوره:** این قسمت به نوعی زیرمجموعه ترجمه انواع فعل و اسم است، ولی صرفاً بر پایه زمان فعل نیست، بلکه نکات مختلفی مثل افعال شبیه به هم، صیغه فعل‌ها و... در آن‌ها مورد توجه است که به‌طور کلی این بخش را جذاب و چالشی می‌کند، پس با حوصله و دقت نظر به آن‌ها پاسخ دهید.

۱۸. انتخاب الترجمة المناسبة للأفعال وللأسماء التالية :

- |                                 |                                                       |                                                |
|---------------------------------|-------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| ۴۰۳. عَفَرْنَا:                 | <input type="checkbox"/> الف) بخشیدیم                 | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردیم     |
| ۴۰۴. إِغْفِرِي:                 | <input type="checkbox"/> الف) ببخش                    | <input type="checkbox"/> ب) مرا ببخش           |
| ۴۰۵. الْغَافِر:                 | <input type="checkbox"/> الف) آمرزش خواهنده           | <input type="checkbox"/> ب) بخشنده             |
| ۴۰۶. قَدْ تَغْفِرُ:             | <input type="checkbox"/> الف) بخشیده است              | <input type="checkbox"/> ب) شاید ببخشد         |
| ۴۰۷. لَعَلَّهُمْ يَغْفِرُونَ:   | <input type="checkbox"/> الف) شاید بخشیده باشند       | <input type="checkbox"/> ب) امید است که ببخشند |
| ۴۰۸. لَمَّا اسْتَغْفَرْتُ:      | <input type="checkbox"/> الف) هنگامی که طلب بخشش کردم | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش نکرده‌ام |
| ۴۰۹. كُنْتُ تَسْتَغْفِرُ:       | <input type="checkbox"/> الف) طلب آمرزش کرده بودی     | <input type="checkbox"/> ب) طلب آمرزش می‌کردی  |
| ۴۱۰. اسْتَغْفَرَنِي:            | <input type="checkbox"/> الف) طلب بخشش کنیدی          | <input type="checkbox"/> ب) طلب بخشش کردند     |
| ۴۱۱. الْجَالِس:                 | <input type="checkbox"/> الف) نشسته                   | <input type="checkbox"/> ب) هم‌نشین            |
| ۴۱۲. لَمْ تَجْلِسِي:            | <input type="checkbox"/> الف) برای چه می‌نشینید       | <input type="checkbox"/> ب) ننشستید            |
| ۴۱۳. لَمَّا جَلَسْتُ:           | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته‌ای               | <input type="checkbox"/> ب) وقتی نشستی         |
| ۴۱۴. لَمْ يُجَالِسْ:            | <input type="checkbox"/> الف) هم‌نشینی نکردند         | <input type="checkbox"/> ب) برای چه می‌نشینند  |
| ۴۱۵. جُلُوس:                    | <input type="checkbox"/> الف) هم‌نشینی کردن           | <input type="checkbox"/> ب) نشستن              |
| ۴۱۶. الْإِجْلَاس:               | <input type="checkbox"/> الف) نشان دادن               | <input type="checkbox"/> ب) نشستن              |
| ۴۱۷. كُنَّا نَجْلِسُ:           | <input type="checkbox"/> الف) می‌نشستیم               | <input type="checkbox"/> ب) می‌نشینیم          |
| ۴۱۸. لَمْ تَكُنْ قَدْ جَلَسْتَ: | <input type="checkbox"/> الف) ننشسته بود              | <input type="checkbox"/> ب) نشسته است          |
| ۴۱۹. الْمُجْلَس:                | <input type="checkbox"/> الف) نشانده شده              | <input type="checkbox"/> ب) نشسته              |
| ۴۲۰. أَجْلَسُوا:                | <input type="checkbox"/> الف) نشان‌دادند              | <input type="checkbox"/> ب) بنشانید            |
| ۴۲۱. الْمُسْتَرْجِع:            | <input type="checkbox"/> الف) پس‌گیرنده               | <input type="checkbox"/> ب) پس‌گرفته شده       |
| ۴۲۲. لَمْ يَرْجِعْ:             | <input type="checkbox"/> الف) چرا برمی‌گردد           | <input type="checkbox"/> ب) برگشت              |
| ۴۲۳. كَانُوا يَرْجِعُونَ:       | <input type="checkbox"/> الف) برمی‌گشتند              | <input type="checkbox"/> ب) برگشته بودند       |
| ۴۲۴. لَقَدْ رَجَعْنَا:          | <input type="checkbox"/> الف) قطعاً برگشته‌ایم        | <input type="checkbox"/> ب) برگشتیم            |
| ۴۲۵. قَدْ تَسْتَرْجِعِينَ:      | <input type="checkbox"/> الف) شاید پس‌گیری            | <input type="checkbox"/> ب) گاهی پس‌می‌گیرید   |
| ۴۲۶. لَمْ يَسْتَرْجِعْ:         | <input type="checkbox"/> الف) پس نگرفتند              | <input type="checkbox"/> ب) چرا پس‌می‌گیرند    |
| ۴۲۷. لَيْتَهُ اسْتَرْجَعَ:      | <input type="checkbox"/> الف) کاش پس‌می‌گرفت          | <input type="checkbox"/> ب) کاش پس‌بگیرد       |
| ۴۲۸. شَاهَدْنَا:                | <input type="checkbox"/> الف) ما را دید               | <input type="checkbox"/> ب) دیدیم              |
| ۴۲۹. لَتَكْتُبْ:                | <input type="checkbox"/> الف) برای اینکه بنویسی       | <input type="checkbox"/> ب) باید بنویسی        |
| ۴۳۰. كُنْ كَتَبْتَ:             | <input type="checkbox"/> الف) نوشته بودند             | <input type="checkbox"/> ب) نوشتند             |
| ۴۳۱. سَوْفَ تُكَاتِبِينَ:       | <input type="checkbox"/> الف) نامه‌نگاری خواهید کرد   | <input type="checkbox"/> ب) خواهند نوشت        |
| ۴۳۲. لَتَكْتُبْ:                | <input type="checkbox"/> الف) باید بنویسیم            | <input type="checkbox"/> ب) تا بنویسیم         |
| ۴۳۳. يُعَلِّمُ:                 | <input type="checkbox"/> الف) می‌داند                 | <input type="checkbox"/> ب) دانسته می‌شود      |
| ۴۳۴. الْمُتَعَلِّمُ:            | <input type="checkbox"/> الف) یادگیرنده               | <input type="checkbox"/> ب) آموزش‌دهنده        |

۴۳۵. الْمُعَلِّمُونَ: ☐ الف) یادگرفته‌ها ☐ ب) یاددهندگان
۴۳۶. أَعْلَمُ: ☐ الف) می‌دانم ☐ ب) آموزش می‌دهم
۴۳۷. قَدْ نَعَلَمُ: ☐ الف) شاید بدانیم ☐ ب) شاید دانسته باشیم
۴۳۸. كَانَ الْأَسَاتِيدُ قَدْ عَلِمُوا: ☐ الف) اساتید دانسته‌اند ☐ ب) اساتید دانسته بودند
۴۳۹. تَعَلَّمِي: ☐ الف) یاد بده ☐ ب) یاد بگیر
۴۴۰. الذَّاكِرُ: ☐ الف) به یادآورنده ☐ ب) یادکننده
۴۴۱. تَذَكَّرُ: ☐ الف) به یاد می‌آوری ☐ ب) به یاد آوردن
۴۴۲. لَنْ تَتَذَكَّرُوا: ☐ الف) هرگز به یاد نمی‌آورید ☐ ب) به یاد نخواهید آورد
۴۴۳. قَدْ تَذَكَّرْنَا: ☐ الف) گاهی به یاد می‌آوریم ☐ ب) به یاد آورده‌ایم
۴۴۴. كَانَتْ قَدْ ذَكَرَتْ: ☐ الف) یاد کرده بود ☐ ب) یاد می‌کرد
۴۴۵. أَتَا تَذَكَّرُوا: ☐ الف) تا یاد نکنید ☐ ب) هان! یاد کنید
۴۴۶. لِأَذَكَّرُ: ☐ الف) باید یاد کنم ☐ ب) تا یاد کنم

(۳۳ سؤال)

## درک مطلب

**مشاوره:** معمولاً ۴ سؤال یعنی یک نمره از درک مطلب سؤال داریم که تکیه اصلی آن‌ها بر **کلمات پرسشی** است. مثلاً باید بدانید در جواب به «لماذا» از «لِ» یا «لأنَّ» استفاده می‌کنیم و یا در پاسخ به «أین» قید مکان می‌آوریم و ... پس حتماً دقت کنید که به سؤالات، دقیق پاسخ دهید و مثلاً نباید یک خط را در جواب بنویسید، بلکه فقط همان بخشی را که از شما می‌خواهند، بنویسید. ضمناً **متن‌های درک مطلب در گذشته عین متن کتاب بود**، ولی رفته‌رفته **متون امتحان نهایی تغییر کردند** و اخیراً (۱۴۰۲ و ۱۴۰۳) **متن‌ها کاملاً خارج از کتاب هستند** و فقط با **لغات کتاب ساخته شده‌اند**، یعنی آن متن برای شما آشنا نیست و داستانش را نشنیده‌اید، پس باید دقیق و با حوصله آن را بخوانید.

## ۱۹) اِقْرَأِ النَّصَّوَصَ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

«يُبْعِضُ الْأَوْلَادُ أَخًا أَوْ أُخْتًا مِنَ الرِّضَاعَةِ (شیرخوارگی) لَيْسُوا مِنْ أُمٍّ وَاحِدَةٍ. هَؤُلَاءِ الْإِخْوَانُ وَالْأَخَوَاتُ يَلْعَبُونَ مَعًا فِي صِغَرِ بَسْنِهِمْ، وَهُمْ كَالْأَصْدِقَاءِ. وَعِنْدَمَا يُوَاجِهُونَ مُشْكِلَةً يَتَعَاوَنُونَ عَلَى حَلِّهَا. هَذِهِ الْمُسَاعَدَةُ تُسَبِّبُ التَّعْزِيزَ الْعِلَاقَاتِ (تحکیم روابط) بَيْنَهُمْ.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۴۴۷. ماذا يَفْعَلُ الْوَلَدُ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ مُشْكِلَةٍ؟

۴۴۸. مَتَى يَلْعَبُ الْوَلَدُ مَعًا؟

۴۴۹. ما هي نَتِيجَةُ مُسَاعَدَةِ الْوَلَدِ؟

۴۵۰. عَيِّنِ الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

☐ ب) الْوَلَدُ مِنَ الرِّضَاعَةِ لَيْسُوا مِنْ أُمٍّ وَاحِدَةٍ.☐ الف) لِعَبِّ الْوَلَدِ لَيْسَ لَهُ دَوْرٌ فِي الصَّدَاقَةِ بَيْنَهُمْ.

«الدَّلْفِينُ مِنْ عَجَائِبِ خَلْقِ اللَّهِ فِي الْبَحْرِ. وَزَنُّهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا. لَهُ دَوْرٌ مُهِمٌّ فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ فِي الْحَرْبِ وَالسَّلَامِ. وَهُوَ مُنْقِذُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْخَطَرِ فِي الْبَحْرِ أحيانًا. كَذَلِكَ يَتَكَلَّمُ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ. سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوُّهُ. هُوَ يَقْتُلُ سَمَكَ الْقِرْشِ بِأَنْفِهِ الْحَادَّةِ.» (خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

۴۵۱. كَيْفَ يَتَكَلَّمُ الدَّلْفِينُ؟

۴۵۲. مَنْ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ فِي الْبَحْرِ؟

۴۵۳. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

الف) يَقْتُلُ الدَّلْفِينُ بِالْأَنْفِ الْحَادَّةِ.

ب) وَزَنُ الْإِنْسَانِ أَقَلُّ مِنْ وَزَنِ الدَّلْفِينِ.

«عند الخطر تلجأ بعض الطيور إلى حيل لطرد مفترسها عن عُشِّها، ومن هذه الحيل أن أخذ الطيور يتظاهرون أمام مفترسه بأن جناحه مكسور ويتبعد المفترس عن عُشِّه».

(خرداد ۹۸ انسانی)

۴۷۲. مَنْ تَلَجَّأَ إِلَى الْحِيلِ؟

۴۷۳. مَتَى تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى الْحِيلِ؟

۴۷۴. لِمَاذَا تَلَجَّأَ بَعْضُ الطُّيُورِ إِلَى الْحِيلِ؟

۴۷۵. أَيْنَ يَتَظَاهَرُ الطَّائِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ؟

«كَانَ وَالِدُ الْفَرْدِ قَدْ أَقَامَ مَصْنَعًا لِلْسَّائِلِ السَّرِيعِ الْإِنْفِجَارِ، لِذَلِكَ نَوِيْلُ إِهْتَمٍّ مُنْذُ صَغَرِهِ بِمَادَّةِ الدِّينَامِيْتِ الَّتِي لَا تَنْفَجِرُ إِلَّا بِإِرَادَةِ الْإِنْسَانِ وَ عَمِلَ عَلَى تَطْوِيرِهَا (بِهَيْئَةِ سَازِي) مُجَدِّدًا، لِيَمْنَعَ انفجارها. بَنَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا لِيُجَرِّى فِيهِ تَجَارِبَهُ، وَلَكِنْ مَعَ الْأَسَفِ انْفَجَرَ الْمُخْتَبَرُ وَ انْهَدَمَ عَلَى رَأْسِ أَخِيهِ الْأَصْغَرِ وَ قَتَلَهُ».

(شهریور ۹۸ انسانی)

۴۷۶. كَيْفَ عَمِلَ الْفَرْدُ عَلَى تَطْوِيرِ مَادَّةِ الدِّينَامِيْتِ؟

۴۷۷. لِمَاذَا بَنَى الْفَرْدُ الْمُخْتَبَرَ الصَّغِيرَ؟

۴۷۸. عَلَى رَأْسِ مَنْ انْهَدَمَ الْمُخْتَبَرُ؟

۴۷۹. مَنْ كَانَ قَدْ أَقَامَ الْمَصْنَعَ؟

## قواعد دوازدهم (۸۴ سؤال)

(۵۳ سؤال)

### شناخت و کاربرد حروف مشبَّهة بالفعل

**مشاوره:** نکته جالب و شاید شوکه کننده از قواعد دوازدهم این است که معمولاً از قواعد هر درس بیشتر از نیم نمره سؤال نداریم و عملاً در بهترین حالت، ۲ نمره از کل قواعد دوازدهم در امتحان نهایی خرداد (پایان ترم) سؤال می آید. در اینجا نیز شما در بخش های مختلف با حروف مشبَّهة و کاربرد معنایی آن ها و سپس «لا» نفی جنس آشنا می شوید.

۲۰. عَيْنُ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَ تَرْجُمُهَا:

۴۸۰. «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

۴۸۱. «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

۴۸۲. كَأَنَّ الْمُشْتَرَى مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ؛ وَلَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا.

۴۸۳. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

۴۸۴. «فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۴۸۵. لَيْتَنِي أَطِيرُ فِي السَّمَاءِ كَالطُّيُورِ.

۴۸۶. «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»

۴۸۷. «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

۴۸۸. «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۴۸۹. لَعَلَّ حَمِيدًا يُسَافِرُ لِلْمُهَمَّةِ الْإِدَارِيَّةِ.

۴۹۰. إِنَّمَا الْفَوْزُ لِمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَا يُرِيدُ أَنْ يُظْلَمَ أَحَدًا!

۴۹۱. صَبَرْنَا كَثِيرًا وَلَكِنْ مَا جَاءَ أَخِي، كَأَنَّهُ مَا كَانَ يَعْرِفُ الْأَخْبَارَ!

۴۹۲. إِنْ يُغْفَرَ ذَنْبُكَ يُمَكِّنُ أَنْ تُكَثِّرَ الْأَخْطَاءَ، فَلَيْتَكَ نَادِمًا!

۵۲۵. لَيْتَ اللَّاعِبِينَ يَكْتَسِبُونَ دَرَجَاتٍ عَالِيَةً.  
 ۵۲۶. لَعَلَّ كَلَامَ الْبَاطِلِ لَا يُجْزِي عَلَى لِسَانِنَا.  
 ۵۲۷. «لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي»  
 ۵۲۸. النَّاسُ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ مُكْسَرُ أَصْنَامِهِمْ.  
 ۵۲۹. «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ»  
 ۵۳۰. «وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»  
 ۵۳۱. عَلِمَ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ.  
 ۵۳۲. لَيْتَكُمْ تَبْتَغِدُونَ مِنَ الْكَسَلِ فِي الْحَيَاةِ.
- الف) ستتحقق الجملة  
 الف) لا أمل في حدوث الجملة  
 الف) غير ممكن  
 الف) المؤكد  
 الف) للمُشابهة  
 الف) للرجاء  
 الف) للارتباط  
 الف) لا نرجو وقوعه
- ب) وقوع الفعل بعيد  
 ب) قد يتحقق  
 ب) حدوث الفعل صعب  
 ب) التواضع  
 ب) للتخمين  
 ب) للتمني  
 ب) لإزالة الإيهام  
 ب) الشك والتردد

(۳۱ سؤال)

## شناخت انواع «لا»



**مشاوره:** در این قسمت باید سه نوع «لا» را خوب بشناسید (نفي جنس، نفي، نهی) که مجموعاً سخت نیست، چون از حرکت گذاری کلمه بعد به راحتی می‌توانید نوع «لا» را پیدا کنید. ضمن اینکه می‌دانیم «لا» نفي و نهی فقط با مضارع می‌آیند و نفي جنس با اسم می‌آید.

۲۳ عَيْنُ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۵۳۳. لَا بَلِيَّةَ أَصْعَبَ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۳۴. «لَا يَزْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَزْحَمُ النَّاسُ»

۵۳۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۵۳۶. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۵۳۷. لَا تَلْمِذَ مِنْ شِيرَازٍ؟ لَا أَنَا مِنْ طَهْرَانَ.

۵۳۸. الثَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

۵۳۹. لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ.

۵۴۰. «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

۵۴۱. لَا عَمَلَ لَكَ فِي الْمَجْتَمَعِ.

۵۴۲. لَا تَجْتَمِعِ الْخَصَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ.

۵۴۳. لَا شَيْءَ أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۴. لَا مُصِيبَةَ أَعْظَمُ مِنَ الْجَهْلِ.

۵۴۵. لَا مِيرَاثَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.

۵۴۶. لَا تَأْمَلْ عِنْدَ الْجَاهِلِ.

۵۴۷. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»

۵۴۸. لَا تَقُولُوا كَلَامًا عَنْ أَسْرَارِكُمْ لِلْآخَرِينَ.

۵۴۹. لَا تَجْلِيلَ فِي الْمَرَاسِمِ.

۵۵۰. يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَاسَلَ.

۵۵۱. إِنْ لَا تُحَاوَلُوا تَفْشَلُوا.

۵۵۲. لَا تَعَارَفْ لِي مِنَ الْأَصْدِقَاءِ.

۵۵۳. لَا تَكْذِبِ الْمُؤْمِنَةَ الَّتِي لَا إِثْمَ لَهَا.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(خرداد ۹۹ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)



٢٤) انتخب نوع «لا» من بين الجوابين:

٥٥٤. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ (ص) لَا يَخْزُوكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ  
 ٥٥٥. الْيَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ بَنُونَ.  
 ٥٥٦. الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ عَنْ بَرٍّ أَوْ فَاجٍ بِالنَّاسِ.  
 ٥٥٧. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.  
 ٥٥٨. لَا تَطْلُبِ الشَّرَّ لِلْآخِرِينَ.  
 ٥٥٩. لَا عِبَادَةَ كَادَاءِ الْفَرَائِضِ.  
 ٥٦٠. لَا مَعْصِيَةَ أَثْقَلُ مِنَ الْغِيْبَةِ.  
 ٥٦١. أَطْلُبُ الْعِلْمَ وَلَا تَكْسَلَنَّ فِي إِكْتِسَابِهِ.  
 ٥٦٢. لَا أَعْتَمِدُ عَلَى حَبِيبٍ لَا يُؤْفَى بِعَهْدِهِ.  
 ٥٦٣. لَا تَبْتَغِدُوا عَنِّي حَتَّى لَا تَفْشَلُوا.
- ☐ (الف) الناهية  
☐ (الف) النافية  
☐ (الف) النهي  
☐ (الف) الناهية - الناهية  
☐ (الف) الناهية  
☐ (الف) النافية  
☐ (الف) النافية للجنس  
☐ (الف) النافية  
☐ (الف) النهي  
☐ (الف) الناهية - الناهية  
☐ (الف) النهي - النهي  
☐ (ب) النافية  
☐ (ب) النافية للجنس  
☐ (ب) النفي  
☐ (ب) الناهية - الناهية  
☐ (ب) النفي - النهي  
☐ (ب) النافية  
☐ (ب) النافية للجنس  
☐ (ب) النفي  
☐ (ب) الناهية - الناهية  
☐ (ب) النهي - النهي

قواعد پایه (٢٠٣ سؤال)

(٢٠ سؤال)

مقدمه و مرور کلیات

**مشاوره:** جهت مرور کلیات فعل و اسم و تقسیم بندی های مختلف آن ها چند تمرین می بینیم که این تمرین در سوالات تحلیل صرفی به شما بسیار کمک می کند! ضمناً با این موارد کمی موتور ذهنتان روشن می شود تا در ادامه به سراغ اصل مطلب برویم.

٢٥) انتخب الجواب الصحيح حسب قواعد المفردات:

٥٦٤. تَجَنَّبَ:  
 ٥٦٥. إِلَهَةً:  
 ٥٦٦. أَسْوَأَ:  
 ٥٦٧. تَأَكَّدَ:  
 ٥٦٨. أَسْنَانَ:  
 ٥٦٩. مِيرَاثَ:  
 ٥٧٠. مَاضٍ مِنْ فِعْلِ «يَطِيرُ»:  
 ٥٧١. قَرَابِينَ:  
 ٥٧٢. نَارَ:  
 ٥٧٣. إِنْقَادَ:  
 ٥٧٤. جِهَاتَ:  
 ٥٧٥. دُنْيَا:  
 ٥٧٦. عَفَافَ:  
 ٥٧٧. دَارَ:  
 ٥٧٨. إِبْتِعَادَ:  
 ٥٧٩. تُذَرِكُ:  
 ٥٨٠. يُثْرِكُ:
- ☐ (الف) الاسم  
☐ (الف) المذكر  
☐ (الف) اسم التفضيل  
☐ (الف) الفعل المضارع  
☐ (الف) مفردة «سِنَّ»  
☐ (الف) المفرد  
☐ (الف) طَارَ  
☐ (الف) الجمع السالم للمذكر  
☐ (الف) المؤنث  
☐ (الف) الجمع المكسر  
☐ (الف) الجمع السالم للمؤنث  
☐ (الف) المذكر  
☐ (الف) الجمع المكسر و مفردة «عَافِيَة»  
☐ (الف) المذكر  
☐ (الف) المفرد  
☐ (الف) المزيد الثلاثي  
☐ (الف) المزيد الثلاثي  
☐ (ب) الفعل المضارع  
☐ (ب) المؤنث  
☐ (ب) الفعل المضارع  
☐ (ب) الفعل الماضي  
☐ (ب) المثني  
☐ (ب) الجمع  
☐ (ب) طَيْر  
☐ (ب) جمع التكسير  
☐ (ب) المذكر  
☐ (ب) المفرد  
☐ (ب) الجمع المكسر  
☐ (ب) المؤنث  
☐ (ب) المفرد المذكر  
☐ (ب) المؤنث  
☐ (ب) الجمع المكسر  
☐ (ب) المجزئ الثلاثي  
☐ (ب) المجزئ الثلاثي

۵۸۱. الفِعلُ المَجْهُولُ:

☐ الف) يُصَلِّحُ☐ ب) يُضْرَبُ☐ ج) يَفْتَحُ☐ د) يُنْزِلُ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۵۸۲. الفِعلُ المَعْلُومُ:

☐ الف) عَرَفَ☐ ب) نَصَرَ☐ ج) شَرِبَ☐ د) قَتَلَ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۵۸۳. فَعْلُ الأَمْرِ مِنَ «تُسَافِرُونَ»:

☐ الف) أُسَافِرُ☐ ب) تُسَافِرُونَ☐ ج) سَافِرُوا☐ د) سَافِرُ

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

(۲۱ سؤال)

## شناخت و ترجمه انواع اسم

**مشاوره:** یکی از قسمت‌های ثابت و همیشگی نهایی، **تشخیص و ترجمه انواع اسم** است که ۲ نمره دارد، یعنی شما پنج نوع اسم را تشخیص می‌دهید (اسم فاعل، مفعول، مبالغه، تفضیل و مکان) و **بابت هر کدام ۰/۷۵ می‌گیرید و سه اسم را نیز ترجمه می‌کنید که هر کدام ۰/۷۵ دارد و جمعاً می‌شود ۲ نمره** شیرین و قابل کسب. فقط باید به ریزه‌کاری‌ها، اسم‌های شبیه به هم، نکات ترجمه هر نوع اسم و... توجه ویژه کنید.

۲۶. عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(دی ۹۸ انسانی)

۵۸۴. يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ - الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ يَتَحَدَّثُ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَحْفَلِ.

(شهریور ۱۴۰۰ انسانی)

۵۸۵. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَ مَعَ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ فِي الْمَدْرَسَةِ. - أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.

(شهریور ۱۴۰۰)

۵۸۶. كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَما يَتَذَكَّرُ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ يَشْتَأْقِي أَنْ يَزُورَهَا. - إِنَّهُ رَجُلٌ صَبَّارٌ فِي عَمَلِهِ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(دی ۹۹)

۵۸۷. شَاهِدَ جَمَاعَةً أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ. - عِنْدَمَا يَرَى حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عُشِّهِ، يَنْظَاهِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ. - إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ.

(شهریور ۹۹)

۵۸۸. رَأَيْتُ الْمُهِندِسَ فِي الْمَصْنَعِ وَ هُوَ يَرْكَبُ السَّيَّارَةَ. - عَلَّقَى إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

۵۸۹. الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ تَحَدَّثَ مَعَ جَمِيعِ الطُّلَابِ. - يَنَامُ هَذَا السَّمَكُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. - قَامَ التَّلْمِيذُ عَنْ مَجْلِسِهِ لِلْأَسْتَاذِ.

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای یازدهم)

۵۹۰. يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، أَرْزُقْنِي.

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

۵۹۱. اخْتَلَفَ الْمُؤَرِّخُونَ فِي نَسَبِ ابْنِ الْهَيْثَمِ. - يَطِيرُ إِلَى الْأَسْفَلِ وَإِلَى الشَّمَالِ. - لَا تَشْتَبِهْ الْكَذَّابَ.

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

۵۹۲. شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ. - يُشْجَعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمْ. - قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السِّلَاحِ.

۵۹۳. «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» - قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ الْمَصَانِعِ فِي عَشْرِينَ دَوْلَةً.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

- «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» - الْخَبِيرُ إِنْسَانٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورٍ مِهْنَةٍ أَوْ بَرْنَامَجٍ.

۵۹۴. الْكُفَّارُ - الْعَلَامُ - مَدَارِسُ - مُفْتَرِسٌ - أَصْحٌ - فَضْلِي

۲۰. ۵۹۵. يَا تَلْمِيذُ حَافِظْ عَلَى مَكْتُوباتِكَ!

۲۰. ۵۹۶. الْحُضَارُ يَجْلِسُونَ فِي أَشْهُرِ الْمَلْعَبِ!

۵۹۷. الْمُجَاهِدُونَ الْمُكَرَّمُونَ فِي الْبَيْتِ!

۲۰. ۵۹۸. الْمُتَعَاوِنُ حَاضِرٌ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ!

۲۰. ۵۹۹. صَدِيقِي عَسَالٌ يَدِيهِ وَ هُوَ مُنْزَعَجٌ!

۲۰. ۶۰۰. أَحَبُّ الْمُتَنَقِّلِينَ خَيْرُهُمْ خُلُقًا!

۲۷. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

(دی ۹۹)

۶۰۱. أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ. - أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئَةَ كِتَابٍ.

(شهریور ۹۹)

۶۰۲. ظَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. - «كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»

(شهریور ۱۴۰۰)

۶۰۳. قَدْ أَضَافَ الْعَقَّادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ. - شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.

۲۸. عَيْنُ نَوْعَيْنِ مِنَ الْأَسْمِ ثُمَّ تَرْجِمُهُمَا:

(خرداد ۱۴۰۳ فنی و حرفه‌ای)

۶۰۴. يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: ..... / ..... - أَتَقِي النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ: ..... / .....



**مشاوره:** معمولاً ۱/۲۵ تا ۱/۵ نمره را به خود اختصاص می‌دهد و جالب است که غالباً نقش‌های پایه را از شما می‌پرسند و شاید ۰/۲۵ از نقش‌های دوازدهم سؤال طرح شود. پس تمرکز اینجا بیشتر روی شناخت «فاعل»، «مفعول»، «مبتدا»، «خبر»، «صفت»، «مضاف‌الیه» و «جار و مجرور» است. البته ما در این قسمت از کتاب بر همه نقش‌ها تمرکز داریم؛ هم پایه و هم دوازدهم و تمرین متعدد و متنوعی را برایتان جمع‌آوری کرده‌ایم.

۲۹ عَيْنَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحُطٍّ:

۶۰۵ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيَانٌ مَرِصُوصٌ﴾

۶۰۶ الطُّلَابُ مَحْزُونُونَ لِأَنَّهُمْ رَسَبُوا.

۶۰۷ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ يَزْرَعُ أَشْجَارًا.

۶۰۸ لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.

۶۰۹ الْحِكْمَةُ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.

۶۱۰ لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.

۶۱۱ حَاوَلْ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۶۱۲ الْعِلْمُ ضِيَاءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ.

۶۱۳ ﴿أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُبْذَرِينَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ﴾

۶۱۴ وَمِنْ مُهَذِّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ إِجَادُ التُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.

۶۱۵ اللَّهُ نَوَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

۶۱۶ اللَّهُ يَجْعَلُ أَيَّامَنَا كَثِيرَةً الْبَرَكَاتِ.

۶۱۷ الْخَفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

۶۱۸ يُؤَدِّي سَمَكُ الْقَرْشِ دَوْرًا مَهْمًا فِي حَيَاتِنَا.

۶۱۹ اللَّهُ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۶۲۰ حَارِشُ الْفُنْدُقِ يَسْهَرُ كُلَّ اللَّيْلِ مَعَ زَمِيلِهِ وَهُوَ فَرَحٌ.

۶۲۱ إِنَّمَا الْخِدَاعُ آلَةٌ لِلْمَرْءِ الضَّعِيفِ.

۶۲۲ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

۶۲۳ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾

۶۲۴ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ تَجَنُّبُ شَرِّهَا.

۶۲۵ يَا إِلَهِي! نَوِّرْ قَلْبِي بِالْعِلْمِ النَّافِعَاتِ.

۶۲۶ ﴿إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ / وَحَيَاءٌ وَغَفَافٍ وَأَدَبٍ﴾

۶۲۷ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾

۶۲۸ لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ.

۶۲۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ.

۶۳۰ لَا تَعْلَمْ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً.

۶۳۱ كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُهُ اللَّهِ عَلَيْهِ... لَا بَرَكَهَ فِيهِ.

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(دی ۱۴۰۱)

(دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۱۴۰۲)

(شبه‌نهایی کشوری ۱۴۰۳ یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۲ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی یازدهم)

(خرداد ۱۴۰۳ انسانی)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف دهم)

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

(شهریور ۹۹)

(خرداد ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۳ معارف یازدهم)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

(شهریور ۱۴۰۱ انسانی)

۶۳۲ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

۲۰ ۶۳۳ هذا الامرُ طبعيٌّ أن تتغيَّرَ أصواتُ بعضِ الكلمات عند الدخولِ للغَةِ أُخْرَى.

۲۰ ۶۳۴ التَّدْيُّنُ فِطْرِيٌّ فِي كُلِّ إِنْسَانٍ وَيَجِبُ عَلَيْنَا الْاهْتِمَامُ بِهِ.

۲۰ ۶۳۵ أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْنَا الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا لَنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.

۲۰ ۶۳۶ كَانَ أَقْوَامُ الْأَنْبِيَاءِ كَافِرِينَ وَقَدْ ذُكِرَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَهُمْ.

۶۳۷ هَذَا الصَّنَمُ لَا يَتَكَلَّمُ؛ وَيَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِأَصْنَانِنَا.

۶۳۸ الصَّبْرُ الْكَثِيرُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ.

۶۳۹ أَيْ كِتَابِ عِلْمِي يُسَاعِدُ التَّلْمِيذَ

۶۴۰ إِشْتَاقُ الْأَبِّ إِلَى زِيَارَةِ مَكَّةَ.

۶۴۱ يَغْرِسَانِ فِي الْحَدِيقَةِ أَشْجَارًا قَصِيرَةً.

۶۴۲ لَا يَهْدُدُ الزَّارِعُ الطَّبِيعَةَ فِي مَرْزَعَتِهِ الْكَبِيرَةِ

۶۴۳ لَا تُقَلِّ مَا لَا تُجِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

۶۴۴ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

۶۴۵ ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾

۶۴۶ الرَّجَاءُ تُوَدَّى دَوْرًا مُهِمًّا فِي نَجَاحِ الْبَشَرِ.

۶۴۷ الْكَذِبُ هُوَ مُخَرَّبُ الْإِيمَانِ.

۶۴۸ تِلْكَ مَوْضُوعَاتٌ جَدِيدَةٌ فِي جَامِعَتِنَا الْعَالَمِيَّةِ.

۶۴۹ وَ أَحْمِي وَ أَحْمِ بِلَادِي / مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ

۶۵۰ عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.

۶۵۱ ﴿لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ﴾

۶۵۲ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

۶۵۳ يَتَّبَعُ الْحَيَوَانُ طَائِرًا فِي عُشِّهِ.

۲۰ ۶۵۴ تَجَنَّبَ النَّاسُ مِنَ الْكَذْبِ أَهْمٌ سَبَبَ تَقَدُّمِ الْبِلَادِ الْأُورُوبِيَّةِ فِي عَصْرِهَا الْحَاضِرِ.

(۵۰ سؤال)

سؤالات ترکیبی

**مشاوره:** این قسمت ترکیب نقش یابی و شناخت انواع اسم است که در سطحی بالاتر در اینجا مورد سؤال واقع شده اند؛ پس با حوصله و دقت بیشتری آن ها را حل کنید؛ در واقع می توان گفت این تمارین یک چکاپ کامل از شرایط شما هستند و متنوع و جامع می باشند.

۳۰ عین المطلوب منك في هذه العبارات:

۶۵۵ ﴿وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (المفعول - الفاعل - المضاف إليه):

۶۵۶ ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ﴾ - لا تكسبي على السبورة. (نهى - ماضى - مضارع - امر): (خرداد ۱۴۰۳ یازدهم)

۶۵۷ نَمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. (مجرور بحرف جر): (خرداد ۱۴۰۳ دهم)

۶۵۸ سَاعَدْتَنِي مُعَلِّمَتِي فِي حُلِّ تَمَارِينِي. (نون الوقاية): (خرداد ۱۴۰۳ دهم)



٦٩٨. «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانَا.»

الف) الحروف المُشَبَّهَة:

☐ إِنَّمَا - إِنَّ

☐ إِنَّ

ب) الفاعل:

☐ الصَّنَم

☐ إِبْرَاهِيم

٦٩٩. «أَتَيْتَهَا الْبَنَاتُ؛ سَاعِدْنَ أُمَّكُنَّ لِاحْضَارِ الْبَضَائِعِ.»

الف) المَصْدَر المَزِيد:

☐ بَضَائِع

☐ احْضَار

ب) المَفْعُول:

☐ أُم

☐ أُمَّكُنَّ

٧٠٠. «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟»

الف) المَفْعُول:

☐ آلِهَة

☐ هَذَا

ب) المَبْتَدَأ:

☐ أَنْتَ

☐ إِبْرَاهِيم

٧٠١. «فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.»

الف) المَفْعُول:

☐ اللَّهُ

☐ ضَمِير «ه»

ب) الحرف الجَار:

☐ فَ

☐ مِنْ

٧٠٢. «التَّذْنِيعُ لِلْإِنْسَانِ فِطْرِيٌّ وَ يَقُولُ التَّارِيخُ لَنَا مِنْ خَوَادِثِهِ.»

الف) الْخَبَر:

☐ فِطْرِيٌّ

☐ لِلْإِنْسَانِ

ب) الْفَاعِل:

☐ التَّارِيخُ

☐ التَّذْنِيعُ

٧٠٣. «فَأَجَابَهُمْ: «لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِنْ سَأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.»»

الف) المَفْعُول:

☐ ضَمِير «هُمْ»

☐ الْكَبِير

ب) الْمَوْصُوف:

☐ الْكَبِير

☐ الصَّنَم

٧٠٤. «إِنَّمَا الْمُتَكَايِلُونَ ظَلَمُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَكِنْ مَا فَهِمُوا هَذَا الْمَوْضُوعَ أَنَّ التَّكَاسُلَ خَطِيئَةٌ كَبِيرَةٌ.»

الف) الحروف المُشَبَّهَة:

☐ وَلَكِنْ - أَنَّ

☐ أَنَّ

ب) الْمَصْدَر:

☐ التَّكَاسُلُ

☐ خَطِيئَةٌ

(٣٠ سؤال)

### انتخاب گزینۀ صحیح، صرف فعل و ساختار جمله



**مشاوره:** معمولاً نیم نمره، یعنی دو تا ۲۵٪ از صرف فعل و اصولاً مسائل مربوط به ساختار جمله سؤال داریم که غالباً به شکل سه گزینه ای است.

این قسمت چندان دشوار نیست، ولی بیشتر بچه ها در آن نمره از دست می دهند، چون قلیق حل آن ها را بلد نیستند، به همین خاطر سؤالات زیادی را به همراه الگوهای حل آن ها برایتان آورده ایم. به عنوان یک نکته کلیدی حواستان باشد که کل جمله را بخوانید و از قرینه ها، اسم ها، ضمایرو... بفهمید که فعل یا اسم مناسب برای جمله کدام است و در چه صیغه ای باید باشد. ضمناً، لطفاً حتماً پاسخ نامه و علت رد و قبول گزینه ها را بررسی کنید.

٢٣) انتخاب الصَّحِيحُ للعبارة التالية:

٧٠٥. .... في اليوم الماضي دروسك إِلَّا هَذَا الدَّرْسَ. (ما قرأت - ما قرأت - لا تُقرأ)

٧٠٦. .... الرُّجَالُ گَنَحُوا الْمَسْجِدَ. (يَذْهَبُونَ - تَذْهَبُونَ - يَذْهَبُ)

٧٠٧. .... شَوَارِعُ قُرْبِ الْمَطَارِ. (هذه - أولئك - هؤلاء) +۲۰

٧٠٨. .... لَا. (بالنسب محمود - فخرًا - فخر - الفخر - فخر) +۲۰

٧٠٩. .... أَتَيْتَهَا الْمُهَنْدِسَةُ هَلْ ..... الْحَلْ؟ (تعرف - اعرفي - تعرفين - عرفت) +۲۰

٧١٠. .... لَذَنْبِكَ عِنْدَ اللَّهِ. (استغفر - استغفر - استغفري) +۲۰

٧١١. .... كَأَنَّهُ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ. (المُقاتِل - المُقاتِلَة - المُقاتِلون) +۲۰

٧١٢. .... عَلَى النَّاسِ أَنْ يَكُونُوا ..... الْكَلَامِ. (نُقَاد - نَقَاد - ناقد) +۲۰

٧١٣. .... كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْفِثَرَانِ ..... عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ. (تَهْجُم - يَهْجُمون - يَهْجُم)

٧١٤. .... لَيْتَنِي ..... جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِي. (يُشَاهِدُ - أَشَاهِدُ - تُشَاهِدُ)

٧١٥. .... الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ ..... فِي الْمَصْنَعِ. (يَشْتَغِلُونَ - تَشْتَغِلُونَ - يَشْتَغِلن)

(خرداد ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸ انسانی)

(شهریور ۹۸)

۷۱۶. قَدْ ..... الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (ذَكَرَتْ - ذَكَرَ - ذَكَرْنَ)
۷۱۷. الرُّمْلَاءُ ..... فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (حَضَرَ - حَضَرْنَ - حَضَرُوا)
۷۱۸. الْأَعْيُونُ الْإِيرَانِيَّةُ ..... مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (رَجَعُوا - رَجَعَ - رَجَعْتُمْ)
۷۱۹. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ..... رَبُّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (اعْبُدْنِ - اعْبُدُوا - يَعْبُدْنَ)
۷۲۰. عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ ..... مِنَ الْوَجْهِ النَّافِعِ. (يُسْتَفِيدُ - تُسْتَفِيدُ - يَسْتَفِيدُ)
۷۲۱. الظَّالِمَاتُ ..... فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ. (تَجْتَنِّهْنَ - تَجْتَنِّهْدُ - يَجْتَنِّهْنَ)
۷۲۲. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرَحِينَ. (شَجَّعَ - شَجَّعَتْ - شَجَّعُوا)
۷۲۳. وَالِدَتِي ..... فِي مَوْسِمَةِ ثِقَافِيَّةٍ. (اشْتَعَلَ - سَيَسْتَعِلُ - تَشْتَعِلُ)
۷۲۴. الْمُضَارِعُ مِنَ «جَاهَدْنِ» (يُجَاهِدُونَ - يُجَاهِدْنَ - تُجَاهِدْنَ)
۷۲۵. النَّهْيُ مِنَ «تَتَكَاسَلْنَ» (لَا تَتَكَاسَلْنَ - لَا تَتَكَاسَلْنَ - لَا تَتَكَاسَلُوا)
۷۲۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ..... كَثِيرًا مِنَ الظُّلْمِ. (اجْتَنِبْ - اجْتَنِبُوا - اجْتَنِبْنَ)
۷۲۷. إِنَّهَا لَمْ ..... شَيْئًا. (تَصْنَعُ - تَصْنَعُ - يَصْنَعُ)
۷۲۸. الْأَنْزَارُ الْقَدِيمَةُ ..... إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (تُؤَكِّدُ - يُؤَكِّدُونَ - يُؤَكِّدُ)
۷۲۹. «لَا ..... فِي الدِّينِ» (إِكْرَاهَ - إِكْرَاهَ - إِكْرَاهَا)
۷۳۰. أَيُّهَا الظَّالِمُ لَا ..... مَعَ غَيْرِكَ. (تَتَكَلَّمُ - تَتَكَلَّمُ - يَتَكَلَّمُ)
۷۳۱. اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ ..... غَدًا. (يَمُوتُ - تَمُوتُ - نَمُوتُ)
۷۳۲. ..... الْمُؤْمِنُونَ كَلَامَ الْحَقِّ. (يَقُولُونَ - يَقُولُ - تَقُولُ)
۷۳۳. النَّاسُ ..... غِيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةٍ. (الشَّاهِدَ - يُشَاهِدُونَ - يُشَاهِدُونَ)
۷۳۴. ..... كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (الْأَمْرَ مِنْ «إِحْسَانٍ»). (أُحْسِنُ - يُحْسِنُ - أُحْسِنُ)

(سؤال ۳۲)

## تحليل صرفی



**مشاوره:** همواره نیم نمره را به خود اختصاص داده و در غالب دو سؤال تستی (دوگزینه‌ای) مطرح می‌شود. به‌طور کلی برای حل آن‌ها باید چکیده‌ای از تمام قواعد بدانید، اما معمولاً سطح این سؤالات متوسط و منطقی است و حتی غالباً گزینه اشتباه، بیش از یک غلط دارد که طبیعتاً کار را برایتان ساده‌تر می‌کند. ضمناً محوریت این سؤالات روی مطالب سال دهم یعنی زمان و صیغه فعل، معلوم و مجهول بودن، مجرد و مزید بودن و یا انواع اسم و جنسیت و معرفه و نکره و ... است.

۳۲. اِنْتَجِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْمَفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ :

(خرداد ۹۸)

۷۳۵. «إِزْدَادَاتُ الْخُرَافَاتِ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ»

إِزْدَادَتْ:

☐ (ب) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

☐ (الف) فِعْلٌ مَاضٍ، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَجْهُولٌ / مُبْتَدَأٌ

الْعُصُورُ:

☐ (ب) اِسْمٌ، مُفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مَفْعُولٌ

☐ (الف) اِسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ

(دی ۱۴۰۲ انسانی)

۷۳۶. «لَا يَحْضُرُ الشُّبَاخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ»

الشُّبَاخُ:

☐ (ب) اِسْمٌ مُبَالِغَةٌ، مُفْرَدٌ مُذَكَّرٌ، مَعْرُوفَةٌ / مُبْتَدَأٌ

☐ (الف) اِسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٍ، مَعْرُوفَةٌ / فَاعِلٌ

لَا يَحْضُرُ:

☐ (ب) فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَنْفَعٍ، مَعْلُومٌ / فِعْلٌ

☐ (الف) فِعْلٌ نَهْيٌ، مَعْلُومٌ، مُجَرَّدٌ ثَلَاثِي / خَبَرٌ



(خرداد ۹۸ انسانی)

۷۳۷. «الْمُؤْمِنُ لَا يُظْلَمُ الْآخَرِينَ لِأَنَّهُ لَا يُحِبُّ أَنْ يُظْلَمَ»

المؤمن:

□ الف) اسم، جمع تكسير، معرف بالعلمية / فاعل

□ ب) اسم فاعل، مفرد مذکر، معرف بآل / مبتدأ

يُظْلَمُ:

□ الف) فعل مضارع، مفرد مذکر غائب، ثلاثي مجرد، معلوم / خبر

□ ب) فعل، مفرد مذکر غائب، مجهول، ثلاثي مزيد / فعل والجملة فعلية

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

۷۳۸. «لَا تَطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»

لا تطعموا:

□ الف) فعل نهى، جمع مذکر مخاطب، ثلاثي مزيد، معلوم / فعل والجملة فعلية

□ ب) فعل نهى، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثي مجرد، معلوم / فعل و فاعل

(خرداد ۱۴۰۰ انسانی)

المساكين:

□ الف) اسم، جمع تكسير، اسم فاعل، نكرة / فاعل

□ ب) اسم، جمع تكسير و مفردة «مسكين»، معرف بآل / مفعول

پُر تکرار (شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹ انسانی)

۷۳۹. «تَذْهَبُ الْمُعَلِّمَةُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ»

تذهب:

□ الف) فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، ثلاثي مجرد، معلوم / فعل والجملة فعلية

□ ب) فعل مضارع معلوم، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثي مزيد / فعل و فاعله «المعلمة»

المكتبة:

□ الف) اسم تفضيل، مفرد، معرفة، من مادة «ك ت ب» / مضاف إليه

□ ب) اسم مكان، مفرد، مؤنث، معرف بآل / مجرور بحرف جر (إلى) المكتبة: جاز و مجرور

(خرداد ۹۹ انسانی)

۷۴۰. «يَجْعَلُ اللَّهُ الْيَوْمَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ»

يجعل:

□ الف) فعل مضارع، مفرد مذکر غائب، ثلاثي مجرد، معلوم / فعل والجملة فعلية

□ ب) فعل، مفرد مذکر غائب، ثلاثي مزيد / فعل و فاعله «الله»

البركات:

□ ب) اسم، جمع مؤنث سالم، معرف بآل، معرف / مضاف إليه

□ الف) اسم، جمع تكسير، معرف بالعلمية، معرف / صفة

(خرداد ۱۴۰۲ انسانی)

۷۴۱. «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...»

جعلنا:

□ الف) فعل ماضٍ، ثلاثي مجرد، معلوم، لمتكلم مع الغير / فعل و فاعل

□ ب) فعل ماضٍ، ثلاثي مزيد من باب إفعال / فعل و فاعل

(شبه‌نهایی فارس ۱۴۰۳)

۷۴۲. «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»

أقيم:

□ الف) فعل أمر، معلوم، مزيد ثلاثي / جملة فعلية

□ ب) فعل أمر، مجهول، مجرد ثلاثي / جملة فعلية

الدين:

□ الف) اسم، مفرد و جمعه «أديان»، معرف بالعلمية / مفعول

□ ب) اسم، مفرد، مذكر، معرف بآل / مجرور بحرف جاز (للدین: جاز و مجرور)

(شهریور ۹۸ انسانی)

۷۴۳. «يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيْقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ»

يشجع:

□ الف) فعل مضارع، ثلاثي مجرد، مجهول / فعل و فاعله «المتفرجون»

□ ب) فعل مضارع، مفرد مذکر غائب، ثلاثي مزيد من باب تفعيل، معلوم / فعل

الفائز:

□ الف) اسم فاعل، مذكر، معرف بآل / صفة

□ ب) اسم، مفرد، مذكر، معرف بالعلمية / مفعول